



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما

کره‌کشایی از دیدگاه اسلام

کامل‌دیری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گره گشایی در اسلام

نویسنده:

کاظم دلیری

ناشر چاپی:

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	گره گشایی در اسلام
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۴	فصل اول: کلیات
۱۴	۱. طرح مسئله
۱۵	۲. اهداف پژوهش
۱۵	۳. پرسش های پژوهش
۱۶	۴. فرضیه پژوهش
۱۶	۵. روش پژوهش
۱۷	۶. پیشینه پژوهش
۱۸	۷. مفهوم شناسی
۱۸	۸. گستره موضوع
۱۹	۹. کاربرد رسانه ای
۲۰	فصل دوم: اهمیت گره گشایی در اسلام
۲۰	۱. گره گشای اصلی
۲۱	۲. محبوب ترین کارها نزد خداوند
۲۲	۳. برترین عبادت ها
۲۳	۴. برترین مردم
۲۵	۵. شرط ایمان
۲۷	۶. شرط برادری
۲۸	۷. وظیفه دینی
۳۰	۸. شادی خدا و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)
۳۲	فصل سوم: آثار گره گشایی

۱. آثار اخروی ۳۲
- الف) رحمت ویژه الهی ۳۲
- ب) آمرزش گناهان ۳۳
- ج) امان از آتش دوزخ ۳۵
- د) رفع اندوه و گرفتاری های قیامت ۳۶
۲. آثار معنوی و عرفانی ۳۹
- الف) گذر از حجاب نفسانی ۳۹
- ب) مظهر اسمای الهی شدن ۴۰
- ج) آموختن شیوه عاشقی خدا ۴۱
۳. آثار فردی ۴۳
- الف) رفع گرفتاری و اصلاح امور زندگی ۴۳
- ب) محبوبیت مردمی ۴۷
۴. آثار روان شناختی ۴۷
- الف) خودپنداری مثبت ۴۷
- ب) توسعه شخصیت ۴۸
- ج) احساس رضایت ۵۰
۵. آثار اجتماعی ۵۱
- الف) بهبود وضع نیازمندان ۵۱
- ب) کاهش بزه کاری ۵۱
- ج) تقویت هم بستگی ۵۲
- د) افزایش سطح امید به زندگی ۵۲
- فصل چهارم: آثار ترک گره گشایی ۵۴
۱. عذاب اخروی ۵۴
۲. گرفتاری در دنیا ۵۵
۳. گرفتار شدن به یاری گنه کاران ۵۶
۴. محروم شدن از رحمت الهی ۵۸

۵۸	۵. قطع ولایت خداوند و اهل بیت (علیهم السلام)
۶۱	فصل پنجم: مصداق های گره گشایی
۶۱	۱. رفع نیازهای مادی
۶۱	اشاره -
۶۱	الف) خوراک -
۶۳	ب) پوشاک -
۶۶	ج) مسکن -
۶۷	د) ازدواج -
۶۹	هـ) آموزش -
۷۰	و) کار -
۷۰	ز) خدمات عمومی -
۷۱	هـ) قرض دادن -
۷۳	ز) خرج کردن آبرو (بذل جاه) -
۷۷	ج) دفاع از حق ستم دیده -
۷۹	۲. رفع نیازهای معنوی -
۷۹	الف) میانجی گری و آشتی دادن دیگران -
۷۹	اشاره -
۸۰	یک - عرصه های میانجی گری -
۸۰	اول - اختلاف خانوادگی -
۸۲	دوم - اختلاف اجتماعی -
۸۴	یک - جواز دروغ گفتن برای میانجی گری -
۸۵	دو - انفاق مالی برای میانجی گری -
۸۶	سوم - اختلاف دولت های اسلامی -
۸۷	ب) هدایت گری -
۸۷	یک - ارشاد گمراهان -
۸۸	دو - نصیحت -

سه - مشورت دهی	۹۲
چهار - هم دردی	۹۴
پنج - احترام	۹۶
شش - خوش رویی	۹۷
فصل ششم: موانع گره گشایی	۹۹
۱. موانع فردی	۹۹
الف) بخل	۹۹
ب) سستی	۱۰۱
ج) شرم بیش از اندازه	۱۰۱
د) فراموشی مرگ و قیامت	۱۰۲
۲. موانع اجتماعی	۱۰۳
الف) دولتی پنداشتن کارکردهای خدماتی و اجتماعی	۱۰۳
ب) مشکلات دوران مدرنیته	۱۰۴
فصل هفتم: راه کارهای گره گشایی	۱۰۶
۱. تغییر نگرش	۱۰۶
اشاره	۱۰۶
الف) نعمت دیدن حاجت خواهی مردم	۱۰۶
ب) آزمایش دیدن نعمت های الهی	۱۰۷
ج) ترویج انفاق	۱۰۸
۲. فراگیر شدن سنت قرض الحسنه	۱۰۹
۳. درخواست معرفی حکم از همسران هنگام درخواست طلاق	۱۰۹
۴. تبدیل شدن مسجدها به کانون های گره گشایی محلی	۱۰۹
۵. تبلیغ و ترویج سنت نیکوی صلہ رحم	۱۱۰
۶. جهت دهی درست به نیکوکاری	۱۱۱
۷. توسعه مراکز نیکوکاری	۱۱۱
فصل هشتم: آسیب شناسی گره گشایی	۱۱۲

۱. اخلاص و تقوا ۱۱۲
۲. رعایت حدود شرعی ۱۱۳
۳. حفظ حرمت و آبروی افراد ۱۱۷
۴. منت گذاشتن ۱۲۳
۵. شتاب در کار ۱۲۴
۶. میانه روی ۱۲۶
۷. پرهیز از بدی گمان ۱۲۸
- فصل نهم: همراه با برنامه سازان ۱۳۱
۱. بایدها و نبایدهای سیاست گذاری کلان رسانه ۱۳۱
- اشاره ۱۳۱
- الف) ترویج روحیه برادری اسلامی و نوع دوستی به جای تأکید بر خودخواهی ۱۳۱
- ب) آگاهی بخشی با بهره گیری از روش دینی بیم و امید دادن ۱۳۲
- ج) تشویق و تحریک ۱۳۲
- د) تولید برنامه های گوناگون برای همه گروه های سنی ۱۳۳
- هـ) معرفی الگوهای شایسته گره گشایی ۱۳۳
۲. نقد و ارزیابی برنامه های پخش شده در رسانه ۱۳۴
- الف) ترویج روحیه فردگرایی و تجمل گرایی به جای دیگرپذیری و گره گشایی ۱۳۴
- ب) در حاشیه بودن گره گشایی در رفت و آمدهای خانوادگی و همسایگی ۱۳۵
- ج) نقد یک مجموعه تلویزیونی ۱۳۵
۳. راه کارهای پرداختن به موضوع در رسانه ۱۳۶
- الف) فیلم کوتاه ۱۳۶
- ب) طرح کوتاه ۱۳۶
- ج) مستندسازی ۱۳۷
- د) فیلم سازی ۱۳۸
- هـ) برنامه طنز ۱۴۴
- ز) شعر ۱۴۴

۱۴۸ (و) گزارش
۱۵۰ (ح) زیرنویس و پیام مجری
۱۵۴ پرسش های مسابقه ای
۱۵۷ پرسش های مردمی
۱۵۸ پرسش های کارشناسی
۱۶۰ کتاب نامه
۱۷۰ درباره مرکز

سرشناسه: دلیری، کاظم، ۱۳۵۶ -

عنوان و نام پدیدآور: گره گشایی در اسلام / کاظم دلیری؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۱۴۶ ص.

شابک: ۱۴۰۰۰ ریال ۹۶۴ ۹۷۸ ۲۷۶۱ ۴ ۱۰

یادداشت: عنوان روی جلد: گره گشایی از دیدگاه اسلام.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۴] - ۱۴۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد: گره گشایی از دیدگاه اسلام.

موضوع: اخلاق اسلامی

موضوع: نوع دوستی

موضوع: اخلاق اجتماعی جنبه های مذهبی اسلام

موضوع: ایثارگری

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: BP۲۴۷/۸ / د ۸ گ ۴ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۱

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۵۰۰۵

ص: ۱

این فضیلت، در اخلاق اجتماعی اسلام، اهمیت بسیاری دارد. تا جایی که جامعه ای را که این ویژگی در آن فراگیر نشده است، نمی توان جامعه ایمانی نامید. پس بر جامعه اسلامی که این فضیلت در آن رشد نکرده، لازم است که مریبان، گویندگان و هنرمندان آن در ترمیم این ویرانی اخلاقی بکوشند و کوتاهی نورزند. در این میان، نقش رسانه بزرگ صدا و سیما که مدرسه بهترین مریبان، بلندگوی گویندگان و نمایشگاه هنرمندان و به تعبیر امام خمینی (ره)، «دانشگاه عمومی» است، دو چندان می شود.

در این کتاب، می کوشیم تا پس از ترسیم چهره فضیلت گره گشایی در آموزه های اسلام و کاوش در ابعاد آن، پیشنهادهایی برای برنامه سازی درباره این موضوع بیاوریم.

بدان امید که این اثر، مورد قبول ساحت مقدس حضرت بقیه الله (عج) قرار گیرد و گامی باشد به سوی زمینه سازی حکومت جهانی عدالت و محبت مهدوی، همو که با آمدنش «کیش عدالت» و «کیش مهر» بر تمام جهان سایه گستر می شود و جامعه ای جهانی بر پایه خداباوری و برادری تحقق می یابد. به امید آن روز.

۱. طرح مسئله

دین اسلام، هدف از آفرینش انسان را رسیدن به قرب الهی قرار داده و انسان ها را به سوی بندگی و عشق به پروردگار فرا خوانده است تا از این رهگذر، به درجه های والای رضایت پروردگار دست یابند.

پرسشی که در این زمینه مطرح می شود این است که از دیدگاه دین عشق به هم نوعان و هم کیشان، رفع گرفتاری ها و مشکلات آنها و گره گشایی از کارشان چه جایگاهی دارد؟ آیا عشق به خالق یکتا، با عشق به بندگان او منافات دارد، یا عشق به بندگان خداوند، همچون عشق به اوست؟

در یک کلام، توجه به گرفتاری های مسلمانان و خواهران و برادران دینی، در اندیشه اسلام چه جایگاهی دارد و چگونه می تواند در تأمین هدف های متعالی اسلام؛ یعنی رسیدن به اوج بندگی و دلدادگی و دیدار با معشوق ازلی نقش ایفا کند؟

همه ما کم و بیش می دانیم که دین اسلام، به ویژگی های پسندیده اخلاقی، همچون برادری دینی، اهتمام به امور برادران دینی، تلاش برای رفع نیازها و تلاش برای گشایش امور آنان، بسیار اهمیت داده است، ولی چون نسبت این فضیلت های اخلاقی را با اهداف والای تربیتی دین نمی دانیم و از آثار آن غافلیم، در عمل با مشکل روبه رو می شویم. ما با اینکه به عبادت و بندگی خدا اهمیت فراوانی می دهیم، ولی از مشکلات خویشاوندان، همسایگان و دوستان خود بی خبریم و در حد توان یا حتی برای رفع نیازهای ضروری آنها تلاش نمی کنیم.

با پرداختن به موضوع گره‌گشایی روشن خواهد شد که یاری مسلمانان در دین چه جایگاهی دارد و با اهداف والای دین داری، بندگی، عشق و توجه به خداوند مهربان چه نسبتی پیدا می‌کند؟

بی تردید، حل این مسئله و درک دقیق این آموزه اخلاقی، اجتماعی و اسلامی، زمینه عمل به آن و در نهایت، رسیدن به سعادت فرد و اجتماع را فراهم می‌آورد. در این میان، رسانه ملی می‌تواند با تبیین دقیق جنبه‌های گوناگون این موضوع مانند اهمیت، آثار، موانع و راه‌کارهای رفع آن، آفت‌ها و راه‌پیش‌گیری و درمان آن، به گونه‌ای شایسته در جامعه هنجارسازی کند و زمینه رسیدن به جامعه آرمانی، سالم و سعادت‌مند را فراهم آورد.

۲. اهداف پژوهش

در این پژوهش می‌کوشیم به این هدف‌ها دست‌یابیم: نخست، بیان جنبه‌های علمی موضوع گره‌گشایی از دیدگاه اسلام و دوم، طرح موانع گره‌گشایی و دلایل به فراموشی سپردن آن در جامعه و سوم، کمک به برنامه‌سازان صدا و سیما برای هنجارسازی و نهادینه کردن این فضیلت اخلاقی در جامعه.

برای تحقق این اهداف، لازم است ابتدا آیه‌ها و روایت‌های موجود، سیره معصومین و بزرگان دین و نظر اندیشمندان را درباره گره‌گشایی گردآوری و با دقت دسته‌بندی کنیم. پس از آن، جنبه‌های گوناگون موضوع را که از منابع دینی استخراج و استنباط شده است، در قالب پیشنهادهایی برای برنامه‌سازی صدا و سیما می‌آوریم.

۳. پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش این است:

دیدگاه اسلام درباره گره‌گشایی چیست؟

پرسش‌های فرعی پژوهش نیز بدین قرارند:

۱. گره‌گشایی در اسلام چه اهمیتی دارد؟

۲. آثار فردی و اجتماعی گره گشایی چیست؟

۳. موانع عمل به این فضیلت اخلاقی چیست؟

۴. راه کارهای عمل کردن به این فضیلت اخلاقی کدام است؟

۵. چه آفت هایی ممکن است دامن گیر این عمل اخلاقی شود؟ راه پیش گیری از این آسیب ها چیست؟

۶. چگونه می توان این موضوع را در قالب برنامه های صدا و سیما عرضه کرد؟

۷. کدام برنامه ها، ظرفیت پرداختن به این موضوع را دارند؟

۸. در برنامه های موجود، نکته های مثبت و منفی پرداختن به این موضوع ها کدام است؟

۹. چه پیشنهاد های تازه ای درباره این موضوع به برنامه سازان می توان ارائه کرد؟

۴. فرضیه پژوهش

دین مقدس اسلام برای رفع موانع و سعادت، به جای راه های تنگ نظرانه رهبانیت و ریاضت های دشوار و عزلت، کوشش برای رفع مشکلات و گشایش امور بندگان خدا و از خود گذشتگی در این راه را پیش روی سالکان راه خود قرار داده است. این فضیلت به سبب ریشه داشتن در سرشت انسان، زیبایی ها و جذابیت های ویژه خود را دارد. از این رو، موضوع بسیار مناسبی برای برنامه های گوناگون رسانه ملی است.

نتیجه این فرضیه، پاسخی مناسب به پرسش های پژوهش است؛ زیرا اسلام درباره گره گشایی دیدگاه بازی دارد و امکان برنامه سازی در این موضوع به صورت گسترده نیز به چشم می خورد.

۵. روش پژوهش

روش این پژوهش بر اساس منابع آن، تلفیقی است. به این معنا که منابع این پژوهش هم قرآن کریم و روایت است و هم عقل و علوم تجربی.

بنا براین، اطلاعات گردآوری شده از منابع نقلی دینی به روش تفسیری - تبیینی، پردازش و استفاده می شود و اطلاعات برگرفته از منابع تجربی و عقلی با روش تحلیلی - تبیینی به خدمت گرفته شده است. نظر به اینکه در بخش دوم، بیشتر از منابع قرآن و روایت بهره گرفته شده، روش تفسیری - تبیینی بیشتر به کار آمده است.

۶. پیشینه پژوهش

در موضوع گره گشایی، کتاب یا مقاله مستقلی با این عنوان یا عنوان مشابه نیافتیم، ولی در منابع روایی اسلامی، باب هایی به چشم می خورند که با موضوع گره گشایی رابطه نزدیکی دارند. برای مثال، در جلد دوم اصول کافی، باب هایی با این نام ها دیده می شود: «بَابُ الْإِهْتِمَامِ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ وَالنَّصِيحَةِ لَهُمْ وَنَفْعِهِمْ»؛ «بَابُ أَخْوَةِ الْمُؤْمِنَانِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ»؛ «بَابُ التَّرَاحُمِ وَالتَّعَاطُفِ»؛ «بَابُ إِدْخَالِ السِّرِّ رُورَ عَلَى الْمُؤْمِنَانِ»؛ «بَابُ قَضَاءِ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ»؛ «بَابُ السَّعْيِ فِي حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ»؛ «بَابُ تَفْرِيجِ كَرْبِ الْمُؤْمِنِ»؛ «بَابُ إِطْعَامِ الْمُؤْمِنَانِ»؛ «بَابُ مَنْ كَسَا مُؤْمِنًا»؛ «بَابُ فِي إِطْفِافِ الْمُؤْمِنِ وَإِكْرَامِهِ»؛ «بَابُ نَصِيحَةِ الْمُؤْمِنِ»؛ «بَابُ الْإِصْلَاحِ بَيْنَ النَّاسِ» و باب های دیگر که هر کدام به گونه ای با موضوع گره گشایی ارتباط دارند. در این پژوهش، می کوشیم تا روایت های مربوط به این موضوع را سامان دهی کنیم.

افزون بر این، در کتاب های روایی دیگر همچون بحار الانوار و میزان الحکمه نیز موضوع های پراکنده ای با موضوع گره گشایی مرتبط هستند. در کتاب های اخلاقی همچون جامع السعادات و معراج السعاده نیز در کنار بیان فضایل و رذایل اخلاقی، به برخی مصداق های گره گشایی پرداخته شده است که صبغه روایی آن قوی تر از جنبه های دیگر است. در کتاب های روایی مانند بحار الانوار، نمونه های عینی فراوانی از گره گشایی در زندگی بزرگان دین و امامان معصوم (ع) به چشم می خورد که به فراخور حال این پژوهش از آنها بهره گرفته شده است.

مفاهیم کلیدی این پژوهش، همه در یک سطح از اهمیت نیستند؛ برخی در پاره ای از فصل های کتاب، به شکل جزئی و موردی به کار رفته اند و عده ای از مفاهیم پایه همه جا حضور دارند.

مفاهیم پایه مانند گره گشایی، توجه به امور مسلمانان، برادری (اخوت) و مفاهیم وابسته مثل اصلاح ذات البین، ارشاد، کمک و نیکوکاری، مشاوره، انفاق و دفاع از مظلوم هستند. ما در اینجا تنها مفاهیم پایه را تعریف می کنیم و در صورت لزوم، مفاهیم وابسته در جایگاه مناسب خود توضیح داده خواهد شد.

الف) گره گشایی: کوشش برای برطرف کردن مشکلات دیگران؛

ب) برادری (اخوت): یک رابطه تعریف شده دینی که نتیجه آن هم دلی و هم یاری مسلمانان با یکدیگر است.

۸. گستره موضوع

گرفتاری ها و گره های زندگی انسان ها در این دنیا بسیار گوناگون است و جنبه های گسترده ای را دربرمی گیرد. گرفتاری در مرحله نخست به مادی و غیرمادی تقسیم می شود. گرفتاری های مادی می تواند ریشه اقتصادی داشته باشد که باید با انفاق و ایثار و راه های مشابه، آن را برطرف ساخت و شاید ریشه سیاسی و اجتماعی داشته باشد که معمولاً با واژه ستم از آن یاد می کنند. در آموزه های دینی آمده است که مسلمانان هر جا صدای برادر ستم دیده ای را بشنوند، باید به یاری او بشتابند. البته امروزه مصداق های جدیدی از گرفتاری های اجتماعی و ستم ها به فراخور تغییر روش زندگی در دوران جدید پدید آمده است که نمونه آن، گرفتاری های اداری و بوروکراتیک است.

گرفتاری های غیرمادی، مشکلاتی مانند مشکلات عاطفی و روحی، جهل یا اختلاف ها و کینه ها و ناسازگاری های میان افراد را دربرمی گیرد. در این پژوهش، می کوشیم با تبیین مصداق های گرفتاری ها و راه کارها،

آفت‌ها و جنبه‌های گوناگون موضوع را به طور کلی واکاوی و موارد ویژه را نیز تا آن جا که از اصل موضوع خارج نشویم، بررسی کنیم.

۹. کاربرد رسانه‌ای

موضوع‌های اخلاقی به ویژه آنها که به اخلاق اجتماعی و خیرخواهی و انسان دوستی مربوط می‌شود، جذابیت فوق‌العاده‌ای دارند و به دلیل قدرت فراوان در برانگیختگی هیجانی، از آنها می‌توان در فیلم‌های عاطفی، جنگی و حتی سیاسی یا سریال‌های تلویزیونی بهره برد.

همچنین جنبه‌های گسترده این موضوع، میزگردها، همایش‌ها، گزارش‌ها، گفت‌وگوها و پیام‌های گفتاری و نوشتاری زیادی را شکل می‌دهد. امیدواریم این پژوهش کوتاه، ذهن هشیار برنامه‌سازان کاردان و دل‌سوز را به تکاپو وادارد و برنامه‌های موفق‌تری در این موضوع تهیه شود.

۱. گره گشای اصلی

از آنجا که خداوند بزرگ، سرچشمه قدرت و رحمت است، کمکی که از بنده ای به بنده دیگر می رسد، لطف و یاری اوست و بندگان، وسیله ای بیش نیستند که خداوند، توفیق خدمت را نصیب آنها کرده است. بنا براین، اگر در این پژوهش، از گره گشایی بندگان نسبت به همدیگر سخن می گوئیم، همواره این نکته را در نظر داریم که گشایش گر و تکیه گاه حقیقی هر انسانی، ذات پاک و توانای اوست؛ همو که مالک و مولای همه آفریدگان و روزی دهنده و آزماینده همه آنهاست.

افزون بر این، کلید بسیاری از مشکلات، تنها به دست توانای اوست و حتی تواناترین بندگان نیز توان چاره یابی برای آن را ندارند. پیامبران الهی آن گاه که امیدشان از همه اسباب بریده می شد، دست نیاز به آستان حضرت دوست بلند می کردند و چاره گرفتاری خود را از ذات مقدس او می خواستند. نمونه هایی از این مطلب در قرآن کریم بازگو شده است. (۱)

حضرت نوح پس از قرن ها تلاش، آن گاه که از هدایت مردم ناامید شد و او را به سنگ سار تهدید کردند، دست به درگاه پروردگار بلند کرد. با اجابت دعای نوح، او و مؤمنان نجات یافتند و کافران در عذاب قهر الهی غرق شدند. حضرت ایوب (علیه السلام) نیز پس از آنکه موج بلاها

ص: ۱۰

و سختی‌ها وی را فراگرفت و مال و ثروت و فرزندان و سلامتی خود را از دست داد، چنین دعا کرد: «پروردگارا! به من سختی رسیده و تو مهربان‌ترین مهربانانی.» خداوند بزرگ، درخواست او را پذیرفت و نعمت‌های گرفته شده از او و افزون بر آن را دوباره به او بخشید. حضرت یونس (علیه السلام) در اعماق دریا و در شکم تاریک ماهی، خداوند را خواند و خدا او را به ساحل نجات رساند. حضرت زکریا (علیه السلام) نیز در پیری از خداوند پسری خواست و خداوند، فرزندی شایسته به او بخشید. (۱)

۲. محبوب‌ترین کارها نزد خداوند

گره‌گشایی در اسلام چنان جایگاه والایی دارد که در سخنان نورانی اهل بیت (علیهم السلام) یکی از دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد خدا معرفی شده است. روشن است که اگر عملی محبوب خداوند باشد، بهترین عمل هاست و انجام دهنده آن، محبوب درگاه خداوند می‌شود. امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

نسبت به برآوردن نیازهای مردم باایمان، شاد کردن دل‌های ایشان و برطرف کردن ناخوشی‌ها از آنان، حریص باشید که پس از باور داشتن خداوند عزوجل و ایمان به او، نزد او عملی محبوب‌تر از شاد کردن مؤمنان نیست. (۲)

سعید بن قیس همدانی می‌گوید: «روزی امیرالمؤمنان علی (علیه السلام) را دیدم که در گرمای شدید از خانه بیرون آمده بود. از او پرسیدم: چرا این هنگام بیرون آمده‌اید؟ آن حضرت پاسخ داد: من جز برای یاری ستم‌دیده‌ای یا فریادرسی دادخواهی بیرون نیامدم.» (۳)

ص: ۱۱

-
- ۱- ۱. مرتضی مطهری، داستان راستان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، داستان شماره ۲۶.
 - ۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۳، ص ۷۱، ص ۳۱۲.
 - ۳- حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸هـ. ق، ج ۲، ص ۱۲، ص ۴۱۷.

هر مسلمانی علاقه دارد شریف‌ترین و ارزشمندترین عبادت‌ها را بشناسد و با عمل به آنها، نزدیک‌ترین راه را برای رسیدن به پیوندی مستحکم با خداوند در پیش گیرد. پروردگار مهربان، خود، بیش از بندگان، مشتاق این پیوند عاشقانه است. از این رو، از زبان دوستان برگزیده خود، برترین عبادت‌ها و نزدیک‌ترین راه‌ها به سوی خود را به بندگانش شناسانده و مسیر درست را به پیندگان راهش نشان داده است.

در روایت‌های نورانی اهل بیت (علیهم السلام) آمده است که برطرف کردن نیاز مؤمنان از بسیاری از کارهای نیکو، برتر است. در برخی روایت‌ها، این کار از آزاد کردن هزار بنده در راه خدا و تجهیز و فرستادن هزار رزمنده به جبهه جنگ نیز برتر و بالاتر شمرده شده است. (۱)

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

کسی که به انگیزه رسیدن به پاداش الهی، در راه برآوردن نیاز مؤمنی گام بردارد و موفق به انجام آن شود، خداوند همانند پاداش حج و عمره پذیرفته شده به درگاهش و دو ماه روزه و اعتکاف ماه‌های حرام در مسجدالحرام را برای او می‌نویسد [بر او واجب می‌گرداند] و کسی که با همان نیت گام بردارد، ولی موفق به برآوردن حاجت برادر دینی اش نشود، خداوند همانند ثواب یک حج مقبول را برایش می‌نویسد. پس به کارهای نیک گرایش یابید. (۲)

باید دانست گره‌گشایی با همه جایگاه و ارزشی که در اسلام دارد، هیچ‌گاه جای وظایف دینی دیگر را نمی‌گیرد و هیچ‌کس نمی‌تواند به بهانه خدمت به خلق، از وظایف دیگر شانه خالی کند و شعار «عبادت به

ص: ۱۲

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، صص ۲۸۵ و ۳۰۴.

۲- همان، ص ۳۲۸.

جز خدمت خلق نیست» سر دهد. عبادت، فقط خدمت خلق نیست و هیچ عبادتی جای اعمال واجب را نخواهد گرفت. در مجموعه گسترده دین، هر چیز به جای خویش، نیکوست. همه عبادت‌ها و تکلیف‌های دینی در یک رتبه نیستند و حتی در میان واجبات، برخی از بعضی دیگر مهم‌تر هستند. امام جعفر صادق (علیه السلام)، عبادت‌ها را چنین رتبه‌بندی کرده است:

برترین عمل، معرفت و شناخت آفریدگار جهان است. پس از آن، نماز، زکات، روزه، حج و معرفت ما اهل بیت (علیهم السلام) برترین عمل هاست. پس از آن، نیکی کردن به برادران دینی با انفاق کردن، بهترین کارهاست. (۱)

همچنین ایشان می‌فرماید:

سوگند به آن کس که به حق، محمد (صلی الله علیه و آله) را بشارت دهنده و بیم دهنده برانگیخت، بر آوردن نیاز مسلمان و رفع گرفتاری او از ده حج و طواف گرد خانه خدا بهتر است. (۲)

تردیدی نیست که نیت عامل، میزان اخلاص وی، درجه نیاز نیازمندان و مراتب نیاز آنان، سبب تفاوت در تعیین پاداش عمل می‌شود. از این رو، اختلاف روایت‌ها در میزان پاداش گره‌گشایی را می‌توان به دلیل اختلاف در این امور دانست. (۳)

۴. برترین مردم

کسی که گرفتاری‌های مردم را برطرف می‌کند، هم رضای خداوند متعال و هم خشنودی بندگان او را به دست می‌آورد و هم زمان، به کرامت و برتری در دنیا و آخرت می‌رسد. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اَنْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ؛ بهترین مردم کسی است که به مردم سود برساند». (۴)

ص: ۱۳

۱- همان، ص ۳۱۸.

۲- همان.

۳- نک: همان، ص ۳۳۴، توضیح علامه مجلسی.

۴- همان، ج ۷۲، ص ۲۳.

حضرت عیسی بن مریم (علیه السلام) در گهواره فرمود: «خداوند مرا هر کجا باشم، مبارک قرار داده است.» (مریم: ۳۱)
حضرت امام صادق (علیه السلام) در تفسیر کلام حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: «مبارک، به معنای بسیار نفع رساننده است.» (۱)

پس سود رساندن به مردم، از انسان، موجودی مبارک و شریف می سازد که این امر مایه مباهات پیامبران الهی حتی پیامبران اولوالعزم است.

شنیده اید که آسایش بزرگان چیست

برای خاطر بیچارگان نیاسودن

به کاخ دهر که آرایش است بنیادش

مقیم گش تن و دامان خ و د نیال و دن

ه می زع ادت و ک ردار زشت کم کردن

هماره بر صفت و خ وی نی ک اف زودن (۲)

مردی از سفر حج بازگشته بود و سرگذشت مسافرت خود و همراهانش را برای امام صادق (علیه السلام) تعریف می کرد. او یکی از هم سفران خویش را بسیار می ستود و می گفت: «چه مرد بزرگواری بود. ما به همراهی با چنین مرد شریفی افتخار می کردیم؛ همواره مشغول عبادت بود. وقتی در منزلی فرود می آمدیم، بی درنگ به گوشه ای می رفت و سجاده خویش را پهن می کرد و به طاعت و عبادت خویش می پرداخت.» امام فرمود: «پس چه کسی کارهای او را انجام می داد و حیوان او را تیمار می کرد؟» وی پاسخ داد: «البته افتخار این کارها با ما بود. او فقط به کارهای مقدس خویش مشغول می شد و کاری به این کارها نداشت.» امام صادق (علیه السلام) برخلاف انتظار آن مرد فرمود: «بنا براین، همه شما از او برتر بوده اید.» (۳) پس خدمت به بندگان خدا یکی

ص: ۱۴

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۴۱.

۲- پروین اعتصامی، دیوان اشعار. نشر قطره، تهران، ۱۳۷۷.

۳- داستان راستان، داستان ۵ (با اندکی تغییر).

از ملائک های ارزش گذاری انسان است و عبادت در کنار خدمت، دو بال پرواز انسان به سوی کمال هستند. سعدی می گوید:

شنیدم که پیری به راه حجاز

به هر خطوه کردی دو رکعت نماز

چنان گرم رو در طریق خدای

که خار مگیلان نکندی ز پای

یکی هاتف از غیث آواز داد

که ای نیک بخت مبارک نهاد

به احسانی آسوده کردن دلی

به از آلف (۱) رکعت به هر منزلی (۲)

۵. شرط ایمان

برخی گمان می کنند که دین داری و مسلمانی تنها به نماز و روزه و دعا خواندن و مانند آن است، ولی چون در آیه های آسمانی قرآن کریم و روایت های نورانی اهل بیت (علیهم السلام) می نگریم، پی می بریم که در کنار عبادت های معنوی مانند نماز، نیکی کردن به مسلمانان و یاری آنان با مال، بازو و اندیشه نیز یکی از شرایط مؤمن بودن دانسته شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

نشانه ایمان خالص، بی شایبه نیکی کردن به برادران دینی است. این کار سبب جلب محبت خداوند و شکست شیطان و دور ماندن انسان از آتش دوزخ می شود. (۳)

ممکن است پرسیم چرا کوشش برای رفع مشکلات دیگران، یک شرط ایمان است؟ در پاسخ می توان گفت یکی از آثار ایمان در وجود

ص: ۱۵

۱- الف: هزار.

۲- سعدی شیرازی، بوستان، علمی، تهران، ۱۳۷۳، باب دوم، حکایت هفتم.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۱.

انسان این است که روح را جلا می بخشد. چنین دلی در برابر گرفتاری های مردم، بی اعتنا نمی نشیند، بلکه به تپش می آید و مؤمن را به کوشش و حرکت وا می دارد. اگر چنین نباشد، روشن است که فرد لطافت روح ندارد و در نتیجه، ایمان وی ناقص است.

در این روایت، کمک و نیکی به برادران دینی، عامل شکست شیطان معرفی شده است. معنای فرمایش امام در این نکته نهفته است که شیطان پیوسته برای سست کردن ایمان مؤمنان می کوشد. پس چون مؤمنی با فرد گرفتاری روبه رو می شود، تمام تلاش شیطان این است که با وسوسه افکندن در دل مؤمن، او را بی اعتنا و سخت دل کند تا از کمک به گرفتار بپرهیزد. در این گیرودار، اگر مؤمن به وسوسه شیطان توجه نکند و از مشکل برادرش گره بگشاید، در حقیقت، در این میدان مبارزه، بینی شیطان به خاک مالیده می شود. پس مؤمن از آزمون، سربلند بیرون می آید و ایمانش محکم تر می شود.

شخصی به امام باقر(علیه السلام) گفت: «در شهر ما، شیعیان فراوانند.» امام باقر(علیه السلام) به او فرمود: «آیا ثروتمندان شان به فقیران توجه می کنند؟ آیا نیکان از خطاهای بدان درمی گذرند و آیا [شیعیان که می گویی] با همدیگر، هم دردی می کنند؟» مرد پاسخ داد: «خیر.» امام فرمود: «اینان شیعه نیستند. شیعه کسی است که چنین کند.»(۱)

در احادیث دیگری هم آمده است که اهل بیت(علیهم السلام) میان دوستدار خود و شیعه تفاوت گذاشته اند. ممکن است کسی دوستدار اهل بیت(علیهم السلام) باشد، ولی شیعه حقیقی آنها نباشد. معصومین(ع) از شیعه حقیقی چنان که در حدیث بالا دیدیم، تعریف ویژه ای داشتند.

یکی از اصحاب امام صادق(علیه السلام) می گوید: «خدمت امام بودم که مردی وارد شد و سلام کرد. امام از حال شیعیان شهر و دیار آن مرد

ص: ۱۶

۱- محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳هـ. ق، ج ۲، ص ۱۷۳.

پرسید. مرد از آنان بسیار به نیکی یاد کرد. امام از او پرسید: عیادت ثروتمندان از فقیران چگونه است؟ پاسخ داد: اندک است. پرسید: نگاه ثروتمندان نسبت به فقیران چگونه است؟ باز هم پاسخ داد: اندک است. باز امام پرسید: دست گیری ثروتمندان از نیازمندان چگونه است؟ آن شخص با تعجب گفت: شما از اخلاقی یاد می کنید که نزد ما بسیار کم پیدا می شود. امام صادق (علیه السلام) فرمود: پس آنان چگونه می پندارند که شیعه ما هستند؟» (۱)

شیعه در لغت به معنای پیرو (۲) است. پس اگر محبت اهل بیت (علیهم السلام) را در دل داشته باشیم، ولی در رفتار به ایشان اقتدا نکنیم، نمی توانیم خود را شیعه و پیرو بنامیم. توضیح این مطلب نیز لازم است که در بسیاری از روایت ها اصطلاح مؤمن به معنای شیعه به کار رفته است. بنا براین، وقتی امامان ما می فرمایند مؤمن باید چنین باشد؛ یعنی شیعه واقعی اهل بیت (علیهم السلام) باید چنین باشد. برطرف کردن مشکلات دیگران و گره گشایی از کار مردم، سیره اهل بیت (علیهم السلام) بود و ما که خود را شیعه آنان می خوانیم، باید در کردار و خلق و خو همانند ایشان باشیم. باید دانست محبت حقیقی، پیروی را در پی خواهد داشت. خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «به مردم بگو اگر خدا را دوست دارید، از من اطاعت کنید تا خداوند، شما را دوست بدارد». (آل عمران: ۳۱)

۶. شرط برادری

چشم اندازی که قرآن کریم از جامعه اسلامی ترسیم می کند، جامعه ای است که میان افراد آن برادری وجود دارد. در قرآن کریم می خوانیم: «انما المؤمنون اخوه؛ مؤمنان با یکدیگر برادرند.» (حجرات: ۱۰) برادری میان

ص: ۱۷

۱- همان.

۲- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶هـ-ق، ج ۱، ص ۸، ص ۱۸۹.

افراد جامعه، پیوندی بسیار مستحکم، نزدیک و صمیمی را سبب می‌شود، تا جایی که هر کس گرفتاری و مشکل برادرش را مشکل و گرفتاری خود می‌داند و در حل آن با تمام توان می‌کوشد. رسول گرامی اسلام که بنیان‌گذار نخستین جامعه برادرمحور در مدینه بود، می‌فرمود: «مؤمنان باهم برادرند؛ برخی نیازهای برخی را برمی‌آورند و بدین سبب خداوند در روز قیامت، نیازهایشان را برمی‌آورد».^(۱)

امت اسلامی همچون پیکر واحدی است که اگر روزگار، عضوی از آن را به درد آورد، عضوهای دیگر بی‌قرار می‌شوند و در پی بازگرداندن قرار و آرامش به آن عضو برمی‌آیند. امام جعفر صادق (علیه السلام)، رئیس مکتب جعفری، فرمود:

مؤمنان [در نیکی کردن و عطف و مهربانی ورزیدن به یکدیگر] همچون پیکر واحدی هستند که اگر [عضوی از آن] بیمار شود، همه اعضا [به شب بیداری و تب کردن]^(۲)، با آن عضو، هم‌دردی می‌کنند.

همچنین در جای دیگری فرمود: «در تکیه کردن مؤمن به برادرش همین بس که نیازش را نزد او فرود آورد».^(۳)

می‌توان گفت اسلام، جامع‌ترین برنامه را برای یک جامعه ایده‌آل به ارمغان آورده است. پس جامعه‌ای را باید به معنای واقعی کلمه، اسلامی نامید که میان همه افراد آن، رابطه برادری برقرار باشد.

۷. وظیفه دینی

کمک به دیگران و مشکل‌گشایی از کار آنان، وظیفه و تکلیف دینی شمرده می‌شود. خداوند بزرگ در برابر نعمت‌های بی‌شماری که به انسان ارزانی

ص: ۱۸

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۰.

۲- همان، ج ۷۱، ص ۲۷۳.

۳- «كَفَى بِالْمَرْءِ إِعْتِمَادًا عَلَىٰ أُخِيهِ أَنْ تُنَزَّلَ بِهِ حَاجَتَهُ .» همان، ص ۳۳۴.

داشته، شکرگزاری آنها را خواسته و نمونه ای از شکر نعمت ها، به کار بستن آنها در راه رفع گرفتاری نیازمندان است. سُدیر صیرفی از امام صادق(علیه السلام) نقل می کند که فرمود: «ای سُدیر! هرگز دارایی فردی زیاد نمی شود مگر اینکه حجت خداوند هم بر او سنگین می شود. پس اگر می توانید آن را از خود دفع کنید، چنین کنید.» پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! چگونه حجت خدا را از خود دفع کنیم؟» حضرت فرمود: «با برآوردن نیازهای برادرانتان از اموالتان...» (۱).

اکنون نمونه ای از وظیفه شناسی یکی از بزرگان دین و حجت های خداوند را می آوریم.

«شب بود و هوا بارانی. امام صادق(علیه السلام) تنها و بی خبر، از تاریکی شب و خلوت کوچه ها استفاده کرد. از خانه بیرون آمد و به سوی ظله سایبان قبیله بنی ساعده روانه شد. از قضا مُعلی بن خنیس که از اصحاب و یاران نزدیک امام بود، متوجه بیرون رفتن امام از خانه شد. با خود گفت: امام را در این تاریکی تنها نگذارم. با چند قدم فاصله به راه افتاد. فقط شبخ امام را در آن تاریکی می دید. اندکی بعد متوجه شد گویا چیزی از دوش امام بر زمین افتاد و ریخت. صدای آهسته امام را شنید که می گفت: خدایا این را به ما برگردان. در این هنگام، معلی جلو رفت و سلام کرد. امام از صدای معلی، او را شناخت و گفت: معلی هستی؟ پاسخ داد: آری، معلی هستم. پس نگاه معلی به نان هایی افتاد که بر زمین ریخته بود. آنها را از زمین جمع کرد و به دست امام داد. کیسه بزرگی از نان بود که یک نفر به سختی می توانست آن را به دوش بکشد. معلی گفت: اجازه دهید من آنها را بر دوش کشم. امام فرمود: خیر، خودم بر این کار سزاوارترم. امام نان ها را به دوش کشید و به راه افتاد

ص: ۱۹

تا به سایبان بنی ساعده رسیدند. آنجا محل تجمع بینوایان و بیچارگان بود. کسانی که خانه ای نداشتند، در آنجا به سر می بردند. همه در خواب بودند. امام نان ها را یکی یکی و دو تا دو تا کنار آنان گذاشت و بازگشت. معلی پرسید: اینها که در این دل شب بر ایشان نان آوردی، شیعه هستند؟ حضرت پاسخ داد: خیر، اگر شیعه و معتقد به امامت بودند، نمک (یعنی: خورش) هم می آوردم» (۱).

۸. شادی خدا و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)

در معارف دینی، گره گشایی از کار مسلمانان هم پایه شاد کردن خدا و پیامبر دانسته شده است. در روایت های مشهوری آمده است که «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ؛ دل مؤمن، عرش خداوند است» (۲) و خداوند در دل های با ایمان جای دارد. از سوی دیگر، در حدیث قدسی آمده است که «مردم عیال من هستند. پس محبوب ترین آنها نزد من، مهربان ترین آنان نسبت به عیال من و کوشنده ترین آنها نسبت به نیازهایشان هستند» (۳) با قرار دادن این دو حدیث در کنار هم می توان چنین برداشت کرد که چون خداوند بزرگ، دل بندگان مؤمن را جایگاه خود می داند و به عبارت دیگر، دل های بندگان، حرم الهی است، هر کس که به این دل ها گرمی و نشاط بخشد، خشنودی خداوند را به دست آورده و زیباترین عمل ها را به پیشگاه فرمانروای هستی، هدیه کرده است.

امام صادق (علیه السلام) به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر کس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده و هر کس مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است» (۴) می دانیم که شاد شدن خداوند به معنای افعال نفسانی نیست، بلکه به

ص: ۲۰

۱- داستان راستان، داستان (با اندکی تغییر)، به نقل از: بحار الانوار، ج ۱۱، چاپ کمپانی، ص ۱۱۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۵، ص ۳۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۴- همان، ج ۲، ص ۱۸۸.

معنای رضایت و خشنودی اوست. اوست که دل‌ها را با برطرف کردن مشکل‌ها شادمان می‌کند تا غم و اندوه را از چهره‌ها بزداییم.

نکویی کن و سوی نیکی گرای

بدین از تو خوش نود گردد خدای

در روایتی می‌خوانیم که عده‌ای نزد امام صادق (علیه السلام) بودند. امام به آنها فرمود: «چرا ما را سبک می‌شمارید (ما را خوار می‌کنید)؟» در این هنگام، شخصی از اهالی خراسان برخاست و گفت: «به خدا پناه می‌بریم که شما یا امر شما را سبک بشماریم.» آن حضرت به او فرمود: «خودت یکی از کسانی هستی که مرا سبک [و خوار] شمرده است!» آن شخص گفت: «به خدا پناه می‌برم که نسبت به شما جسارتی کرده باشم.» امام پاسخ داد: «وای بر تو! در زمانی که ما نزدیک [میقات] جحفه بودیم، آیا صدای فلانی را نشنیدی که به تو گفت: مرا به قدر یک میل بر مرکب سوار کن، ولی تو اظهار ناتوانی کردی و حتی سرت را بلند نکردی [و پاسخ مثبت ندادی]، [با این کارت] او را سبک و خوار کردی و هر کس مؤمنی را خوار کند، ما را خوار کرده و حرمت خداوند عزوجل را شکسته است.» (۱)

از این روایت روشن می‌شود همچنان که رفع نیازهای مسلمانان، احترام گذاشتن به خداوند متعال و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت پاک اوست، کوتاهی در گره‌گشایی از کار مسلمانان و شیعیان، بی‌احترامی و توهین نسبت به ذات مقدس پروردگار و ساحت پاک پیشوایان دین به شمار می‌رود؛ زیرا درحقیقت، سبک شمردن و نادیده گرفتن فرمان‌های آنهاست.

ص: ۲۱

۱- ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، نجف، مطبعه نجف، ۱۳۸۳هـ. ق، ج ۲، ص ۳۲۸.

۱. آثار اخروی

الف) رحمت ویژه الهی

یکی از آثار گره گشایی از کار مسلمانان، به دست آوردن رحمت ویژه الهی است. انسان ها چه خوب یا بد و چه مؤمن یا کافر، همه از نعمت های الهی بهره می برند، ولی عده ای از بندگان، به سبب شایستگی های ویژه ای که از خود نشان می دهند، رحمت ویژه خداوند شامل حالشان می شود. یکی از جلوه های رحمت ویژه الهی برای بندگان شایسته این است که خداوند به آنها دلی نورانی می بخشد و در زندگی، راه درست را از نادرست تشخیص می دهند.^(۱) در آخرت نیز که همه گرفتار و در گرو عمل خود هستند، ایشان اهل نجات و رستگاری خواهند بود. امام صادق (علیه السلام) از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) نقل می کند:

آن کس که برادر مسلمانش را با کلمه ای احترام آمیز، اکرام کند و گرفتاری اش را برآورد تا زمانی که دست در این کار دارد، در سایه سار رفیع رحمت خدا به سر می برد.^(۲)

در روایتی دیگر نیز می فرماید:

ص: ۲۲

۱- « يُؤْتِكُمْ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ فِي النَّاسِ ». نك: حدید : ۲۸ .

۲- اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۲۰۶ .

در روز قیامت، خداوند عزوجل به چهار کس [با لطف و مرحمت خود] نظر می کند: کسی که پشیمان شده از معامله ای را اقاله کند [یعنی معامله را فسخ کند] یا دادخواهی را فریادرسی کند یا بنده ای را آزاد کند یا مجردی را به ازدواج همسری در آورد. (۱)

ب) آموزش گناهان

یکی دیگر از آثار گره گشایی از دیدگاه اسلام، آموزش گناهان است. بی شک، در زندگی، از همه ما گناهانی سر می زند. حال راه رهایی از پی آمد این گناهان و دست یابی به رحمت الهی چیست؟ در معارف دینی، توبه بهترین راه معرفی شده است، ولی کارهای نیک انسان هم در آموزش بدی ها و گناهان او مؤثر است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ؛ نیکی ها، بدی ها را می برد.» (۲) کدام نیکی بهتر از اینکه انسان مهر و لطف خود را به بندگان خدا ارزانی دارد تا به رحمت خداوند دست یابد؟ حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «از کفاره های گناهان بزرگ، فریادرسی در ماندگان و گشایش کار گرفتاران است.» (۳) امام صادق (علیه السلام) نیز فرموده است:

کسی که در راه برطرف کردن نیاز برادر مسلمانش گام بردارد، خداوند بلندمرتبه برای او هزار هزار (یک میلیون) نیکی می نویسد که به سبب آن، گناه خویشان و همسایگان و برادران و آشنایان او بخشیده می شود. [سپس حضرت چگونگی بخشیده شدن آنها را در قیامت چنین بیان کرد: پس چون روز قیامت به پا شود، به او گفته شود: «داخل آتش شو و جز دشمن اهل بیت پیامبر، هر کس را که در دنیا به تو نیکی کرده

ص: ۲۳

۱- همان، ج ۷۲، ص ۱۹.

۲- همان .

۳- همان، ص ۲۱، به نقل از: نهج البلاغه: «مِنَ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَالتَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ».

است، به اذن خداوند عزوجل بیرون آور». (۱)

سعدی شیرازی نیز چه زیبا می سراید:

خدا را بر آن بنده بخش ایش است

که خلق از وجودش در آسایش است

کز م ورزد آن سر که مغزی در اوست

که دون همت اند بی مغز و پوست

کسی نیک بیند به هر دو س رای

ک ه نیکی رساند به خلق خ دای (۲)

از دیدگاه اسلام، برای کسی که در رفع نیازهای دیگران می کوشد، دعا و طلب آمرزش می کنند و این گونه گناهانش بخشوده می شود. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

در انجام کارهای پسندیده با یکدیگر رقابت کنید و از اهل آن باشید. همانا در بهشت، دری است به نام «معروف» که از آن در جز کسی که در زندگی دنیا «کار معروف» (پسندیده) انجام داده باشد، وارد بهشت نمی شود. همانا چون بنده خدا در پی برآوردن نیاز برادر دینی اش گام برمی دارد، خداوند عزوجل بر او دو فرشته می گمارد که یکی از راست و دیگری از چپ، بخشودگی گناهانش را از خداوند می خواهند و برای برطرف شدن نیازش دعا می کنند... به خدا سوگند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از برآورده شدن نیاز بنده با ایمان، بیش از خود نیازمند شاد می شود. (۳)

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای

فرشته ات به دو دست دعا نگه دارد

ص: ۲۴

۱- همان، ج ۷۱، ص ۳۳۳.

۲- سعدی، بوستان .

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۸.

یکی از برترین پاداش های خداوند بزرگ به انسان های نیکوکار و گره گشا، نجات دادن آنان از آتش دوزخ و داخل شدن در بهشت پر نعمت است. آنان که در سرای دنیا در پی زدودن غم از چهره دیگران هستند، در سرای آخرت، غبار غم و اندوه بر چهره شان نمی نشیند. آنان که در این عالم، در پی سیر کردن گرسنگان و سیراب کردن تشنگانند، در روزی که همه تشنه و گرسنه هستند، از گرسنگی و تشنگی در امان خواهند بود و آنان که سرای بینوایان را رونق می بخشند، سرای آخرتشان آباد و پر رونق است. آنان که در این جهان در پی فرو نشاندن آتش فتنه ها و درگیری ها هستند، در جهان آخرت، از آتش دوزخی که خداوند از خشم خود برافروخته است، در امان خواهند بود. خداوند بزرگ به حضرت داوود وحی کرد: «[گاهی] بنده من یک کار نیکو انجام داده است که به خاطر آن بهشتم را بر او مباح می کنم.» حضرت داوود(ع) پرسید: «پروردگارا! آن کار نیکو چیست؟» خداوند متعال فرمود: «دل بنده باایمان مرا شاد می کند، هر چند به دانه خرمایی باشد.» اینجا بود که حضرت داوود(ع) به خداوند گفت: «آن کس که تو را شناخت، سزاوار است که امیدش را از تو قطع نکند.» (۱)

از پیامبر اسلام روایت شده است: «کسی که نیاز مؤمنی را برآورد، خداوند نیازهای فراوانی از او برآورد که کمترین آن بهشت است.» (۲) همچنین امام محمدباقر(علیه السلام) فرمود:

خداوند عزوجل در بخشی از سخنان خود با بنده اش موسی چنین فرمود: «من بندگانی دارم که بهشتم را بر آنها ارزانی می کنم و ایشان را در بهشت حکومت می بخشم.» [حضرت موسی] پرسید: و آنان - که

ص: ۲۵

۱- همان، ص ۲۸۳، به نقل از: امام صادق(علیه السلام).

۲- همان، ص ۲۸۵.

وصفشان چنین است - کیانند؟ [خداوند عزوجل] فرمود: «آن که مؤمنی را شاد کند».

امام باقر(علیه السلام) فرموده است:

مرد با ایمانی در سرزمین فرمانروایی ستمگر زندگی می کرد. پس [از بیم جان خود] از آنجا به سرزمین دیگری گریخت که مردم آن مشرک بودند و مهمان یکی از مشرکان شد. آن مشرک به او پناه داد و با مهربانی از او پذیرایی کرد. پس [از مدتی که] مرگ آن مرد بی دین فرا رسید. خداوند عزوجل وحی کرد که به عزت و جلال خودم سوگند که اگر برای تو در بهشتم جایگاهی بود، بی شک، تو را در آن ساکن می کردم. بهشتم بر هر کس که مشرک بمیرد، حرام است. [سپس خداوند به آتش برزخ دستور داد: «ای آتش! او را بترسان، ولی نسوزان.»] (۱) روزی او هر صبح و شام، از هر جا خدا بخواهد، برایش می آید. (۲)

در حدیث دیگری، حضرت امام موسی کاظم(ع) فرمود:

خداوند در زمین بندگانی دارد که در برآوردن نیازهای مردم می کوشند. اینان در روز قیامت [از سختی های آن روز] در امانند. (۳)

(د) رفع اندوه و گرفتاری های قیامت

یکی دیگر از آثار گره گشایی که با مورد گذشته هم ارتباط دارد، رفع غم و اندوه قیامت است. چنان که می دانیم، روز قیامت، روز تجسم اعمال است و انسان در آن روز، حقیقت اعمال خوب و بد خود را به شکل مجسم می بیند؛ اعمال نیک را به

ص: ۲۶

۱- البته در برخی روایات لفظی آمده است که بر اساس آن معنای حدیث چنین می شود: «ای آتش! او را آزار مده و مسوزان». ن ک : بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۵.

۲- همان، ج ۷۱، ص ۲۸۹.

۳- همان، ص ۳۱۹.

بهترین شکل و اعمال بد را به زشت ترین و ترسناک ترین صورت. گره گشایی و شاد کردن قلب دیگران نیز مانند دیگر رفتارهای نیکو، به بهترین شکل مجسم می شود و یار انسان در سختی های قیامت است. ابان بن تغلب از اصحاب ارجمند امام صادق (علیه السلام) از ایشان درباره حق مؤمن بر مؤمن پرسید. حضرت در پاسخ فرمود: «حق مؤمن بر مؤمن بزرگ تر از آن است [که تو گمان می کنی و] اگر من آن را برایتان بازگویم، حق آن را به جا نمی آورید. [و ناسپاسی می کنید]». آن گاه به بیان تجسم شاد کردن مؤمنان در قیامت پرداخت و فرمود:

مؤمن آن هنگام که از قبرش خارج می شود، مثالی نیز همراه او خارج می شود و به او می گوید: از جانب خداوند بشارت باد بر تو به کرامت و سرور. [بنده مؤمن نیز در پاسخ] به او می گوید: خداوند به تو بشارت نیکو دهد. سپس با او همراه می شود. هرگاه با رحمتی از سوی خداوند روبه رو شود، مثل به او بشارت می دهد و هرگاه با صحنه ای ترسناک روبه رو می شود، به او می گوید: این از تو نیست. پس ترس [و اگر بر خیری گذر می کند، می گوید: این از آن توست] و این گونه [پیوسته همراه اوست و او را از آنچه می ترسد، امان می دهد و به آنچه دوست دارد، مژده می دهد تا] برای حساب رسی [در برابر پروردگار عزوجل قیام می کند. سپس دستور بهشتی بودن مؤمن می آید. باز مثال به او می گوید: مژده باد بر تو که خداوند عزوجل دستور بهشتی بودن را داده است. در اینجا شخص مؤمن به مثال می گوید: تو کیستی که از هنگام برانگیخته شدن از گورم به من بشارت می دهی و همدم راه من بودی و مرا از فرمان خداوند آگاه کردی؟ او پاسخ می دهد: من همان شادی هستم که تو در دنیا به برادران دینی ات هدیه می کردی. من از آن شادی آفریده شدم تا به تو مژده دهم و همدم ترس و وحشت تو باشم. (۱)

ص: ۲۷

تا زمانی که مؤمن به برادرش کمک کند، خداوند کمک کار اوست و هر کس یک گرفتاری از گرفتاری های دنیا را از برادر باایمانش برطرف کند، خداوند هفتاد گرفتاری از گرفتاری های آخرت را از او برطرف می سازد.^(۱)

بی تردید، گرفتاری های آخرت بسیار سخت تر و طولانی تر از گرفتاری های دنیا است.

هر کس ز کارِ خلقِ یکی عق ده و ا کن د

ای زد هزار حاجت او را روا کند

صدها فرشته بوسه بر آن دست می زنند

کز کار خلق، یک گ ره بس ته و ا ک ند

در روایت های دیگر، بر آوردن حاجت برادران دینی مایه ریزش گناهان و بالارفتن درجه های اخروی و افزوده شدن ثواب ها شمرده شده است.^(۲) امام صادق(علیه السلام) فرمود:

هر کس یک گرفتاری مؤمنی را برطرف کند، خداوند گرفتاری های آخرت او را برطرف کند و [در روز قیامت] با دل آرام از قبرش بیرون می آید و هر کس مؤمنی را از گرسنگی نجات دهد، خداوند از میوه های بهشت به او بخوراند و هر کس به مؤمن تشنه ای، جرعه ای آب بدهد، خداوند از رحیق مختوم [ثواب مخصوص نیکان در بهشت] به او بنوشاند.^(۳)

از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «هر کس کار نیک کند، مسلمان باشد یا کافر، خداوند به او پاداش می دهد.» کسی پرسید: «پاداش دادن به کافر

ص: ۲۸

۱- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۲.

۲- همان، ج ۷۱، ص ۳۳۳.

۳- همان، ج ۷۲، ص ۲۲.

چگونه است؟» حضرت فرمود: «اگر فرد صله رحمی کرده یا صدقه ای داده یا کار نیکی انجام داده باشد، خدای بزرگ به پادشاه این کارها به او ثروت و فرزند و سلامتی و مانند این نعمت های دنیایی می بخشد.» دوباره پرسیدند: «در آخرت [وی را] چگونه پادشاه دهد؟ فرمود: «عذابی کمتر به او می چشاند.» آن گاه این آیه را تلاوت کرد: «خاندان فرعون را به سخت ترین عذاب ها درآورد.» (۱) مقصود حضرت این بود که بر اساس این آیه، عذاب های دوزخ هم درجه های فراوانی دارد که کافر نیکوکار به سبب عمل نیک خود درجه های ضعیف تر عذاب را می چشد.

۲. آثار معنوی و عرفانی

الف) گذر از حجاب نفسانی

از دیدگاه قرآن و عرفان، انسان در این دنیا مسافری است که باید مراحل سیر و سلوک را بپیماید و ره توشه بردارد تا به مقصد حقیقی برسد که همان قرب خداوند و آرام گرفتن در جوار رحمت اوست. این راه، رهزن هایی دارد که حجاب رسیدن انسان به مقصد نهایی و عالی هستند. مانند گناهان و سرگرمی های بازدارنده دنیا. در این میان، مهم ترین حجاب راه حق، حجاب خودبینی و خودپرستی است که ریشه پیدایش حجاب های دیگر نیز می شود.

م ادرب ت ها، ب ت نف س شماس ت

زان که آن بت، مار و این چون اژدهاست (۲)

میان عاشق و معشوق هیچ حائل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز (۳)

پرسش اساسی این است که راه کنار زدن این حجاب چیست؟ باید گفت دل بستگی های دنیا، نوعی خودخواهی و خودبینی در آدمی پدید

ص: ۲۹

۱- میزان الحکمه، ج ۲، صص ۴۷۴ - ۶۶۲، ح ۲۲۱۳.

۲- مولوی .

۳- حافظ .

می آورد و از سوی دیگر، هوس ها، او را به بهره گیری از دارایی ها در راه خواسته های نفسانی می کشاند. اینجاست که حجاب خودبینی در برابر چشمان حقیقت بین انسان قرار می گیرد و او را از رسیدن به سرمنزل مقصود باز می دارد.

حجاب چهره جان می شود غب ار تم

خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم(۱)

راه های گوناگونی برای کنار رفتن حجاب ها هست، ولی راهی که به بحث ما ارتباط دارد، این است که انسان با پرداختن به گره گشایی در امور مادی و معنوی دیگران، می تواند مرحله به مرحله، پای بندهای خودبینی را باز کند و از دل بستگی های مادی دل بکند. آن گاه آنچه خداوند از توان و عقل و مال به او داده است، در راه دیگران نیز هزینه کند و آنچه برای خود می پسندد، برای دیگران نیز بیسندد. تنها بدین صورت بت نفس می شکند، حجاب های تاریک خودبینی کنار می رود و دل انسان به سرچشمه نور و کمال نزدیک می شود.

(ب) مظهر اسمای الهی شدن

در معارف اسلامی آمده است زمانی انسان به کمال حقیقی دست می یابد که مظهر و نماینده صفات نیکوی پروردگار باشد و به عبارت دیگر، به اخلاق الهی دست یابد.(۲)

دل های پیامبران بزرگ الهی، به ویژه پیامبر اسلام و همچنین اهل بیت پیامبر(ع)، آینه ای است که صفات جمال و جلال الهی در آن بازتاب می یابد. خداوند بزرگ، اسما و صفات فراوانی دارد که در میان آنها، دو صفت جلوه شگفتی دارند؛ صفت رحمان و رحیم که بسیاری از

ص: ۳۰

۱- حافظ.

۲- بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۲۹. پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) فرمود: «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ؛ به اخلاق الهی آراسته شوید».

صفت های دیگر الهی از این دو صفت سرچشمه می گیرند. رحمان به معنای کسی است که رحمتش همه چیز را فرا گرفته است و رحیم کسی است که رحمت ویژه اش در قیامت، تنها نصیب بندگان صالح می شود.

کسی که از کار دیگران گره گشایی می کند، در حقیقت، مظهر این دو اسم نیکوی پروردگار می شود. انسان مؤمن، از سویی به گره گشایی از کار هم کیشان و بندگان مؤمن توجه دارد و جان خود را با جان آنها یکی می داند:

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جان های شیران خداست (۱)

بدین ترتیب، بنده مؤمن با این عمل خود مظهر صفت رحیمیت خداوند می شود. از سوی دیگر، از آنجا که همه بندگان خدا را عیال خدا می داند و از آنجا که همه عالم از اوست، بر خدمت به همه عالم نیز عاشق است و برای هدایت و نجات آنان تلاش می کند. پس به مظهر رحمانیت خداوند تبدیل می شود. بنده ای که مظهر رحمانیت و رحیمیت خداوند شد، به مقصد عالی انسانی که نزدیکی به خداوند است، نزدیک می شود.

ج) آموختن شیوه عاشقی خدا

پیش تر گفتیم که سود رساندن به مردم و خدمت به آنان، انسان را نزد خداوند محبوب می کند. اینک بر آن می افزاییم که خدمت به بندگان خداوند، خداوند را نیز محبوب انسان می کند. به عبارتی دیگر، خدمت رسانی به بندگان خدا، رابطه ای دوسویه و عاشقانه میان خداوند و انسان پدید می آورد. از یک سو، خداوند، انسان نیکوکار را دوست دارد و از سویی، انسان نیکوکار، عاشق خداوند می شود. «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ». (مائده: ۵۴)

ص: ۳۱

این عشق، آتش به دل عاشق می زند و او را بی قرار رسیدن به محبوب می کند.

یکی از شاگردان عارف بزرگ معاصر، حاج شیخ رجب علی خیاط می گوید:

با معرفی جناب شیخ مدت ها به خدمت آیت الله کوهستانی به نکا می رفتم. تا اینکه صبح یک روز که عازم نکا بودم، به جناب شیخ برخورددم. پرسید: «کجا می روی؟» گفتم: به نکا نزد آیت الله کوهستانی می روم. فرمود: «شیوه ایشان زاهدی است. بیا برویم تا من شیوه عاشقی خدا را به تو بیاموزم.» سپس دست مرا گرفت و به خیابان امام خمینی (ره) فعلی برد. وارد کوچه ای در جنوب خیابان شد و در منزلی را زد. دخمه ای نمایان شد که تعدادی کوچک و بزرگ، فقیر و بیچاره آنجا بودند. جناب شیخ به آنها اشاره کرد و فرمود: «رسیدی به این بیچاره ها، انسان را عاشق خدا می کند. درس تو [امروز] این است. نزد آیت الله کوهستانی درس زاهدی می خواندی و اکنون درس تو، درس عاشقی است.» از آن به بعد، نزدیک ده سال با جناب شیخ به بیرون شهر می رفتیم. شیخ افراد فقیر را معرفی می کرد و من آذوقه تهیه می کردم و به آنها می رساندم. (۱)

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

به دم ی یا درم ی یا قلم ی یا ق دم ی

یکی دیگر از یاران مرحوم شیخ رجب علی خیاط می گوید:

به همراه شیخ، به زیارت عبدالعظیم حسنی رفتیم. جناب شیخ [از طریق شیوه های اهل دل] از حضرت عبدالعظیم پرسید: «از کجا به این مقام [بلند] رسیدید؟» حضرت عبدالعظیم فرمود: «از راه احسان به مردم. من [با دست خود]

ص: ۳۲

قرآن می نوشتم و با زحمت می فروختم و پول آن را احسان می کردم» (۱).

۳. آثار فردی

الف) رفع گرفتاری و اصلاح امور زندگی

گره گشایی افزون بر آثار فراوان اخروی، در این دنیا نیز آثار فراوانی دارد. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است:

کسی که هنگام سختی به فریاد برادر باایمان خود برسد، گرفتاری اش را برطرف کند و او را در رسیدن به نیازش یاری کند، خداوند بزرگ از سوی خود، هفتاد و دو رحمت بر او واجب می گرداند. یک رحمت زودرس است که خداوند به سبب آن، امور زندگی او را اصلاح می کند و هفتاد و یک رحمت دیگر را برای [مواقف] ترسناک قیامت برایش ذخیره می کند. (۲)

علی بن یقظین، یکی از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا (ع) در دستگاه خلافت بنی عباس، حساس ترین پست حکومتی پس از خلیفه؛ یعنی مقام وزارت را عهده دار بود. او پنهانی با امامان معصوم (ع) ارتباط داشت و از حقوق شیعیان در دستگاه حکومت بنی عباس دفاع می کرد. روایت می کنند که روزی امام رضا (ع) به او فرمود: «اگر یک خصلت را برای من متعهد شوی، من سه چیز برایت ضمانت می کنم.» علی بن یقظین گفت: «فدایت شوم! آن خصلتی که من باید تعهد کنم و آن سه چیز که شما برای من ضمانت می کنید، چیست؟» امام فرمود: «آن سه چیز که من ضمانت می کنم، این است که تیزی آهن [کشته شدن] و فقر و زندان هرگز به تو نرسد.» علی بن یقظین پرسید: «و خصلتی که من باید متعهد شوم، چیست؟» امام فرمود:

ص: ۳۳

۱- نک: همان، ص ۲۱۳.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۰، به نقل از: کتاب کافی .

«هرگاه دوستی از دوستان ما نزد تو آمد، او را گرامی بداری [و کارش را انجام دهی]». علی بن یقظین پذیرفت. امام رضا(ع) هم به ضمانت خود عمل کرد(۱) و علی بن یقظین هیچ گاه در دام دستگاه بنی عباس گرفتار نشد.

با کمی دقت در این حدیث شریف روشن می شود که این وعده امام رضا(ع) تنها مخصوص علی بن یقظین نیست و هر کس بخواهد گرفتاری های دنیوی مثل کشته شدن، فقر، ناداری و زندان از او دور شود، باید در هر پست و مقامی که هست، در حد توان خود برای حل مشکلات مردم بکوشد. در این صورت، اهل بیت و ائمه معصوم(ع) یاور او خواهند بود و بسیاری از گرفتاری های دنیوی هم به خواست خداوند از او دور خواهد شد.

گره گشایی حتی ممکن است بسیاری از بیماری ها و آفت ها را از آدمی دور کند. در روایتی از امام صادق(علیه السلام) چنین نقل شده است: «بر آوردن نیاز مؤمن، بیماری های جنون و خوره و پیسی را دفع می کند.»(۲) این حقیقت، نشان دهنده اثر گذاری مستقیم امور معنوی در امور مادی، افزون بر ارمغان آوردن سعادت اخروی است. کسانی هم که از آن خبر داده اند، با امامان معصوم(ع) که وارث علم پیامبر اسلام هستند، ارتباط دارند. پیامبر خدا نیز دانش خود را از سرچشمه جوشان علم ازلی الهی الهام گرفته است. افزون بر این، داستان های فراوانی از زندگی

ص: ۳۴

۱- . مستدرک الوسائل، ۱۳۷۶ ق، ج ۱۲، ص ۴۲ .

۲- . محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ هـ . ق، ج ۱۶، ص ۳۶۰.

امامان معصوم(ع) و بزرگان در اثرگذاری نیکی به دیگران در رفع مشکلات و گرفتاری ها نقل شده است که مجال پرداختن به آن نیست. این حقیقت، در ادبیات فارسی نیز بازتاب گسترده ای یافته است. سعدی در گلستان می گوید: «کاروانی در زمین یونان بزدند و نعمت بی قیاس(۱) بردند. بازرگانان گریه و زاری کردند و خدا و پیمبر شفیع آوردند و فایده نبود.

چو پیروز شد دزد تی ره روان

چه غم دارد از گریه کاروان؟

لقمان حکیم اندر آن کاروان بود. یکی گفتش از کاروانیان: مگر اینان را نصیحتی کنی و موعظه ای گویی تا طرفی [پاره ای] از مال ها دست بردارند که دریغ باشد چندین نعمت که ضایع شود. گفت: دریغ کلمه حکمت با ایشان گفتن... .

با سیه دل چه سود گفتن وعظ؟

نرود میخ آهنین در سنگ

همانا که جرم از طرف ماست.

به روزگ ار س لامت، شکس تگان دریاب

که جب رِ خاطرِ مس کین بلا بگرداند

چو سائل از تو به زاری طلب کند چیزی

بده و گرنه ستم گر به زور بستاند(۲)

ده روز مهر گردون، افسانه است و افسون

نیکی به جای یاران، فرصت شمار یارا

ای صاحب کرامت، شکرانه سلامت

روزی تفقدی کن، درویش بی نوا را

آسایش دو گیتی، تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت، با دشمنان مدارا(۳)

۱- بی اندازه.

۲- گلستان سعدی، تصحیح: علی شیروانی، نشر طلا، ۱۳۷۵، چ ۱، باب دوم، حکایت ۱۹، ص ۷۰.

۳- دیوان حافظ، بر اساس نسخه ق زوینی - غنی؛ به اهتمام: حسن اعرابی، قم، رواق اندیشه، چ ۱، ۱۳۷۹.

پس سزاوار است که دولت اسلامی و رسانه ملی، در مقابله با حوادث غیرمترقبه و آگاهی بخشی به مردم در این زمینه بکوشند تا مردم را از تأثیر امور معنوی و گره گشایی در دفع بلا و حوادث ناگهانی نیز آگاه سازند و تنها به اسباب طبیعی دفع بلاها توجه نکنند.

(ب) محبوبیت مردمی

همه انسان ها از روی فطرت خواهان آن هستند که جایگاه، احترام و شخصیت ویژه ای در جامعه و میان مردم داشته باشند. هیچ کس دوست ندارد در نگاه دیگران، خوار و بی مقدار باشد، ولی پرسش مهم این است که محبوب و گرینه بودن در میان مردم چگونه به دست می آید؟ پاسخ این پرسش را در کلام خداوند عزیز می جوییم که در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وِدًّا؛ آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند رحمان به زودی محبت آنان را [در دل مردم] قرار می دهد». (مریم: ۹۶)

کارهای شایسته، انواع گوناگونی دارد که همه عبادت ها و کارهای نیک را شامل می شود و در این میان، یکی از کارهای شایسته که سبب عزت مندی فرد میان مردم می شود، گره گشایی و حل مشکلات آنهاست. پس زهی سعادت که گره گشایی هم سبب محبوب شدن انسان در درگاه خداوند و نزد پیامبر او و اهل بیت پیامبر(ع) و هم سبب محبوب شدن میان مردم می شود.

۴. آثار روان شناختی

الف) خودپنداری مثبت

«خودپنداره، ارزیابی کلی فرد از شخصیت خود است. این ارزیابی ناشی از ارزیابی های ذهنی است که معمولاً از ویژگی های رفتاری خود به عمل می آوریم. در نتیجه، خودپنداره ممکن است مثبت یا منفی باشد. اصطلاحات خودپنداره و عزت نفس به هم شباهت بسیار دارند. عزت نفس [وابسته] به این معناست که شخص بر حسب ادراکی که از

موقعیت شخصی خود در ذهن دارد، به چه میزان، خویش را در رده بالا یا پایین قرار می دهد. از این رو، کسی که خودپنداره مثبتی دارد، عزت نفسی زیاد و کسی که خودپنداره منفی دارد، عزت نفس کمی خواهد داشت. عقده حقارت، خودپنداره منفی و عزت نفس اندک از اصطلاحاتی هستند که می توان کم و بیش آنها را به جای هم به کار برد» (۱).

بنابراین، رفتار هر کس در خودپنداره وی تأثیر دارد و آن کس که رفتار خود را بر اساس دستور شرع و عقل و وجدان انجام می دهد، طبیعی است که در درون خود، احساس رضایت می کند و در وی خودپنداره مثبت یا عزت نفس پدید می آید. آن کس نیز که دامن خود را به گناهان و کارهای زشت آلوده می کند، خودپنداره منفی در وی به وجود می آید؛ چون در درون، احساس می کند که فرد خطاکار و بدی است، هرچند ظاهری خوب از خود نشان دهد و خودپنداره خود را از دیگران پوشاند. نیکی کردن به دیگران و کمک به آنان در مشکلات و سختی ها، کاری خداپسند و مردم پسند است. در نتیجه، عامل به آن، عزت نفس یا خودپنداره مثبت پیدا می کند و در مقابل، کسی که نسبت به گرفتاری دیگران بی اعتنا است، به تعبیر روان شناختی، خودپنداره منفی دارد.

(ب) توسعه شخصیت

در دانش روان شناسی، تعریف های متفاوتی از شخصیت ارائه شده است که به طور کلی، آن را می توان به نظام صفات انسانی معنا کرد که هر فرد را از دیگری متمایز می کند؛ یعنی مجموعه ای از صفات جسمی، عقلی، مزاجی، اجتماعی و خلقی که شخص را آشکارا از دیگری جدا می کند. (۲) به تعبیر دینی، شخصیت همان ساختار روحی هر

ص: ۳۷

۱- فرانک برونو، فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان شناسی، ترجمه: مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۳۴.

۲- نک: احمد عزت راجح، اصول علم النفس، المکتب المصری الحدیث للطباعه و النشر، قاهره، ۱۹۷۲.

انسان است که اعمال خوب یا بد انسان بر اساس آن شکل می گیرد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلی شَاکِلَتِهِ؛ بگو هر کس بر اساس شاکله خود عمل می کند.» (اسراء: ۸۴) و «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

همچنین لفظ شخصیت، مشابه تعبیری است که علمای لغت از لفظ «سجیه»^(۱) و علمای اخلاق از لفظ «خُلُق» ارائه می کنند: «خُلُق مجموعه ای از ملکات است که سبب می شود انسان اعمال را بدون تروی (بدون تأمل و درنگ) انجام دهد.»^(۲) پس شخصیت هر کس سبب صدور رفتار خوب یا بد از او می شود. این شخصیت ممکن است مثبت یا منفی و محدود یا گسترده باشد. شخصیت انسان همان گونه که منشأ رفتارهای آدمی می شود، متقابلاً از رفتارهای آدمی اثر می پذیرد و کامل تر یا پست تر می شود. انسان هایی که تنها به زندگی خود می اندیشند و خود را در غم و گرفتاری دیگران شریک نمی کنند و به تعبیر قرآن: «طَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ؛ گروهی که تنها اهتمامشان به خود است.» (آل عمران: ۱۵۴)، شخصیتی پست و درحال سقوط دارند. آنها که حصار خود بینی را شکسته و نگاهشان را به افق های دورتری دوخته اند و در اندیشه غم و گرفتاری دیگران و باز کردن گره از کار آنان هستند، شخصیتی پیشرفته و رو به تکامل دارند. برخی روان شناسان، گروه اول را در مرحله «خود» و گروه دوم را در مرحله «فراخود» می دانند.^(۳) ممکن است انسان در این مرحله، چنان پیشرفت کند که برای ناراحتی و غم دیگران، بیش از غم و ناراحتی خود دل بسوزاند:

من از بینوایی یتیم روی زرد

ص: ۳۸

۱- کتاب شناخت اخلاق اسلامی، ص ۲۹.

۲- لسان العرب، ج ۱۰، ص ۸۶.

۳- ویلیام کی فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه: هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۳، ص ۳۳.

ج) احساس رضایت

«شادکامی، مقامی بالاتر از خوشی دارد؛ زیرا در حقیقت، حالت عاطفی ویژه ای است که برای شخص پس از موفقیت های واقعی و رسیدن به هدف هایش به دست می آید. شخص شادکام کسی است که با به دست آوردن هدف هایش در زندگی احساس رضایت خاطر می کند. بنا براین، [شادکامی] از خوشی یک درجه برتر است. آنان که تصور می کنند نیکی و بخشندگی با شادکامی تفاوت دارد، هنوز به معنای واقعی شادکامی واقف نیستند. نیکی، راه گریزناپذیر رسیدن به شادکامی روح است. هدف های روان شناسی اگر با هدف های اخلاقی همراه نباشد، نمی تواند شخصیت کاملی به بار آورد؛ یعنی ما نمی توانیم بدون اینکه خوب باشیم، شادکام زندگی کنیم؛ زیرا در میان گزینه های گوناگونی که برای تکامل آدمی لازم است، گزینه بشر دوستی مانند گزینه مادری یا گزینه خدمات اجتماعی، مهم ترین هدف است. به همین سبب، شادکامی با خوشی به کلی تفاوت دارد؛ زیرا دومی بیشتر خودپسندی؛ یعنی ارضای غرایز فردی است»(۲).

چنان که می بینید، روان شناسی این حقیقت را تأیید می کند که رضایت خاطر و شادمانی حقیقی در پرتو نیکوکاری، بشردوستی و کمک به هم نوع به وجود می آید، نه در سایه ارضای خواسته های زودگذر حیوانی. نیکوکاران از عمل خود، احساس لذت، رضایت خاطر و آرامش روحی می کنند. گفته اند: «لثیمان از طعام لذت برند و کریمان از اطعام».

ص: ۳۹

۱- بوستان سعدی.

۲- ژ. آ. هدفیلد، روان شناسی و اخلاق، ترجمه: علی پریور، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶، صص ۱۴۷، ۱۵۰ و ۱۵۱. (با اندکی تصرف)

میل به نیکوکاری، گرایش فطری و غریزی در نهاد هر انسان است (۱) که با ارضای آن، انسان احساس رضایت می کند. احساس لذت و آرامش روحی که پس از سیر کردن یک گرسنه، راهنمایی یک گمراه یا ارشاد یک گناه کار به انسان دست می دهد، با هیچ چیز دیگر قابل مقایسه نیست.

۵. آثار اجتماعی

الف) بهبود وضع نیازمندان

بی تردید، در جامعه ای که همه افراد آن یار همدیگرند، فاصله طبقاتی میان فقیر و غنی کم است. پس نیازمندان در وضع مناسب مادی و روحی به سر خواهند برد. در روایت های دینی به این حقیقت اشاره شده که هیچ کوه ثروتی برافراشته نمی شود، مگر اینکه گودال فقری کنده می شود. بی شک، از میان بردن شکاف طبقاتی، وظیفه شرعی و عقلی دولت و امت اسلامی است.

ب) کاهش بزه کاری

شاید در نگاه اول شگفت آور باشد که بگوییم گره گشایی سبب کاهش بزه کاری و جنایت در جامعه می شود، ولی با کمی دقت، این حقیقت، پذیرفتنی به نظر می رسد؛ زیرا به یقین، یکی از عوامل بزه کاری، ناداری و گرفتاری است. جامعه ای که در آن، گروهی به ثروت اندوزی پرداخته و زیردستان خود را از یاد برده اند و در جامعه ای که گرفتاران فکری و روحی، هیچ پناه گاهی برای خود نمی یابند، عقده های روحی سبب کشیده شدن برخی به سوی بزه کاری می شود.

جوانی را در نظر بگیرید که به تشکیل خانواده و گزینش همسر نیاز دارد تا در سایه آن از اضطراب روحی نجات یابد، ولی نمی تواند هزینه های سنگین آن را پردازد. آیا برای چنین جوانی، انتخاب گزینه

ص: ۴۰

سرقه یا گزینه گناه و فساد، تقویت نمی شود؟ حالا جوانی را فرض کنید که زیر فشارهای سنگین فکری و روحی قرار گرفته است، ولی مشاوره دل سوز نمی یابد تا با او درد دل کند. آیا احتمال کشیده شدن وی به اعتیاد و خلاف های دیگر شدت نمی یابد؟ همچنین در اجتماعی که روابط انسانی افراد آن مانند صله رحم و نیکی کردن و احترام به یکدیگر، سرد و بی روح است، احتمال دست زدن به چنین کارهایی بیشتر است. (۱)

ج) تقویت هم بستگی

گره گشایی از مشکلات دیگران با مال، توان و بیان، سبب نزدیکی دل ها و در نتیجه، تقویت اتحاد و هم بستگی مردم می شود. در کلامی نورانی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می خوانیم: «دل ها بر دوست داشتن آن که به آنها نیکی می کند و بر دشمن داشتن کسی که به آنها بدی می کند، سرشته شده است.» (۲) پیش تر گفتیم چگونه گره گشایی سبب پیدایش محبویت، محبت و در پی آن، روحیه اتحاد و هم بستگی می شود. همچنین می دانیم که بقای حیات سیاسی یک کشور به وحدت مردم آن وابسته است. از این رو، دولت مردان کشور برای پایدار ماندن حکومت اسلامی باید از این حقیقت غافل نمانند و روحیه نیکوکاری را در مردم نهادینه کنند.

د) افزایش سطح امید به زندگی

یکی از ویژگی های پیشرفت یک کشور در دنیای امروز، افزایش سطح امید به زندگی است. به گونه ای که کاهش ضریب امید به زندگی، نشانه عقب ماندگی آن کشور شمرده می شود. اگر همه افراد جامعه ای در مشکلات، یار و یاور هم باشند و غم و رنج

ص: ۴۱

۱- . متأسفانه بسیاری از شهرهای بزرگ کشورمان به این سو در حرکت هستند.

۲- . محمد محمدی ری شهری، دوستی در قرآن و حدیث، مؤسسه فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۷۹، ص ۹۲.

دیگران را غم و رنج خود بدانند، افراد احساس آرامش می کنند و روحیه امید عمومی بالا می رود.

روشن است که با افزایش روحیه افراد، امید به زندگی نیز افزایش می یابد، ولی اگر مردم احساس کنند که هر کس به فکر کار خود است و در پریشان حالی و افسردگی، دست گیری ندارند، روحیه ناامیدی بر زندگی مردم سایه می افکند و در نتیجه، سطح امید به زندگی کاهش می یابد.

این حقیقت تلخ در بسیاری از شهرهای کشور اسلامی ما به چشم می خورد تا جایی که همسایه از حال همسایه خبر ندارد و حتی همدیگر را نمی شناسند، چه رسد به آنکه از حال او خبردار باشد و در صورت نیاز بخواهد به او کمک کند. چه بسا خویشاوندان نیز از حال هم بی خبرند یا اگر هم خبر دارند، دل نمی سوزانند.

شرح این هجران و این سوز جگر

این زمان بگذار تا وقت دگر

ص: ۴۲

۱. عذاب اخروی

شخصی از اصحاب امام جعفر صادق (علیه السلام) به نام ابوهارون مکفوف نقل می کند که امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: «ای اباهارون! خداوند تبارک و تعالی با خود عهد کرده است که خائن را همسایه خود [در بهشت] نگرداند.» پرسیدم: خائن کیست؟ فرمود: «آن کس که در همی را ذخیره کند و آن را از مؤمنی دریغ کند یا چیزی از منافع دنیا را از او حبس کند.» گفتم: از غضب خدا به خدا پناه می برم. فرمود: «خداوند بر خود عهد کرده است که سه صنف از مردم را در بهشتش جای ندهد: آن کس که حکم خدا را رد کند و کسی که حکم امام را رد کند و آن که حق مؤمنی را نگه دارد.» پرسیدم: آیا باید از زیادی دارایی خود ببخشد؟ فرمود: «از خود و جانش [هم] ببخشد. پس اگر نسبت به آن بخل ورزد، از شرک شیطان است [یعنی شیطان، شریک مال و نعمت های اوست].» (۱) پس آن کس که از کمک کردن به برادر دینی خود دریغ ورزد، در آخرت، بدبخت است. در جای دیگر، آن حضرت فرمود:

هر مؤمنی که توان رفع نیاز مؤمنی را - حتی با واسطه - داشته باشد و کوتاهی (منع) کند، خداوند عزوجل در روز قیامت، او را با روی سیاه، چشمان کبود و دستان غل شده به گردن بر پا می دارد. پس گفته می شود: «این خیانت کاری است که به خدا و پیامبرش خیانت کرد.» سپس دستور

ص: ۴۳

داده می شود که او را به سوی آتش ببرند. (۱)

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کسی که برادرش از روی نیاز، نزد او بیاید و او توان بر آوردنش را داشته باشد و چنین نکند، خداوند در قبر، ماری بر او چیره می سازد که تا قیامت، پیوسته انگشت ابهامش را می گزد [تا در آن روز] مورد بخشش خدا قرار گیرد یا عذاب شود. (۲)

۲. گرفتاری در دنیا

هر کس از اهل بیت (علیهم السلام) درخواست کمک می کرد، او را رد نمی کردند. وقتی از امام زین العابدین (ع) در این باره پرسیدند. آن حضرت فرمود:

می ترسم برخی از گدایان راست بگویند و ما به آنها غذا ندهیم و آنها را رد کنیم و آن بلایی که بر یعقوب و خانواده اش وارد شد، بر ما اهل بیت (علیهم السلام) هم وارد شود؛ چه یعقوب رسمش این بود که هر روز یک قوچ می کشت و آن را صدقه می داد و خود و عیالش هم از آن می خوردند. تا آنکه سائل مؤمن روزه دار و نیازمندی که نزد خدا هم شرف و منزلتی داشت، شب جمعه ای هنگام افطار، اهل خانه را ندا داد که: «از زیادی غذایتان چیزی به سائل غریب و رهگذر گرسنه بخورانید.» مدتی ایستاد و چند بار سخنش را تکرار کرد، ولی کسی حرفش را باور نکرد و حق او را ندادند تا اینکه ناامید شد و باز گشت. شب تاریک بود. **إنا لله** گفت و گریست و از گرسنگی خود به درگاه خداوند شکایت برد و تا صبح دست خود را بر دلش می فشرد. فردا هم روزه گرفت و به حمد و ثنای خداوند

ص: ۴۴

۱- همان.

۲- همان.

پرداخت. آن شب یعقوب و خانواده اش سیر خوابیدند، در حالی که از غذای آنها مقداری باقی مانده بود.

صبح همان شب خداوند به یعقوب وحی کرد: «ای یعقوب! بنده مرا خوار داشتی و با این کارت، خشم مرا به سوی خود کشاندی و خود را سزاوار عقوبت من کردی که بر تو و پسرانت بلا بفرستم. ای یعقوب! محبوب ترین پیامبران نزد من و گرامی ترین آنها پیامبری است که نسبت به بیچارگان بیشتر دل سوزی کند؛ آنان را به خود نزدیک کند و غذایشان دهد و پناه گاه آنها باشد.» در همان شب، یوسف آن خواب را دید (که در آینده از برگزیدگان درگاه خدا می شود) و در دل فرزندان یعقوب حسدی شدید پدید آمد. [که سبب شد برادران، یوسف را در چاه انداختند و حضرت یعقوب سال ها به فراق یوسف مبتلا شد].^(۱)

باید دانست آزمون های الهی برای پیامبران سخت تر و بزرگ تر است، چنان که گفته اند «حسناتُ الابرار، سیئات المقربین؛ نیکی های خوبان، بدی های مقربان در گاه خداست.»^(۲) از این رو، حضرت یعقوب با یک خطا، سزاوار آن همه بلا شد.

۳. گرفتار شدن به یاری گنه کاران

جهان آفرینش، جهانی قانون مند است. اگر کسی در مسیر هدایت گام بردارد، خداوند، او را در همان مسیر یاری می کند و توفیق می دهد و کسی که پای در مسیر گمراهی نهد، خداوند، وی را به حال خود وامی نهد و توفیق کارهای خیر را از او می گیرد. از جمله اینکه اگر به گاه

ص: ۴۵

۱- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۱، صص ۱۷۵ و ۱۷۶، بخشی از روایت که نیاز بوده، بیان شده است.

۲- بحار الانوار، ج ۳۴، ص ۳۱۴.

گرفتاری دیگران، دست روی دست بگذارد و قدمی در راه گره گشایی بر ندارد، خداوند او را مجازات می کند، به گونه ای که به یاری رساندن به گنه کاران گرفتار می شود و پاداشی را هم که می توانست با گره گشایی به دست آورد، از کف می دهد. او همچنین مرتکب گناهی بزرگ شده است؛ چون یاری کردن گنه کاران، گناهی دیگر است. آن کس که گناه می کند و آن که او را کمک و یاری می کند و آن که از انجام گناه خشنود می شود، همه در آن گناه شریک هستند. امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود:

اگر شخصی از شیعیان ما سراغ برادر خود رود و از او برای احتیاج خود کمک بگیرد، ولی با اینکه می تواند، او را کمک نکند، خداوند عزوجل او را به برآوردن نیاز دشمنی از دشمنان ما گرفتار می کند که به سبب آن، خداوند، او را در روز قیامت عذاب می کند. (۱)

آن حضرت در جای دیگر می فرماید:

کسی که نسبت به یاری برادر مسلمانش و قیام برای رفع حاجتش بخل ورزد، به یاری گنه کار گرفتار می شود و پاداشی [هم] نمی گیرد، [بلکه مرتکب گناهی می شود]. (۲)

پیامبر گرامی اسلام این حقیقت را درباره امور مالی بازگو کرده است. ایشان می فرماید: «آن که مالش را از روی اختیار از اختیار دریغ کند، خداوند به ناچار، [مصرف] مال وی را به سوی اشرار می گرداند». (۳)

مشابه این حدیث نبوی (صلی الله علیه و آله) در کلام امام صادق (علیه السلام) نیز به چشم می خورد:

هیچ بنده ای از صرف کردن درهمی به جا و در راه طاعت خدا بخل نمی ورزد،

ص: ۴۶

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۷۵.

۲- همان، ص ۱۸۰.

۳- همان، ج ۹۳، ص ۲۸.

مگر اینکه دو درهم در راه نافرمانی خدا و نابه جا خرج می کند. (۱)

پس کسی که گره گشایی را ترک کند، «خَيْرَ الدنیا والآخرة» است؛ یعنی هم در دنیا زیان می بیند و هم در آخرت. «ذَلِكْ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ؛ و این خسارتی آشکار است». (۲) (حج: ۱۱)

۴. محروم شدن از رحمت الهی

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

هر مسلمانی که به قصد دیدار مسلمانی یا طلب نیازی سراغ مسلمانی برود، درحالی که او در خانه اش باشد و اجازه [ملاقات] بگیرد، ولی آن شخص از خانه اش خارج نشود، پیوسته در لعنت خداست [؛ یعنی از رحمت خدا به دور است] تا دوباره به هم برسند. (۳)

رفع نیاز مسلمانان در اسلام به اندازه ای اهمیت دارد که حتی بی توجهی به مسلمانی که قصد دیدن انسان را دارد، لعنت الهی را در پی خواهد داشت تا آن زمان که دوباره به هم برسند و کدورت از میان برود. از سوی دیگر، زیارت مسلمانان و برآوردن نیازشان مایه به دست آوردن رحمت خداوند می شود. در حدیث نبوی آمده است: «امیدواران به خودت را ناامید نکن که سبب خشم و دشمنی خدا بر تو می شود». (۴)

۵. قطع ولایت خداوند و اهل بیت (علیهم السلام)

یکی از آثار ایمان به خداوند و پیامبران او و روز جزا این است که بنده مؤمن، خداوند را سرپرست خود می داند. (۵) البته پرتویی از ولایت خدا،

ص: ۴۷

- ۱- . کافی ، ج ۳ ، ص ۵۰۴.
- ۲- . مشابه این متن از امام موسی کاظم (ع) نقل شده است. حسن بن علی بن شعبه حرانی، تحف العقول ، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، م و سسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ، چ ۲ ، ص ۴۰۸.
- ۳- . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۶۵.
- ۴- . بحار الانوار ، ج ۷۲ ، ص ۱۷۳.
- ۵- . نک: بقره: ۲۵۷.

ولایت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (ع) نیز به شمار می رود. آن کس که در دژ محکم ولایت الهی قرار می گیرد، از انوار هدایت الهی بهره مند می شود و منزل به منزل، به سوی کوی دوست راه می پیماید، ولی دوام این پیوند مبارک میان انسان و خدا و بندگان برگزیده او شرایطی دارد که اگر انسان آن شرایط را رعایت نکند، این رشته پیوند گسسته می شود و آدمی در وادی سرگردانی و سرگشتگی می افتد.

گرت هواست که معشوق نگسلد پیوند

نگه دار سر رشته تا نگه دارد

یکی از آن شرایط این است که انسان، دیگر مسلمانان را همچون جان خود عزیز بدارد، با آنان هم دردی کند و در سختی های روزگار، دست یاری به سویشان دراز کند؛ یعنی درد آنان را درد خود و شادیشان را شادی خود بداند.

مرا عهدی است با جانان که تا جان در بدن دارم

هواداران کوی ش را چو جان خویش تن دارم

امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود:

آن کس که فردی از برادرانش، قصد او را کند، در حالی که از او نسبت به برخی احوال خود پناه [و کمک] می خواهد، پس با اینکه توان دارد، او را یاری نکند، به درستی که ولایت خداوند عزوجل را [نسبت به خود] قطع می کند. (۱)

علامه مجلسی در شرح این حدیث می فرماید: «معنای حدیث این است که اگر برای دفع ستمی که بر او شده است یا برای برآوردن نیاز فوری اش مراجعه کند [و او توجه نکند]، خداوند سرپرستی امور او را به عهده نمی گیرد و هدایت های ویژه اش را از او برمی دارد.» (۲) از امام

ص: ۴۸

۱- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۹.

۲- همان، ص ۱۸۱.

صادق(علیه السلام) نیز چنین نقل شده است: «هیچ مؤمنی یاری برادرش را ترک نمی کند مگر اینکه خداوند در دنیا و آخرت، یاری اش را از او برمی دارد».(۱)

گفتنی است مراد از گسسته شدن رشته ولایت میان خداوند و بنده این است که خداوند هدایت های ویژه خود را بردارد، نه اینکه رابطه انسان و خداوند به کلی قطع شود؛ چون همه انسان ها چه کافر و چه مؤمن، مهمان خوان گسترده الهی هستند و اگر لحظه ای خداوند توجه خود را از جهان بردارد، همه چیز نیست و نابود می شود. «اگر نازی کند، درهم فرو ریزند قالب ها». با این حال، انسان برای رسیدن به سعادت و کمال جاودانی به رحمت ویژه الهی - که همان نعمت ولایت الهی است - نیاز دارد تا در مسیر بندگی خداوند حرکت و به قله های خوش بختی و کمال صعود کند.

ص: ۴۹

۱- . همان، ج ۷۴، ص ۳۱۱، ح ۶۷.

۱. رفع نیازهای مادی

اشاره

در قرآن کریم از مطلق صدقه و بخشیدن مال به نیازمندان به «انفاق» یا «پرداخت زکات» تعبیر شده است، چنان که برخی مفسران هم گفته اند: «هرجا واژه «زکات» در قرآن کریم آمده به معنای لغوی زکات؛ یعنی مطلق صدقه و بخشش مالی است و اصطلاح زکات به معنایی که اکنون به کار می رود و فقط شامل انفاق واجب نه چیز می شود، پس از دوران نزول قرآن رایج شده است».^(۱)

پس از بیان این مقدمه، مصداق های گوناگون گره گشایی را برمی شماریم:

الف) خوراک

اساسی ترین نیاز مادی هر انسان، آب و غذا است، به گونه ای که بدون آن نمی تواند به زندگی خود ادامه دهد. از این رو، در آیه ها و اخبار اسلامی، به برآوردن این دو نیاز ضروری دیگران به ویژه مسلمانان اهمیت و ارزش فراوانی داده شده است.

امام صادق(علیه السلام) فرمود:

هر کس به مؤمنی غذا دهد تا او را سیر کند، هیچ کس جز پروردگار

ص: ۵۰

۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۱۰.

جهانیان نمی دانند چه پاداشی در انتظار اوست؛ نه فرشته ای مقرب و نه نبی مرسل. از اسباب آمرزش گناهان، غذا دادن به مسلمان گرفتار قحطی و گرسنگی است. (۱)

گردنه ای که انسان باید از آن گذر کند تا از اصحاب مبارکی و خجستگی شود، آزاد کردن بندگان یا غذا دادن در روز گرسنگی به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک نشین است.

در روایت های دیگری از میان عوامل رفتن به بهشت، به غذا دادن به دیگران اشاره شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر کس مؤمنی را سیر کند، بهشت بر او واجب می شود.» (۲) همچنین امام سجاد (علیه السلام) فرمود:

هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا بدهد، خداوند از میوه های بهشتی به او بخوراند و کسی که مؤمن تشنه ای را سیراب کند، خداوند از شراب مهرخورده بهشتی به او بنوشاند. (۳)

از امام باقر (علیه السلام) نیز نقل شده است که خداوند ریختن خون ها [ای قربانی] و غذا دادن و فریادرسی از درماندگان را دوست دارد. (۴)

شخصی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به آن حضرت گفت: من همواره هنگام ناهار و شام دو سه نفر - کمتر یا بیشتر - مهمان دارم. (شاید وی تصور می کرد که امام از او ستایش خواهد کرد) امام فرمود: «برتری آنها نسبت به تو بزرگ تر از برتری تو بر آنهاست.» آن شخص پرسید: فدایت شوم، چگونه چنین است در حالی که من از غذای خود به آنها می خورانم و از مالم بر آنها هزینه می کنم و خانواده ام را به خدمت آنها می گیرم؟ حضرت فرمود: «هنگامی که آنها بر تو وارد

ص: ۵۱

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۰۰.

۳- همان، ص ۲۰۱.

۴- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۲.

می شوند، با روزی فراوان خدا وارد می شوند و چون می روند، با آمرزش گناهان تو [از سوی خداوند] بیرون می روند.»^(۱) این سخن حکمت آمیز حضرت، خاستگاه این مثل معروف در میان ایرانیان است. «روزی مهمان همراه خودش می آید» یا «مهمان حبیب خداست.» برخی از بزرگان نیز گفته اند: «غذا دادن به فقیران اثری دارد که حتی در دادن پول غذا به آنها آن اثر وجود ندارد.»^(۲)

آخرین نکته این بخش را به روایتی در فضیلت سیراب کردن تشنگان اختصاص می دهیم. امام محمد باقر (علیه السلام) می فرماید:

خداوند بزرگ خنک کردن جگر تفته را دوست دارد. هر که جگر تفته ای را آب بنوشاند، چه چارپایی باشد یا جز آن، خداوند در آن روزی که سایه ای جز سایه او نیست [و همه از شدت گرمای آن روز در رنج هستند] بر او سایه می افکند.^(۳) چه خوب است این سنت نیکو در همه شهرها رایج شود. برای مثال، در ماه های گرم سال در محل آمد و شد مردم، آب خنک و دستگاه های خنک کننده آب قرار دهیم تا با سیراب کردن تشنگان، پروردگار را خشنود سازیم.

ب) پوشاک

یکی دیگر از نیازهای ضروری انسان، نیاز به پوشاک است. لباس، نعمت الهی^(۴) است که هم انسان را از سرما و گرما می پوشاند و هم مایه شخصیت و آبروی اجتماعی هر انسانی به شمار می رود. از این رو، کسانی که در تأمین این نیاز اساسی زندگی مادی نیازمندان می کوشند،

ص: ۵۲

- ۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۲.
- ۲- کیمیای محبت، ص ۲۱۲.
- ۳- دوستی در قرآن و حدیث، ص ۳۷۰.
- ۴- نک: اعراف: ۲۶.

نزد خداوند جایگاه ویژه ای دارند. پیشوای ششم، امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود:

هر کس به مؤمن برهنه ای لباس بپوشاند، خداوند از پیراهن ابریشم بافت بهشت (استبرق) بر او بپوشاند و آن کس که مؤمن غیر نیازمندی را لباس بپوشاند، پیوسته در حفاظت الهی است تا زمانی که نخ‌ای از آن لباس باقی باشد. (۱)

خداوند، عیب‌ها و گناهان چنین فردی را می‌پوشاند؛ چون با هدیه کردن لباس به فردی باایمان، عورت او را پوشانده است. از این حدیث شریف، روشن می‌شود که در هدیه دادن‌ها، هدیه دادن لباس، جایگاه ویژه ای دارد. آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید:

هر کس برادرش را لباس زمستانی یا تابستانی بپوشاند، بر خداوند حق است که از لباس‌های بهشت بر او بپوشاند و سختی‌های مرگ را بر او آسان گرداند و بر او در قبرش گشایش دهد و آن‌گاه که از قبرش خارج می‌شود، فرشتگان را ملاقات کند، در حالی که به او بشارت می‌دهند و این همان سخن خداوند است که [فرمود]: «وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعِدُونَ؛ فرشتگان آنها را ملاقات می‌کنند و [می‌گویند] این همان روزی است که وعده آن را به شما می‌دادند». (انبیاء: ۱۰۳) (۲)

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است: «روزی نماز عصر را همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواندیم. پس از نماز همچنان که حضرت در محراب نشسته بود، مردم دور او را گرفتند. در این حال، پیرمردی از عرب‌های مهاجر که جامه‌ای کهنه پوشیده بود و از شدت پیری توان ایستادن نداشت، وارد شد. حضرت از او دل‌جویی کرد. پیرمرد گفت: ای رسول خدا! گرسنه‌ام، سیرم کنید. برهنه‌ام، مرا بپوشانید. تهی

ص: ۵۳

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۵.

۲- همان، ص ۲۰۴، ح ۱.

دستم، عنایتی کنید. حضرت فرمود: «اکنون چیزی ندارم، ولی آنکه به سوی خیر راهنمایی کند، مثل انجام دهنده خیر است. به خانه کسی برو که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسولش، او را دوست دارند، به خانه فاطمه برو.» پس به بلال فرمود: «بلال برخیز و این مرد را به خانه فاطمه برسان.» پیرمرد همراه بلال به راه افتاد. چون به خانه فاطمه رسید، با صدای رسا ندا داد: درود بر شما ای خاندان نبوت و ای رفت و آمدگاه فرشتگان و فرودگاه جبرئیل امین که قرآن را از نزد پروردگار جهانیان می آورد. حضرت فاطمه پاسخ داد: «وعلیک السلام. ای مرد! کیستی؟» مرد داستان خود را شرح داد. فاطمه که خود و همسرش و پدرش سه روز بود غذایی در خانه نداشتند، پوست گوسفند دباغی شده را که حسن و حسین (ع) روی آن می خوابیدند، برداشت و فرمود: «ای میهمان ما! این را بگیر. امیدوارم خدا بهتر از این را نصیب تو کند.» اعرابی گفت: ای دختر پیامبر! من از گرسنگی به تو شکوه آوردم، تو پوست گوسفندی به من دادی که چاره گرسنگی مرا نمی کند. فاطمه، گردن بندی که دختر عمویش حمزه به او هدیه کرده بود، از گردن باز کرد و به او بخشید و فرمود: این را بگیر و بفروش. امید است خدا بهتر از این را به تو بدهد. اعرابی گردن بند را گرفت و به مسجد آمد. هنوز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در میان اصحاب نشسته بود. گفت: ای پیامبر خدا! فاطمه این گردن بند را به من بخشید و گفت: آن را بفروش. امید است خدا کارت را به سامان رساند. پیامبر گریست و فرمود: چگونه کارت را به سامان نرساند، در حالی که فاطمه، دختر محمد (صلی الله علیه و آله)، سرور دختران حضرت آدم، آن را به تو بخشیده است.»

عمار یاسر به اجازه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) خواست آن گردن بند را بخرد و از قیمت آن پرسید. پیرمرد گفت: به یک وعده نان و گوشت که سیرم کند و لباسی که تنم را بپوشاند و در آن نماز بگذارم و پولی که مرا به خانواده ام برساند. عمار گفت: من این را به بیست دینار و دو بیست

درهم و لباس و مرکبی که تو را برساند و یک وعده نان و گوشت می خرم. پیرمرد گفت: ای مرد! تو چه بخشنده ای. آن گاه همراه عمار روان شد و بهای گردن بند را دریافت کرد. وقتی به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برگشت، حضرت به او فرمود: «آیا سیر شدی و از برهنگی درآمدی؟» گفت: آری - پدر و مادرم فدای تو باد - حضرت فرمود: «پاداش این عمل فاطمه را بده.» اعرابی دست به دعا برداشت و پس از حمد و ثنای الهی گفت: خداوندا! آنچه هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است، به فاطمه عطا کن. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمین گفت و کلماتی در فضایل حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) فرمود، ولی داستان گردن بند همین جا پایان نیافت.

عمار، گردن بند را با مشک خوش بو کرد، در برد یمانی پیچید، آن را به غلامش داد و گفت: این گردن بند را نزد پیامبر ببر. خودت را هم به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بخشیدم. غلام، دستور مولایش را اطاعت کرد و نزد پیامبر رفت و سخن عمار را بازگو کرد. پیامبر فرمود: «نزد فاطمه برو؛ تو و گردن بند از آن فاطمه هستی.» غلام نزد فاطمه (علیها السلام) آمد و فرموده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را باز گفت. حضرت فاطمه (علیها السلام) گردن بند را گرفت و غلام را هم آزاد کرد. اینجا بود که غلام خنده ای کرد. حضرت فرمود: چرا می خندی؟ گفت: من از برکت فراوان این گردن بند [شگفت زده شده ام] و می خندم؛ گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشاند، نیازمندی را بی نیاز کرد و بنده ای را آزاد کرد و در آخر سر به صاحبش برگشت». (۱)

ج) مسکن

مسکن، یکی دیگر از نیازهای اساسی انسان است. هر انسانی به مکانی نیاز دارد که پس از فعالیت روزانه به آن پناه برد تا در کنار خانواده استراحت کند و برای روزی نو آماده شود. از این رو، برآوردن نیاز

ص: ۵۵

مسکن دیگران، یکی از موارد مهم گره گشایی شمرده می شود و این عمل، در دین مقدس اسلام، جایگاه ممتازی دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

اگر کسی خانه ای دارد [که به آن نیاز ندارد] و مؤمن دیگری را که خانه ای ندارد، از سکونت در آن باز دارد [و بخل ورزد]، خداوند عزوجل می فرماید: ای فرشتگان من! آیا بنده من نسبت به سکونت بنده ام در خانه دنیایی اش بخل ورزید. به عزت و جلالم که هرگز در بهشت هایم سکونت نخواهد گزید. (۱)

فضل و رحمت خداوند، بی حساب و کتاب نیست. آن کس که نسبت به خانه تنگ دنیوی بخل می ورزد، چگونه انتظار سکونت در سرای گسترده بهشت را دارد. بهشت، سرای سخاوتمندان است. این کلمات حکیمانه معصومان، لریزه بر اندام هر انسان بیدار می اندازد و برای اندرز او کافی است، ولی باید به این حقیقت تلخ اعتراف کرد که مردم جامعه ما در عمل کردن به این وظیفه دینی و انسانی سستی می ورزند. گذشته از ثروتمندانی که هرگز با کوچ نشینان هم دردی نمی کنند، گروهی هستند که زمین، این نعمت خدادادی را وسیله سوداگری و چپاولگری خویش قرار داده اند، تا جایی که در حال حاضر، خانه دار شدن برای یک جوان به آرزوی دیررس تبدیل شده است و بیشترین فشار اقتصادی را بر آنان تحمیل می کند. اینان که چنین با زندگی مردم بازی می کنند، چگونه انتظار دارند پروردگار حکیم در روز قیامت آنها را در خانه های بهشتی سکونت دهد؟

(د) ازدواج

کانون گرم خانواده، محل انس و آرامش انسان است. یک جوان مجرد، پیوسته در فشارهای روحی است تا زمانی که کانون پرمهر خانواده را

ص: ۵۶

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۴؛ بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۹.

پایه ریزی کند. ازدواج، نیاز ضروری هر انسان است که تأخیر در آن، آفت ها و زیان های فراوانی برای فرد، خانواده و اجتماع در پی دارد. بنا براین، یکی از خدایسندترین کارها، فراهم آوردن اسباب ازدواج پسران و دختران بی همسر است. ناگفته پیداست این کار، عامل حفظ سلامتی فرد و جامعه است.

وقتی جوانی را که گرفتار گناه بزرگ خودارضایی بود، نزد حضرت علی (علیه السلام) آوردند، حضرت بر دستان او زد تا دستانش سرخ شد. سپس از بیت المال به آن جوان پولی پرداخت کرد تا ازدواج کند. (۱) خداوند در قرآن کریم به مؤمنان سفارش می کند که برای افراد بی همسر، همسر انتخاب کنند و اگر تهی دست باشند، خداوند از فضل خود آنها را بی نیاز می کند. (۲) فراهم کردن اسباب ازدواج به دو صورت ممکن است: یکی اینکه انسان برای به هم رسیدن دختران و پسران میانجی گری کند و در خواستگاری و معرفی آنها نقشی فعال داشته باشد. در روایت های نورانی اهل بیت (علیهم السلام)، «برترین شفاعت یا میانجی گری»، میانجی گری برای ازدواج دانسته شده است. (۳) خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هر کس شفاعت (میانجی گری) نیکو کند، خودش نیز بهره ای از آن می برد و هر کس شفاعت بد کند، بهره ای از آن دارد». (نساء: ۸۵)

میانجی گری در امور پسندیده، پاداش نیک و در امور ناپسند، کیفر دردناک دارد. کسی که واسطه طاعت خدا شود، در ثواب آن طاعت و کسی که واسطه گناه شود، در آن گناه شریک است. کسی که سبب ازدواج مرد یا پسر مجردی شود، در روایت های اسلامی در شمار کسانی است که خداوند در روز قیامت با نظر رحمت خود با آنها رفتار می کند.

ص: ۵۷

۱- . وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۵۲، ح ۳.

۲- . نك: نور: ۳۲.

۳- . میزان الحکمه، ح ۹۴۶۷.

شیوه دیگر فراهم کردن اسباب ازدواج، پرداخت کمک مادی است. امام زین العابدین (ع) فرمود:

هر کس نیازی از نیازهای برادر مؤمنش را برآورد...، خداوند [رسیدن به] صد حاجت او را مقدر می کند که یکی از آنها بهشت است. کسی که مؤمنی را به تزویج همسری درآورد تا همدم او و مایه آرامشش باشد، خداوند در قبرش کسی را که از همه اهلش نزد او محبوب تر باشد، همدم او می گرداند. (۱)

۵- آموزش

دانش اندوزی در دین مقدس اسلام، جایگاه والایی دارد و اهل دانش نزد خداوند از درجه های بالایی برخوردارند. (۲)

در روایت های اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر دانش اندوزی به ویژه دانش دینی بسیار تأکید شده است تا جایی که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «من دوست دارم که شما را دانشمند یا دانشجو ببینم و اگر کسی چنین نباشد، کوتاهی کرده است...». (۳)

حال که تحصیل علم در اسلام این اندازه ارزشمند است، کسی هم که اسباب تحصیل دیگران را فراهم کند، نزد خداوند جایگاه ممتازی خواهد یافت. تشویق اسلام به دانش آموزی، همواره در طول تاریخ عده ای را برانگیخته تا با ساخت مدارس و موقوفات، زمینه تحصیل جوانان را فراهم کنند. کمک به ساخت مدارس، دانشگاه ها و حوزه های علمیه، خرید کتاب برای افراد بی بضاعت، اهدای کتاب به قشر تحصیل کرده، ساخت کتاب خانه های عمومی و تخصصی، تأمین مخارج زندگی دانشجویان و طلاب علوم دینی و مانند آن از کارهای خداپسندانه ای

ص: ۵۸

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۴.

۲- نک: مجادله: ۱۱.

۳- بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۰.

است که به رونق دانش و پیشرفت کشور در زمینه های مادی و معنوی کمک می کند.

و) کار

بی کاری جوان، پی آمدهای نامطلوب فرهنگی و اجتماعی دارد. افتادن در دام هرزگی و فساد، همواره جوان بی کار را تهدید می کند. در روایت های نورانی اهل بیت (علیهم السلام)، بی کاری عامل میل به گناه شمرده شده است. (۱) در برخی روایت های دیگر، بی کاری و پرخواهی نامطلوب معرفی شده است. (۲) بنا براین، هر کاری که در این زمینه صورت گیرد، ارزش والا و آثار فراوان دنیوی و اخروی دارد. رفع معضل بی کاری، افزون بر فقر و محرومیت زدایی، عامل مهمی در کاهش فساد و انحراف در جامعه خواهد بود. همچنین یکی از ریشه های بالا رفتن سن ازدواج جوانان و افزایش آمار طلاق، مشکل بی کاری است که اگر برطرف شود، آمار طلاق و بزه کاری، سیر نزولی خواهد پیمود. تأسیس کارگاه ها و کارخانه ها در نقاط گوناگون کشور، پرداخت وام اشتغال، تأسیس آموزشگاه های فنی و حرفه ای و آموزش مهارت های گوناگون عملی با دریافت کم ترین هزینه یا به صورت رایگان، برخی موارد گره گشایی در کارآفرینی به شمار می آید. بدون شک، اگر این کار با انگیزه خدایی انجام شود، از پاداش دنیوی و اخروی نیکویی نزد خداوند بهره مند خواهند شد.

ز) خدمات عمومی

یکی دیگر از مصداق های گره گشایی، انجام خدمات عمومی مانند آتش نشانی، پاکیزگی شهرها، ساخت سد، پل، بیمارستان، ساخت

ص: ۵۹

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴هـ - ق، ج ۲۰، ص ۳۰۳، باب الحکم المنسوبه الی امیرالمؤمنان.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۸.

زائرسراها و حفر قنات های آب است. امام سجاد(علیه السلام) از پدر بزرگوارش از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) چنین نقل می کند: «هر کس طغیان آب یا آتشی را از گروهی از مسلمانان باز دارد، بهشت بر او واجب می شود.»(۱) در روایت دیگری از پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) چنین نقل شده است: «بنده ای وارد بهشت شد، به سبب اینکه خاری از سر راه مسلمانان برداشت.»(۲) یا «هر کس بر سر جاده ای، ساختمانی بسازد که رهگذران به آن پناه برند، خداوند در روز قیامت، او را در حالی که بر در ناب ایستاده و رویش برای اهل بهشت می درخشد، برانگیزاند.»(۳)

با این دید، کارمندان مراکز مثل شهرداری، آتش نشانی، سازمان آب و اداره برق که به مردم خدمات عمومی می رسانند و گره از کار مردم می گشایند، اگر به انگیزه خدایی و خدمت به مردم کار کنند، نهادهایی مقدس شمرده می شوند. همچنین افراد نیکوکاری که مسجدهای بین راهی و زائرسراها را می سازند، از دیدگاه اسلام، جایگاه شایسته ای نزد خداوند بزرگ دارند.

ه- (قرض دادن

یکی از سنت های نیکوی اسلامی، سنت قرض دادن به یکدیگر است. در برخی روایت های اسلامی، قرض برتر از صدقه معرفی شده؛ یعنی ثواب صدقه، ده برابر و ثواب قرض، هجده برابر است.(۴)

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله)، کسانی را که از قرض دادن وسایل زندگی خودداری می کنند، نکوهش می کند و می فرماید: «اگر کسی چنین کند، خداوند در روز قیامت، خیر خود را از او باز دارد و او را به خود واگذارد.»(۵) ایشان در ادامه می فرماید: «هر کس برادر مسلمانش به او نیاز داشته باشد و او با وجود توانایی،

ص: ۶۰

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۵؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۰.

۲- منتخب میزان الحکمه، ح ۴۱۹۲.

۳- همان، ح ۴۱۹۳.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۹۴.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۸۳.

آن را انجام ندهد، خداوند بوی بهشت را بر او حرام می گرداند»^(۱).

و) پرداخت بدهی

یکی دیگر از مصداق های مهم گره گشایی، پرداخت بدهی دیگران است. امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: «محبوب ترین کارها نزد خداوند، شادمان کردن مؤمن با سیر کردن یا رفع گرفتاری یا پرداخت بدهی او است»^(۲).

گفته اند حضرت امام حسین (علیه السلام) از اسامه بن زید که بیمار بود، عیادت کرد. اسامه بسیار غمگین بود. امام سبب اندوه او را پرسید. وی پاسخ داد: «من از بدهی شصت هزار درهمی خود اندوهگینم». امام حسین (علیه السلام) به او فرمود: «بدهی ات بر گردن من». اسامه گفت: «می ترسم از دنیا بروم [در حالی که بدهی بر گردن من است]». امام حسین (علیه السلام) فرمود: «من پیش از مرگت، بدهی ات را خواهم پرداخت». امام حسین (علیه السلام) به وعده خود عمل کرد و شصت هزار درهم بدهی اسامه را پیش از مرگ وی پرداخت^(۳).

از موارد دیگری که ائمه (ع) به آن سفارش کرده اند، «آسان گیری بر بدهکار» است. حماد بن عثمان می گوید: «نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی از اصحاب وارد شد. امام صادق (علیه السلام) به او فرمود: «چرا برادرت از تو گله گذاری می کند؟» پاسخ داد: گله او به خاطر این است که من حق خودم را به صورت کامل از او دریافت کردم. امام به او فرمود:

گمان می کنی اگر حقت را کامل بگیری، کار بدی نکرده ای؟ بگو ببینم اینکه خداوند عزوجل در قرآن می فرماید: [پرهیزکاران] از حساب بد [روز قیامت] می ترسند،^(۴) آیا ترس آنها از ستم کردن خداوند بزرگ بر آنان است؟

ص: ۶۱

۱- همان.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۷.

۳- همان، ج ۴۴، ص ۱۸۹.

۴- نك: رعد: ۲۱.

نه، به خدا سوگند که از این نمی ترسند، بلکه از استقصا می ترسند [می ترسند که خداوند با عدالت خود با آنان رفتار کند و بدی های آنها را به صورت کامل جزا دهد] که خداوند خود بر این کار سوء الحساب (حساب رسی بد) نام نهاده است. «کسی که حقش را کامل بگیرد [در جایی که بر بدهکار فشار می آید]، کار ناپسندی انجام داده است. (۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خداوند، کسی را که سبک جان، آسایش خو و سبک بار باشد، دوست دارد.» (۲) به طور کلی، خداوند، کسی را که در حقوق شخصی خود آسان گیر باشد، دوست دارد. ایشان فرمود:

ای مردم! [این مطلب مهم را] حاضران به غایبان اطلاع دهند. آگاه باشید که هر کس به شخص نداری مهلت دهد، بر خداوند است که تا زمانی که طلبش را بگیرد، برای هر روز مهلت دادن، ثواب صدقه به قدر مالش [که در دست بدهکار مانده است]، عطا کند. (۳)

این روایت نبوی، شاهی بر این حقیقت پیش گفته است که در اسلام، قرض، ثوابی افزون تر از صدقه دارد؛ چون برای هر روز مهلت دادن به بدهکار، ثواب صدقه دادن کل مال برای مهلت دهنده نوشته می شود.

ز) خرج کردن آبرو (بذل جاه)

بذل جاه، عنوانی فراگیر است که در روایت ها و کتاب های اخلاق به چشم می خورد. اگر کسی که موقعیتی اجتماعی، مقام و منصب، آبرو و مقبولیت ویژه ای داشته باشد و از این آبرو و موقعیت خود برای گره گشایی و کمک به دیگران و میانجی گری در بن بست ها مایه بگذارد، به این کارش بذل جاه می گویند. از امام جعفر صادق (علیه السلام) نقل شده است:

ص: ۶۲

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۷.

۲- دوستی در قرآن و حدیث، ص ۳۷۳.

۳- جامع السعادات، ج ۲، ص ۱۶.

هیچ مؤمنی نیست که برای برادر مؤمنش بذل جاه کند، مگر اینکه خداوند، روی او را بر آتش حرام گرداند و در روز قیامت، غبار و ذلت، چهره اش را نپوشاند و هر مؤمنی که از بذل جاه برای برادرش بخل ورزد - در حالی که آبرومندتر از اوست - در دنیا و آخرت خواری و ذلت به او می رسد و در روز قیامت، شعله های آتش چهره اش را می سوزاند، چه [در نهایت] از آمرزیده شدگان باشد و چه از عذاب شوندگان. (۱)

پس حتی اگر آن شخص، با ایمان و اهل نجات باشد، باز باید عذاب این گناه خود؛ یعنی کوتاهی در حق مؤمن را بچشد و آن گاه روانه بهشت شود.

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «برترین صدقه، صدقه زبان است.» پرسیدند: ای رسول خدا! صدقه زبان چیست؟ فرمود: «میانجی گری است که به سبب آن اسیری را آزاد کنی و از ریخته شدن خونی جلوگیری کنی و امر پسندیده ای را به سوی برادرت بکشانی و امر ناخوشایند را از او دور کنی.» (۲)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «خداوند متعال «تمحل» را در قرآن واجب کرده است.» پرسیده شد: تمحل چیست؟ فرمود: «اینکه آبرویت از برادرت بیشتر باشد. پس برای او خود را به زحمت اندازی.» (۳) همچنین حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرموده است: «همچنان که خداوند بر شما انفاق مالتان را واجب کرده، زکات جاه تان را نیز بر شما واجب گردانیده است.» (۴) به دیگر سخن، همچنان که انسان وظیفه دارد از زیادی مال خود برای بینوایان مصرف کند، باید از جاه و مقام خود در دفاع از مظلومان استفاده کند.

ص: ۶۳

۱- . بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۷.

۲- . همان، ج ۷۳، ص ۴۴.

۳- . وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۸۱.

۴- . همان.

از پیامبر اسلام نقل شده است:

خداوند متعال [در قیامت] از جاه بنده می پرسد، همان گونه که از مالش می پرسد. پروردگار می گوید: بنده من! به تو جاه [و مقام] روزی کردم. آیا با آن ستم دیده ای را یاری یا دادخواهی را فریادرسی کردی؟^(۱)

هر نعمتی که از سوی خداوند به بندگان می رسد، سزاوار شکری است و شکر نعمت جاه و مقام، دست گیری از ستم دیدگان و دادخواهان است. «آبرو و موقعیت اجتماعی به سبب بذل آن رشد می کند و به سبب کوتاهی نابود می شود و کسی که مقامی دارد، عذری در بخل ورزیدن به آن ندارد. چنین کسی حالش از بخیل مالی بدتر است؛ چون بخیل مالی، مال را برای سختی های روزگار ذخیره می کند و آن را بهانه قرار می دهد؛^(۲) ولی ذخیره کردن جاه معنا ندارد.

اکنون نمونه ای از بذل جاه در زندگی امام جواد(ع) را می آوریم. فردی از اهالی سیستان گفته است: «در سالی حج گزاردم که آغاز حکومت معتصم عباسی بود. با حضرت امام جواد(ع) بر سر یک سفره نشسته بودیم که در آنجا دوستان خلیفه عباسی نیز حضور داشتند. به حضرت گفتم: فدایت شوم. حاکم و والی ما مردی از دوست داران شماست و در دفتر او، مالیاتی بر گردن من است [که پرداخت آن بر من سنگین است]. اگر صلاح می بینی، به او نامه ای بنویس که مرا مورد لطف خود قرار دهد. حضرت فرمود: او را نمی شناسم. گفتم: از ارادتمندان شما اهل بیت(علیهم السلام) است و نامه شما به او برای من سودمند است. حضرت ورقی برداشت و در آن نوشت: «اما بعد، حامل این نامه به نیکی از شما یاد کرد. آنچه از عملت برای تو می ماند، همان است که در آن نیکی ورزی. پس به برادرانت نیکی کن و بدان که خدای عزوجل از کردار تو

ص: ۶۴

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۹.

۲- ابوالحسن ماوردی، ادب الدنيا والدین، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقاء، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ هـ - ق، چ ۴،

ص ۳۲۱.

اگر چه هم وزن ذره یا خردل باشد، بازخواست خواهد کرد.» پیش از ورودم به سیستان، خبر نامه به حاکم منطقه رسیده و وی برای استقبال من به دو فرسخی شهر آمده بود. نامه را به او دادم، بوسید و بر دو دیده نهاد و به من گفت: حاجت چیست؟ گفتم: در دفتر تو مالیاتی بر عهده دارم که از پرداختش ناتوانم. وی فرمان داد آن مالیات را از دفترش حذف کردند و گفت: تا زمانی که من بر سر کار هستم، از پرداخت مالیات معافی. سپس از عیال من پرسید. تعداد آنها را به او گفتم. دستور داد بیش از مبلغی که برای تأمین زندگی ما کافی است، به من بدهند و تا زنده بودم مرا از پرداخت مالیات معاف داشت. صله او هم تا از دنیا رفت، از من قطع نشد». (۱)

علی بن یقظین، وزیر دربار عباسی و حامی حقوق شیعیان در آن دستگاه ستم کار، از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: «خداوند عزوجل در کنار هر پادشاه [ستمگر]، دوستانی دارد که به سبب ایشان، بلا را از دوستانش دفع می کند». (۲)

حضرت امام خمینی (ره)، بزرگ حامی مستضعفان و مظلومان در دوران حاضر نیز در وصیت نامه خود به فرزندشان، حاج سید احمد آقا می فرماید:

پسرم! از زیر بار مسئولیت انسانی که خدمت به حق در صورت خدمت به خلق است، شانه خالی مکن؛ که تاخت و تاز شیطان در این میدان (میدان شانه خالی کردن از مسئولیت) کمتر از میدان تاخت و تاز در بین مسئولین و دست اندرکاران نیست. (۳)

بنابراین، چه کسانی که مناصب اجتماعی دارند و چه آنها که از موقعیت و آبروی اجتماعی ویژه ای برخوردارند، موظفند از این

ص: ۶۵

۱- . کافی، ج ۵، ص ۱۱۱.

۲- . همان، ص ۱۱۲.

۳- . نک: کیمیای محبت، ص ۲۱۸.

موقعیت خود برای دست‌گیری از نیازمندان و دفاع از ستم‌دیدگان استفاده کنند.

ح) دفاع از حق ستم‌دیده

یکی از مصداق‌های مهم گشایی، دفاع از ستم‌دیدگان و بازپس گرفتن حق آنها از ستم‌کاران است. مظلوم به کسی می‌گویند که ناخواسته حش غصب شده است و خود توان بازستانی آن را ندارد. حضرت علی (علیه السلام) به دو فرزند خود، امام حسن و امام حسین (علیه السلام) و در حقیقت، به همه شیعیان وصیت می‌کند که «قُولَا بِالْحَقِّ وَاعْمَلَا لِلْآجِرِ وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ سخن به حق گوئید و برای پاداش الهی کار کنید و دشمن ستمگر و یار ستم‌دیده باشید»^(۱).

امام صادق (علیه السلام)، یاری ستم‌دیده را برتر از روزه و اعتکاف یک ماه در مسجدالحرام شمرده است.^(۲) همچنین پیامبر گرامی اسلام فرمود:

از جمله سخنان خداوند تعالی با داوود این بود که: ای داوود! به درستی که هیچ بنده ای نیست که ستم‌دیده ای را یاری کند یا با او به دادستانی رود جز اینکه در روزی که قدم‌ها [بر پل صراط] می‌لغزد، پاهایش را استوار دارم.^(۳)

کسی که ستم‌دیده ای را در دنیا از دست ستم‌کاری نجات دهد و حق او را بستاند، خداوند در روز قیامت، او را از جمله نجات‌یافتگان از دوزخ قرار خواهد داد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

مردی از نیکان را [پس از وفات] در قبر نشانند. [فرشتگان عذاب] به او گفتند: ما صد تازیانه از تازیانه عذاب خدا به تو می‌زنیم. گفت: طاقت آن را ندارم و پیوسته با او گفتم و گو کردند تا به یک تازیانه رسیدند و گفتند

ص: ۶۶

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۹۰، ح ۷۵.

۲- همان، ج ۷۵، ص ۲۰.

۳- میزان الحکمه، ش ۱۱۴۸۵، ص ۳۳۸۴، به نقل از: الدر المنثور.

چاره ای از آن نیست. [باید یک تازیانه بخوری.] پرسید: برای چه مرا تازیانه می زنید؟ گفتند: «بدان سبب روزی بدون وضو نماز خواندی و بر انسان ناتوانی گذشتی، ولی او را یاری نکردی.» سپس یک تازیانه از عذاب خداوند به او زدند که به سبب آن، گورش پر از آتش شد. (۱)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حتی پیش از برانگیخته شدن به پیامبری از حقوق ستمدیدگان دفاع می کرد. نمونه آن، پیوستن ایشان به پیمان «حلف الفضول» (پیمان جوان مردان) بود. «این پیمان، شریف ترین پیمان در میان عرب [پیش از اسلام] بوده است. پیامبر در بیست و پنج سالگی در این پیمان شرکت کرد و بعدها بدان افتخار می کرد و می فرمود: «اگر بار دیگر بدان دعوت شوم، می پذیرم.» [اعضای این پیمان] اعلام کرده بودند در مکه از مظلوم دفاع خواهند کرد؛ چه ظالم از رؤسا باشد، چه از ضعفا؛ چه از قبیله ما باشد و چه نباشد؛ چه بنده باشد و چه آزاد». (۲)

حضرت علی (علیه السلام) همواره یاور ستم دیدگان بود. روزی سعید بن قیس همدانی، حضرت علی (علیه السلام) را هنگام ظهر و شدت گرما در کنار دیوار باغی دید. پرسید: ای امیرمؤمنان! این ساعت از روز اینجا چه می کنید؟ حضرت فرمود: «من جز برای اینکه ستم دیده ای را یاری کنم یا درمانده ای را فریادرسی کنم، بیرون نیامدم». (۳)

به نقل از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام): «در روزی بسیار گرم، علی (علیه السلام) به خانه می رفت که ناگاه چشمش به زنی افتاد که در آن گرمای سوزان ایستاده بود. زن شکایت کرد که همسرم بر من ستم روا داشته و مرا ترسانیده و سوگند خورده است که مرا بزند. حضرت فرمود: ای کنیز خدا! صبر کن تا هوا خنک شود. سپس من به خواست

ص: ۶۷

-
- ۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۸.
 - ۲- رسول جعفریان، سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، تاریخ سیاسی اسلام، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۸، ج ۱، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.
 - ۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۱۶.

خدا همراهت خواهم آمد. زن گفت: اگر صبر کنم، خشم همسرم بر من شدیدتر خواهد شد. حضرت سر به زیر انداخت. سپس سر برداشت و گفت: به خدا سوگند، تا حق این مظلوم را بدون درنگ بازستانم، [به خانه نمی روم]. از زن پرسید: خانه ات کجاست؟ [زن به راه افتاد] و علی (علیه السلام) همراه او حرکت کرد تا به در خانه اش رسید. حضرت مقابل در خانه ایستاد و ندا داد: سلام بر شما [اهل خانه]. پس از چند لحظه جوانی بیرون آمد. علی (علیه السلام) گفت: ای بنده خدا! از خدا بترس. تو این زن را ترسانده و از خانه بیرون رانده ای. جوان گفت: این مسئله چه ربطی به تو دارد؟ به خدا سوگند، به خاطر این سخت، او را آتش می زنم. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خشمگین شد و فرمود: «من تو را امر به معروف و نهی از منکر می کنم. تو با منکر با من روبه رو می شوی و معروف را رد می کنی؟» در این هنگام برخی از مردم رهگذر به علی (علیه السلام) رسیدند و گفتند: السلام علیکم یا امیرالمؤمنان. جوان با شنیدن این جمله که مردم، علی (علیه السلام) را امیر مؤمنان خطاب می کردند، رنگ از رخسارش پرید و روی دست و پای حضرت افتاد و گفت: ای امیر مؤمنان! از لغزش من درگذر. به خدا سوگند، خاک پای همسرم می شوم. حضرت شمشیرش را غلاف کرد و فرمود: «ای کنیز خدا! به خانه ات برو و همسر خود را به این وضع و مشابه آن دچار مکن.» (۱) [یعنی کاری نکن که شوهرت از تو به خشم آید].»

۲. رفع نیازهای معنوی

الف) میانجی گری و آشتی دادن دیگران

اشاره

چنان که می دانیم، تیره شدن روابط اجتماعی میان افراد با یکدیگر یا جوامع اسلامی با همدیگر، آثار زیان بار فراوانی برای فرد و جامعه در پی دارد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که قطع رابطه میان افراد [و قهر کردن آنها] سبب نابودی دین است. (۲) از این رو، آنان که در جامعه موقعیت ویژه ای دارند، باید در ایجاد صلح میان افراد و

جوامع اسلامی بکوشند تا جامعه اسلامی هر چه

ص: ۶۸

۱- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۵۷.

۲- جامع السعادات، ص ۲۸۰.

سالم تر و باصفاتر شود. مقام و موقعیت اجتماعی، نعمتی است که خداوند برای خدمت رسانی به مردم به انسان ارزانی کرده است، نه برای مال اندوزی و فخرفروشی. بنابراین، شکر این نعمت، به خدمت رسانی و میانجی گری در اختلاف و دفاع از حقوق مظلومان است. امام صادق (علیه السلام) می فرمود: «میانجی گری، زکات جاه و مقام است.»^(۱) باز در جای دیگر فرمود: «کسی که برای رسیدن سود به کسی یا دفع زیان از او میانجی گری کند، در روز قیامت، ثابت قدم خواهد ماند.»^(۲)

یک - عرصه های میانجی گری

اول - اختلاف خانوادگی

زندگی خانوادگی، فراز و نشیب های فراوان دارد. وجود اختلاف سلیقه ها و افکار میان زن و شوهر، امری طبیعی است که همسران باید با گذشت و تحمل بسیاری آنها را حل کنند. گاه دامنه اختلاف های خانوادگی چنان بالا می گیرد که کانون گرم و پر مهر خانواده به کانون قهر و اضطراب، تبدیل و زندگی بر همه اعضای آن تلخ می شود. آن جاست که زمزمه های فرو ریختن بنیان ازدواج به گوش می رسد، ولی در این شرایط رنج آور، وظیفه دیگران چیست؟ آیا می توانند دست روی دست بگذارند و شاهد فروپاشی یک کانون پر مهر باشند یا وظیفه دیگری دارند؟ خداوند در قرآن کریم در این گونه موارد، راه کار بسیار مؤثری ارائه می کند و می فرماید:

اگر از جدا شدن دو همسر می ترسید، داوری از خویشان مرد و داوری از خویشان زن برانگیزید. پس هر یک از داوران، با خویش خود نشست، به

ص: ۶۹

۱- . میزان الحکمه، ش ۹۴۶۳.

۲- . همان، ش ۹۴۶۶.

ریشه یابی مشکل پردازند. پس دو داور با هم مشورت کنند تا اگر دعوی‌شان حل شدنی باشد و خواهان آشتی کردن باشند، میانجی‌گری کنند و با درایت خود، گرهی را که در کارشان افتاده است، بگشایند و خداوند آن دو را [دوباره] به هم می‌رساند که خداوند، دانای آگاه به جزئیات امور است. (نساء: ۳۵)

این دستور خداوند، نشانه دانایی و آگاهی او به جزئیات امور است. بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی، در مسائل کوچک و قابل‌گذشت ریشه دارد. در این گونه موارد، وظیفه بزرگان قوم است که با ارشاد خود، از افروخته تر شدن شعله درگیری جلوگیری کنند و نگذارند کانون گرم خانواده به بهانه ای واهی، سرد و خاموش شود.

شهید آیت‌الله سیدمحمد حسینی بهشتی درباره حاج شیخ ابراهیم نجف‌آبادی، یکی از فضیلاهای پرتلاش نجف‌آباد چنین گفته است:

از ویژگی‌های ایشان، مردمی بودنش بود. دوستان نجف‌آبادی من نقل می‌کردند که حاج شیخ همیشه در خدمت به مردم آماده است. گاهی اتفاق می‌افتاد که زن و شوهری نیمه شب با هم دعوا می‌کردند و همه اهل منزل حریف آنان نمی‌شدند. بالاخره یک نفر در ساعت دو بعد از نیمه شب در منزل حاج شیخ می‌آمد و ایشان از خواب برمی‌خاست و نمی‌گفت: صبر کنید تا هوا روشن شود، بعد می‌رویم، بلکه بی‌درنگ لباسش را می‌پوشید و روانه می‌شد و با رویی گشاده و خندان وارد خانه می‌شد. می‌گفت: فعلاً چای درست کنید، بینم چه شده است. پای سماور می‌نشست. یک چای خودش می‌خورد و یک چای به آنها می‌داد. زن و شوهر را با هم آشتی می‌داد، آتش دعوا را فرو می‌نشاند و برمی‌خاست و به خانه اش می‌رفت. (۱)

ص: ۷۰

دین مقدس اسلام برای میانجی گری و آشتی دادن دیگران اهمیت فراوان قائل شده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا. (نساء: ۸۵)

هر کس میانجی گری نیکو کند، از آن بهره ای می برد و هر کس میانجی گری بد کند، از آن بهره ای دارد.

میانجی گری در امور گوناگون امکان پذیر است، مانند ازدواج و به هم رساندن دختران و پسران باایمان به یکدیگر، دفاع از حق ستمدیدگان و بی گناهان و رفع اختلاف های میان دوستان و افراد جامعه. خداوند در جای دیگری می فرماید: «تقوا پیشه کنید و روابط میان خودتان را اصلاح کنید.» (انفال: ۱) همچنین قرآن کریم، مؤمنان را برادر یکدیگر می خواند و می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْرِخْ بَيْنَ أَعْوَابِهِمْ؛ مؤمنان باهم برادرند. پس میان برادران خود آشتی برقرار کنید.» (حجرات: ۱۰) در جامعه ای که بر اساس ایمان به خداوند و پرستش او و ایمان به روز جزا پایه ریزی شده است و کتاب آسمانی واحد، کعبه واحد، پیامبر واحد و آرمان واحد دارند، همه با هم برادر و برابرند و میان آنها صلح و صفا و مهربانی برقرار است. پس اگر به هر دلیلی در دل ها کدورت و کینه ای افتاد و شیطان کوشید دشمنی و جدایی پدید آورد، وظیفه برادری اقتضا می کند که نگذاریم این شکاف پدید آمده عمیق تر شود، بلکه باید با تدبیر و تلاش آن را ترمیم کنیم و صفا و صمیمیت را به دل ها هدیه دهیم. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) که بنیان گذار جامعه قرآنی برادرمحور بود، می فرماید:

آیا می خواهید شما را از کاری آگاه کنم که [درجه اش] از درجه نماز و روزه و صدقه برتر است؟ [آن کار]، آشتی دادن مردم با یکدیگر است. به درستی که از میان رفتن رابطه میان افراد، براندازنده دین [و

روشن است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با این فرمایش خود نمی خواهد از ارزش نماز و روزه بکاهد؛ زیرا بدون شک، بهترین کار در اسلام، نماز است، (۲) بلکه به گفته برخی مانند شیخ طوسی، شاید مراد از نماز در این حدیث شریف، نماز مستحبی است؛ (۳) یعنی آشتی دادن از نماز مستحب برتر است. شاید معنای حدیث این باشد که اگر رابطه مسلمانان، قطع و میان آنها کینه و دشمنی برقرار شود، نماز و روزه و عبادت های دیگر هم از میان می رود و نماز مطلوب دین اسلام به جای آورده نمی شود؛ چون اسلام در کنار سعادت فرد، سعادت جامعه را نیز در نظر دارد. از این رو، بسیاری از عبادت های اسلامی باید در جمع و اجتماع برگزار شود.

نمازهای روزانه، نماز جمعه، جهاد، حج و عبادت های جمعی هستند که انجام آنها تنها در صورتی امکان پذیر است که دل های مسلمانان به هم نزدیک و از کینه و کدورت، پاک باشد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید:

خداوند را دست آویز سوگندهای خود قرار مدهید که [بیدین بهانه] از نیکی کردن و پرهیزکار بودن و اصلاح میان مردم پرهیزید که خدا شنوای داناست. (بقره: ۲۲۴)

حضرت امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمود: «اگر برای آشتی دادن دو نفر دعوت شدی، نگو سوگند خورده ام که این کار را انجام ندهم.» (۴) فقیهان شیعه تصریح کرده اند (۵) که سوگند خوردن برای انجام عملی که در

ص: ۷۲

۱- میزان الحکمه، ص ۳۰۶۸، ح ۱۰۵۱۷.

۲- جمله معروف اذان: «حی علی خیر العمل؛ بشتاب به سوی بهترین عمل».

۳- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴۳.

۴- کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۶.

۵- رساله توضیح المسائل مراجع، احکام قسم.

اسلام، مطلوب نیست، مثل سوگند خوردن برای انجام کار حرام، باطل و بی اعتبار است. ترک اصلاح میان مردم نیز از کارهایی است که اسلام به آن راضی نیست. بنابراین، اگر کسی به آن سوگند بخورد، چنان که امام صادق (علیه السلام) فرمود، بی اعتبار است و وفا به چنین سوگندی لازم نیست. این، خود، نشانه اهمیت میانجی گری و آشتی دادن دو نفر در اسلام است. همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمود: «آشتی دادن دو نفر، نزد من، از دو دینار صدقه دادن (سکه طلا)، محبوب تر است»^(۱).

صدقه دادن، گرفتاری مادی نیازمندان را برطرف می کند و آشتی دادن، گرفتاری روحی آنها را و طبیعی است که حل گرفتاری روحی از حل گرفتاری مادی مهم تر خواهد بود.

همچنین آن حضرت به نقل از پدرانشان از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هیچ کس پس از برپا داشتن فرایض،^(۲) عملی بهتر از آشتی دادن مردم انجام نداده است. [آشتی دهنده] سخن خوب می گوید و سبب گسترش خوبی در جامعه می شود»^(۳).

یک - جواز دروغ گفتن برای میانجی گری

در اسلام، دروغ یکی از زشت ترین کارها و نشانه دورویی و بی ایمانی است.^(۴) با این حال، برای حل اختلاف پیش آمده میان افراد، دروغ گفتن اشکالی ندارد. این مطلب نشان دهنده توجه اسلام به حل اختلاف های افراد و پدید آمدن جامعه ای پر از صلح و صفاست.

از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت شده است: «المصلح لیس بکاذب؛ اصلاح گر

ص: ۷۳

۱- . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۴.

۲- . این قید در روایت، قرینه و شاهی برای معنایی است که شیخ طوسی برای حدیث نبوی در صفحه گذشته داشت.

۳- . بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۴۳.

۴- . نک: نحل: ۱۰۵.

دروغ گو نیست»^(۱) در ادبیات فارسی نیز مثلی مشهور است که «دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است.» امام صادق (علیه السلام) در جای دیگر می فرماید:

سخن سه گونه است: راست و دروغ و اصلاح میان مردم. برای مثال از کسی درباره کسی چیزی می شنوی که اگر بشنود، ناراحت می شود. پس چون او را می بینی می گویی که فلانی از خوبی تو چنین و چنان می گفت و خلاف آن را که شنیده ای، گزارش می دهی.^(۲)

دروغ گفتن در این گونه موارد، درایت و بینش بسیاری لازم دارد که هر کس توان درست اجرا کردن آن را ندارد و اگر کسی بدون ملاحظه ریزه کاری ها دروغ بگوید، چه بسا ریشه اختلاف را عمیق تر کند و نمونه «از قضا اسکنجبین صفرا فزود» شود یا دروغ گوینده، خود را نزد مردم بی اعتبار کند و فردی دروغ گو شناخته شود. بنا براین، دروغ مصلحت آمیز، راه کاری عمومی و قابل سفارش برای همه افراد نیست، ولی دوری کردن از «راست فتنه انگیز» برای همگان ممکن است و این، کمترین کاری است که می توانند برای آشتی دادن دو نفر انجام دهند.

دو - انفاق مالی برای میانجی گری

این راه کار، ویژه حل اختلاف های مالی است. حضرت امام صادق (علیه السلام) آن قدر به وجود برادری در میان شیعیانشان اهمیت می داد که به مفضل بن عمر از اصحاب خود اجازه داد اگر میان دو نفر از شیعیان، نزاع و درگیری در گرفت، از مال ایشان خرج کند تا نزاع حل شود. شخصی به نام ابوحنیفه که سمت سرپرستی کاروان حج را بر عهده داشت، می گوید: «من و دامادم بر سر میراثی مشاجره می کردیم که مفضل گذرش بر ما افتاد. لحظه ای ایستاد و جویای حال ما شد. سپس گفت: به منزل من بیایید. به منزلش رفتیم. پس از گفت و گو با ما، چهارصد درهم به ما

ص: ۷۴

۱- . کافی، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۵.

۲- . همان، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۱۶.

پرداخت کرد و دیگر من و دامادم نسبت به هم ادعایی نداشتیم. سپس گفت: این از مال خودم نیست، بلکه امام صادق (علیه السلام) به من امر کرده است که هرگاه دو نفر از یاران مرا دیدی که نزاع می کنند، میان آنان صلح برقرار کن و از مال من عوض بده [تا راضی شوند]. این مالی که به شما پرداختم، از مال امام بود». (۱)

چه نیکوست که پیروان مکتب جعفری نیز در آشتی دادن دیگران با هم از آبرو و مال و عمر خود مصرف کنند تا دل ها نسبت به هم زلال و بی کینه و پر از صلح و صفا شود.

بیا تا مونس هم، یار هم، غم خوار هم باشیم

انی س ج ان ه م، فرسوده بیمار هم باش یم

دوای هم، شف ای هم، ب رای هم، فدای هم

دل هم، جان هم، جانان هم، دلدار هم باشیم

یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار

زبان و دست و پایک کرده، خدمت کار هم باشیم (۲)

سوم - اختلاف دولت های اسلامی

گاه اتفاق می افتد که دو دولت اسلامی به هر بهانه ای به جان هم می افتند و کارشان به جنگ می کشد یا در آستانه آن قرار می گیرند. در این هنگام، وظیفه گروه ها و دولت های اسلامی این است که آنها را به صلح و آشتی دعوت کنند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

اگر دو طایفه از مؤمنان به کارزار با هم پرداختند، میان آنان آشتی دهید. پس اگر یکی بر دیگری تجاوز کرد، با متجاوز بجنگید تا به دستور خدا برگردد. پس اگر برگشت، میان آنها به عدل اصلاح کنید و عدالت ورزید؛ که خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد. (حجرات: ۹)

بنا براین، اختلاف های فرقه ای، اقتصادی و اجتماعی نباید دست

ص: ۷۵

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۴۵.

۲- فیض کاشانی، دیوان کامل، تهران، نشر چکامه، بی تا، چ ۳.

آویزی برای جنگ و خون ریزی میان دو دولت مسلمان باشد، ولی اگر چنین حادثه ای رخ داد، دیگر دولت های اسلامی وظیفه دارند آتش فتنه را خاموش کنند. طبیعی است میانجی گری میان دو گروه یا دو دولت اسلامی، ارزش والایی دارد. چه بسا این کار از ریخته شدن خون هزاران بی گناه و هدر رفتن ثروت های انبوه جلوگیری کند و راه بهره برداری از فرصت ها را بر دشمنان اسلام بندد.

جمهوری اسلامی ایران افتخار دارد که پس از انقلاب اسلامی با رهنمودهای پیامبرگونه حضرت امام خمینی (ره)، همواره سیاست تنش زدایی و ایجاد صلح و صفا میان دولت های اسلامی و دفاع از محرومان جهان را پی گیری می کند تا جایی که ایران اسلامی در دنیا، نماد دفاع از مستضعفان و مخالف تجاوز و ستم شناخته شده است.

(ب) هدایت گری

یک - ارشاد گمراهان

یکی از مهم ترین مصداق های گره گشایی معنوی، راهنمایی گمراهان و هدایت و ارشاد آنان است. انسانی که در وادی سرگردانی به سر می برد و از آفریننده هستی و ایمان به او و از دین و تکالیف دینی غافل است، گرفتار عقده های روحی می شود و زنگارهای جهل و تردید، دل او را فرا می گیرد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هر کس، شخصی را زنده کند، گویا همه مردم را زنده گردانده و هر کس شخصی را بکشد، گویا همه مردم را کشته است.» (مائده: ۳۲) حضرت امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید:

تأویل بزرگ تر آیه این است که اگر کسی شخصی را از گمراهی به سوی هدایت برد، گویا او]، بلکه گویا همه مردم] را زنده کرده است و هر کسی شخصی را از هدایت به سوی گمراهی برد، به درستی که او را]،

بلکه همه مردم] را کشته است. (۱)

در شعر زیر، اهمیت هدایت گری در قالب بیان تفاوت عالم و عابد به نظم کشیده شده است:

صاحب دلی به مدرسه آم د ز خانقاه

بشکست عهد صحبت اهل طری ق را

گفتم می ان ع الم و عاب د چه ف رق بود

تا اختیار ک ردی از آن، این فری ق را

گفت آن گلیم خویش به در می برد ز موج

وین جه د می کند که بگردد غری ق را

دو - نصیحت

نصیحت، در زبان عربی به معنای خیرخواهی به کار می رود؛ خواه آن خیرخواهی در مقام مشاوره باشد و خواه در مقام ارشاد دیگران یا پیش گیری از زبانی که متوجه فرد یا گروهی است. انسان خیرخواه کسی است که چون می بیند دوستش یا هر مسلمانی در معرض آلوده شدن به گناه است، او را با زبان نصیحت کند و از زیان های گناه بترساند یا اگر خطر مالی یا جانی، وی را تهدید می کند، خطر را به او گوشزد کند. نمونه ای از نصیحت، در داستان حضرت موسی (ع) در قرآن کریم بازگو شده است.

حضرت موسی (ع) در آغاز جوانی، در شهر مصر قدم می زد که ناگهان جوانی از بنی اسرائیل را دید که در حال زد و خورد با یکی از فرعونیان است. او با دیدن موسی (ع) از وی کمک خواست و حضرت موسی (ع) برای نجات او مشتکی به مرد فرعونی زد که سبب مرگ او شد. این حادثه، هراس موسی (ع) را برانگیخت و هر آن منتظر پیشامدی بود. فردای آن روز، دوباره همان بنی اسرائیلی را دید که

ص: ۷۷

دوباره درگیر شده است و از او کمک می خواهد. موسی (ع) به او گفت: تو بی شک، نادان هستی و چون خواست دوباره به او کمک کند، با کمال تعجب دید که می گوید: ای موسی! آیا همان گونه که دیروز کسی را کشتی، می خواهی مرا هم بکشی؟ با شنیدن این سخن، موسی از یاری او چشم پوشی کرد. در این هنگام، شخصی از سوی دیگر شهر آمد و گفت: ای موسی! سران قوم فرعون نقشه قتل تو را می کشند. از این شهر خارج شو که من خیرخواه تو هستم. موسی (ع) با شنیدن این سخن، شتابان از مصر گریخت و راه مدین را در پیش گرفت. بدین ترتیب، از شر فرعون و فرعونیان ستمگر خلاص شد. چنین بود که با نصیحت و خیرخواهی یک فرد حق جو، حضرت موسی (ع) از دست ستم کاران نجات یافت (۱) و منشأ دگرگونی های بزرگ در جامعه بشری و سرچشمه هدایت بسیاری از نسل های بشر شد.

گاه یک جمله نصیحت، سبب نجات یک فرد یا گروه یا نسل هایی می شود. در دین مقدس اسلام نیز به زبان های گوناگون، اهمیت و برکت نصیحت گوشزد شده است. از سویی، نصیحت به عنوان وظیفه دینی مؤمنان نسبت به یکدیگر معرفی می شود. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وظیفه مؤمن است که مؤمن را نصیحت کند» (۲) و «بر مؤمن واجب است که در حضور و غیبت، خیرخواه مؤمن باشد» (۳) از سوی دیگر، بالاترین درجه های قیامت، پاداش خیرخواهان است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «بالاترین درجه در قیامت از آن مردمی است که برای خیرخواهی مردم در زمین گام برمی دارند» (۴).

پذیرش نصیحت ممکن است بر انسان گران آید و چنان که دیده ایم، برخی با شنیدن نصیحت، چهره در هم می کشند، ولی این ناراحتی

ص: ۷۸

۱- نک: قصص: ۱۴ - ۲۱.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

۳- همان.

۴- همان.

و ناخوشایندی را باید تحمل کرد که عاقبت نیکویی دارد. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: «از کسی پیروی کن که تو را می‌گریاند و خیرخواه توست و از کسی که تو را می‌خندانند و بدخواه توست، پیروی نکن» (۱).

سرچشمه بدخواهی و ترک نصیحت، حسادت است. حسود، دشمن نعمت‌های خداست و هرگز چشم دیدن نعمت‌ها و خوبی‌های دیگران را ندارد. به همین سبب، هنگامی که احساس می‌کند خطری متوجه دوستش یا مؤمنی دیگر است یا ممکن است سودی از دست برود، برای دفع خطر هیچ تلاشی نمی‌کند، بلکه از دیدن ناراحتی آنان شاد می‌شود. این عمل حسود، نوعی خیانت (یا غش) به برادر دینی شمرده می‌شود.

نکته مهم دیگر این است که آدمی باید چنان خود ساخته باشد که همواره خیرخواهی دیگران را بپذیرد. آنان که زیر بار نصیحت نمی‌روند یا امر به معروف و نهی از منکر را اهانت به خود تلقی می‌کنند، در حقیقت، با دست خویش، خود را به وادی هلاکت و گمراهی می‌اندازند. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مخالفت با نصیحت و نپذیرفتن آن مایه هلاکت انسان است» (۲). نصیحت‌کننده باید با زیرکی چنان عمل کند که نصیحت شونده، کمتر آزرده شود و درجه پذیرش او بالاتر رود. برای نمونه، یکی از راه‌کارهایی که در دین اسلام برای اصلاح عیب‌های دیگران ارائه شده، این است که عیب‌ها به صورت غیرمستقیم و محترمانه به طرف مقابل بازگو شود، تا جایی که گویا هدیه‌ای به او داده می‌شود. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ؛ بهترین برادران شما، کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه دهد» (۳). روشن است که جز انسان‌های پست و فرومایه، از پذیرفتن هدیه خودداری نمی‌

ص: ۷۹

۱- . منتخب میزان الحکمه، ص ۵۰۲.

۲- . غرر الحکم، ح ۷۷۴۳.

۳- . دوستی در قرآن و حدیث، ص ۲۴۴.

کنند. پس کسی از هدیه گرفتن عیب های خود ناراحت نمی شود و آن را رد نمی کند.

همچنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مؤمن، آئینه مؤمن است و رنج را از او دور می کند.»^(۱) این کلام کوتاه و پرمغز نیز خود آئینه ای است که بسیاری از نکات و حقیقت ها در آن منعکس شده است. برای مثال، آئینه، عیب های انسان را فریاد نمی کند، بلکه بدون هیاهو به او نشان می دهد. آئینه، عیب شخص را همان گونه که هست، بدون کم و زیاد نشان می دهد. هر چه آئینه، زلال تر باشد، عیب ها را بهتر نشان می دهد. دل های مؤمنان نیز هر چه نسبت به همدیگر پاک تر باشد، عیب ها را زیباتر و بهتر بازگو می کند. آئینه، عیب را به انسان پرتاب نمی کند، بلکه به او هدیه می کند.

دوست آن باش که عیب م را

همچو آئینه روبه رو گوی د

نه چ و ش انه با هزار زبان

پشت سر رفته، مو به مو گوی د

به دستور منصور دوانیقی، صندوق بیت المال را باز کرده بودند و به هر کس چیزی از آن می دادند. شقرانی یکی از کسانی بود که برای دریافت سهمی از بیت المال آمده بود، ولی چون کسی او را نمی شناخت، راهی برای اینکه سهمی از بیت المال بگیرد، پیدا نمی کرد. چون یکی از اجداد شقرانی، برده و آزاد شده رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود و او نیز آزادی را از اجدادش به ارث برده بود، به او «مولی رسول الله؛ یعنی آزاد شده رسول خدا» می گفتند و افتخار و انتسابی برای وی به شمار می رفت و خود را به خاندان رسالت وابسته می دانست. در این میان، چشم های نگران او به امام صادق (علیه السلام) افتاد. خوش حال شد، جلو رفت و حاجتش را گفت. طولی نکشید که امام برای او سهمی از بیت المال گرفت و

ص: ۸۰

آورد. همین که آن را به دست شقرانی داد، با لحنی مهربان به وی گفت: «کار خوب از هر کسی خوب است، ولی از تو خوب تر و زیباتر است؛ چون به ما منتسبی و کار بد، از هر کسی بد است و از تو بدتر و زشت تر است؛ به سبب همین نسبت تو با ما.» امام صادق (علیه السلام) این جمله را فرمود و گذشت. شقرانی با شنیدن این جمله دانست که امام از راز او؛ یعنی گناه شراب خواری اش آگاه است. شقرانی از اینکه امام به او محبت کرد و عیش را نیز به او فهماند، پیش وجدان خود بسیار شرمسار شد. (۱)

سه - مشورت دهی

هر یک از ما در اندیشه و دانش، کاستی هایی داریم که در مقام عمل ممکن است ما را از انتخاب راه بهتر باز دارد. بنا براین، با بهره گیری از تجربه و عقل و اندیشه دیگران می توانیم کاستی های علم و عقل خود را جبران کنیم و در عقل و تجربه آنان شریک شویم. خداوند در قرآن کریم به پیامبر اسلام سفارش می کند که در کار مهم خود با مؤمنان مشورت کن. (۲) قرآن کریم با این فرمان خود، به پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) و به همه حاکمان تا روز قیامت می آموزد که در تصمیم گیری های مهم، از مشورت دیگران به ویژه خبرگان کارشناس بهره گیرند تا میزان خطا و لغزش آنان به کمترین حد ممکن برسد. او که خود عقل کل و نارفته مکتب، استاد صد مدرس بود، در تصمیم گیری های کلان مانند جنگ و دفاع با یاران به رایزنی می پرداخت تا الگویی نیکو از خود به جا بگذارد.

همچنین آن حضرت، اصحاب خود را به مشورت در کارها سفارش می کرد و می فرمود: «مشورت، قلعه امنی است از پشیمانی و سالم ماندن از سرزنش دیگران.» (۳) از سوی دیگر، کسی که طرف مشورت قرار می گیرد، اگر

ص: ۸۱

۱- . بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹.

۲- . نك: آل عمران: ۱۵۹.

۳- . ادب الدنيا والدین، ص ۷۷.

شایستگی و توان مشورت دهی را داشته باشد، وظیفه دارد در حل مشکلات دیگران از مشکلات فرهنگی و اقتصادی گرفته تا مشکلات اجتماعی و دینی آنان کوتاهی نکند و از تجربه و دانش و اندیشه اش به دیگران بهره دهد. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است: «یکی از حقوق مسلمان بر مسلمان این است که اگر نصیحت بخواهد، او را خیرخواهی و نصیحت کند» (۱).

یک مشاور خوب کسی است که عقل کامل و تجربه گذشته، دین و تقوا، خیرخواهی و مهربانی و فکر سلیم از هم و غم داشته باشد و در مشورت دهی، در پی غرض و هوای شخصی خود نباشد. مشورت دادن، از مصداق های نصیحت و خیرخواهی دیگران و وظیفه مؤمنان نسبت به یکدیگر است. حال اگر کسی در انجام این وظیفه کوتاهی کند و در مشورت دهی، خیر و صلاح دیگران را بازگو نکند، باید منتظر پی آمدهای بد آن باشد و جزای دنیوی کوتاهی خود را بچشد. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کسی که با برادرش مشورت کند و او راه درست را به وی نشان ندهد، خداوند، نعمت عقل و تدبیر او را می گیرد. (۲)

عقل و تدبیر، یکی از نعمت های بزرگ الهی است که وظیفه داریم در برابر آن شکرگزاری کنیم. بنابراین، کمک کردن به دیگران با فکر و اندیشه خود، بخشی از شکرگزاری این نعمت به شمار می رود. از سوی دیگر، کفران نعمت، سبب از دست رفتن نعمت می شود. پس کسی که شکر نعمت عقل و تدبیر را با مشورت دهی و بازگو کردن خیر دیگران ادا نکند، این نعمت از او گرفته خواهد شد.

ص: ۸۲

۱- همان .

۲- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۸۳.

زندگی دنیا پیوسته با تلخی‌ها، شیرینی‌ها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها آمیخته بوده و گرفتاری و بلا در کنار آسایش و امنیت، لازمه زندگی است. انسان فرود آمده در این «دامگه حادثه» باید در کوره حوادث روزگار از خامی درآید. مصیبت‌ها، با صبر و شکرگزاری گوارا و شیرین می‌شوند و پاداش بی حساب الهی را در پی دارند، ولی در یک جامعه اسلامی، خویشاوندان مصیبت دیده وظیفه دارند با هم دردی و شریک دانستن خود در مصیبت، تحمل رنج را بر مصیبت دیده هموار سازند. در دین مقدس اسلام که آیین برادری است، اهمیت هم دردی تا آن جاست که یک شرط برادری و دوستی ایمانی و گاه بهترین شرط حفظ برادری و دوستی، (۱) هم دردی (مواسات) دانسته شده است. حضرت علی(ع) فرمود: «راست ترین برادران در دوستی کسانی هستند که در خوشی و ناخوشی با برادران خود، بیشتر هم دردی کنند.» (۲) روشن است کسی که نسبت به خوشی و ناخوشی انسان بی توجه باشد، در حقیقت، نسبت به خود انسان بی علاقه است و اگر ادعای دوستی می‌کند، ادعای گزاف و دروغی است.

دوست آن باشد که گیرد دست دوست

در پ ریشان حالی و درم اندگی

یکی از مصداق‌های هم دردی، تسلیت گفتن به شخص مصیبت دیده است. کسی که عزیزی را از دست داده است، شرایط ویژه‌ای دارد و اندوه فراق، قلب او را می‌آزارد. در این شرایط، برادران دینی و دوستان وی باید با تسلی دادن به او، قدری از اندوهش بکاهند و مرهمی بر زخمش بنهند. این مهم به صورت‌های گوناگون امکان پذیر است. می

ص: ۸۳

۱- . دوستی در قرآن و حدیث، ص ۲۴۰.

۲- . همان، ص ۲۵۹.

توان با حضور در مجلس عزا، در غم صاحب عزا شریک شد. در برخی روایت ها آمده است که در تسلیت دادن، همین بس که صاحب مصیبت تو را ببیند؛^(۱) یعنی حاضر شدن در مراسم عزا مثل تشییع جنازه و مجلس ختم، خود به تنهایی، هم دردی با صاحب عزا و تسلیت گویی به اوست، هرچند تسلیت را به زبان نیاورد. مرحله بالاتر این است که انسان با زبان هم دردی کند و تسلیت بگوید. به ویژه کلماتی بگوید که از معارف دینی و قرآن کریم سرچشمه گرفته باشد که در آرامش روحی انسان نقش مهمی دارد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین تعزیت می گفت: «خداوند به شما اجر دهد و رحمت خود را بر شما فرود آورد.»^(۲) چنان که می دانیم این تسلیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از قرآن کریم الهام گرفته است و این الگوی نیکویی برای ماست. ایشان هنگامی که در پی جنازه ای حرکت می کرد، اندوه بر آن حضرت چیره می شد و کم سخن می گفت.^(۳) این رفتار حضرت، هم دردی با صاحب عزا و موعظه برای آن حضرت بود.

از دیگر سنت های نیکوی ایشان آن بود که از بیماران، عیادت و در تشییع جنازه ها شرکت می کرد.^(۴) آن گاه که از بیماران عیادت می کرد، می فرمود: «ای پروردگار سختی! سختی را بردار و شفا بده که تو شفا دهنده ای و شفا دهنده ای جز تو نیست.»^(۵) همچنین می فرمود: «کسی که مصیبت دیده ای را تسلیت دهد، از همانند پاداش او بهره مند می شود.»^(۶) نمونه دیگری از هم دردی از امام رضا (ع) نقل شده است. وقتی آن حضرت، حسن بن

ص: ۸۴

-
- ۱- . منتخب میزان الحکمه، صص ۳۴۷ و ۴۲۴.
 - ۲- . سید محمد حسین طباطبایی، (المنتقى من) سنن النبى (گزیده عربی از کتاب علامه)، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (ع) ، ۱۴۱۸هـ- . ق، ص ۱۱۸.
 - ۳- . همان، ص ۱۱۷.
 - ۴- . همان، ص ۱۱۸.
 - ۵- . همان، ص ۱۱۹.
 - ۶- . بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۹۴، ح ۴۶.

سهل را تسلیت داد، چنین گفت: «تهنیت و تبریک گفتن به سبب ثواب اخروی مصیبت، سزاوارتر است از تسلیت بر مصیبت زودگذر.»^(۱) البته در صورت صبر بر مصیبت، ثواب اخروی نصیب انسان می شود.

دیگر سنت نیکوی دینی برای هم دردی با مصیبت دیدگان، سنت غذا بردن برای آنان است. تا جایی که غذا خوردن نزد اهل مصیبت از کارهای اهل جاهلیت و غذا فرستادن برای آنان از سنت های اسلامی بیان شده است.^(۲) چون شخص مصیبت دیده به دلیل آسیب روحی، به تهیه غذا میلی ندارد، این سنت نیکو می تواند از برخی زیان های جسمی که ممکن است به صاحبان عزا برسد، پیش گیری کند. هنگامی که جعفر بن ابی طالب، فرمانده سپاه اسلام در جنگ موته به شهادت رسید، پیامبر اسلام به حضرت فاطمه (علیها السلام) دستور داد که تا سه روز غذایی تهیه کند و برای وی ببرد. همچنین به ایشان گفت سه روز نزد همسر جعفر، اسماء بنت عمیس بماند.^(۳) مطلب تأسف آور این است که در جامعه اسلامی ما، به جای عمل به این سنت نیکوی اسلامی که نشانه کامل بودن دین اسلام است، عکس آن عمل می شود و به محض اینکه شخصی از دنیا می رود، دیگران به جای هم دردی با بازماندگان و غذا بردن برای آنان، بر سر بازماندگان و مصیبت دیدگان می ریزند و پذیرایی کردن گسترده را وظیفه بازماندگان می شمردند و اگر کسی چنین نکند، وی را بخیل می دانند.

پنج - احترام

چگونه احترام گزاری از موارد گره گشایی شمرده می شود و این دو چه ربطی به هم دارند؟ با اندک دقت روشن می شود که احترام گزاری و بزرگ داشتن انسان ها، اثری معجزه آسا در زندگی آنان دارد. بسیاری از

ص: ۸۵

۱- همان، ج ۷۸، ص ۳۵۳، ح ۹.

۲- المنتقی من کتاب سنن النبی، ص ۱۲۳.

۳- کافی، ج ۳، ص ۲۱۷.

عقده های روانی و روحی آدمیان را با احترام به آنان می توان حل کرد و جلوی آفت هایی را گرفت که آنان را تهدید می کند. بنا براین، احترام متقابل، پایه زندگی اجتماعی انسان به شمار می رود.

در قرآن کریم و مکتب نورانی اهل بیت (علیهم السلام) به احترام گزاردن به دیگران توجه ویژه ای شده است، چنان که بزرگ داشتن برادر دینی، هم رتبه بزرگ داشتن خداوند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) به شمار می رود. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «کسی که برادر مسلمانش را اکرام کند، خداوند عزوجل را اکرام کرده است.» امام صادق (علیه السلام) نیز فرمود: «اگر کسی، فردی از دوستان ما را اکرام کند، ابتدا خدا و سپس پیامبرش را اکرام کرده و ما را نیز شاد کرده است.»^(۱)

کسی که به خدا و پیامبر ایمان آورد، به واسطه انتساب به خداوند و پیامبر، ارزش و احترام ویژه می یابد و در حقیقت، ارزش و کرامت حقیقی انسان، جز در سایه ایمان به خداوند ممکن نیست. پس کسی که مسلمانی را احترام کند، در حقیقت، به سبب رابطه ای که آن مسلمان با خداوند دارد، خداوند را نیز اکرام کرده است.

از سوی دیگر، احترام و اکرام برادران دینی، پاداش فراوانی دارد. پیامبر گرامی اسلام فرمود:

کسی که برادر مسلمانش را با سخنی محبت آمیز احترام کند و در گرفتاری اش، گشایش پدید آورد، تا زمانی که در این کار دست دارد، رحمت الهی بر سرش سایه می افکند.^(۲)

شش - خوش رویی

برخورد نیکو با دیگران آثار و برکت های فراوانی دارد. خوش رو بودن همیشگی با دیگران، مایه نزدیک شدن دل ها به هم، ایجاد انس و الفت،

ص: ۸۶

۱- همان، ج ۲، ص ۲۰۶، به نقل از: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله).

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۰، به نقل از: از امام صادق (علیه السلام).

رفع کدورت و کینه و گشایش عقده های روانی از دل هاست. پیامبر گرامی اسلام با آن مقام بلند نبوت و رهبری اجتماعی مردم، پیوسته در برخورد با همه مسلمانان از کوچک و بزرگ، خوش رو بود. حضرت امیرالمؤمنان علی (علیه السلام)، انسان مؤمن را چنین توصیف می کند: «مؤمن، اندوهش در دل و شادی اش در چهره اش است؛^(۱) زیرا غم و غصه های دنیوی یا اخروی سبب نمی شود که فرد باایمان در برخورد با دیگران ترش رو و اخمو باشد. ترس از خدا و قیامت و اندوه قیامت را داشتن، دلیل موجهی برای اخمو بودن در جامعه نیست، بلکه مؤمن همواره با داشتن اندوه قیامت در دل، در رفتار با دیگران خوش رو است.

ص: ۸۷

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۶، باب المؤمن و علاماته و صفاته.

۱. موانع فردی

الف) بخل

یکی از مهم ترین موانع درونی که انسان را از گره گشایی باز می دارد، بخل است. «بخل، صفتی است که وی را از مصرف صحیح مال و بخشش آن باز می دارد.» (۱) تنگ نظران دنیادوستی که تنها در اندیشه زندگی خود و خانواده هستند و مال و ثروت دنیا، چشمان آنان را کور کرده است، هرگز نمی توانند برای گرفتاری دیگران دل بسوزانند و برای حل کردن آن گامی بردارند. قرآن کریم، رستگاری را ویژه کسانی می داند که خود را از آزمندی و بخل حفظ کنند. (۲) یک ریشه بخل و گداصفتی، ترس از آینده و فقر است. از دیدگاه قرآن کریم، این ترس،

ص: ۸۸

۱- . لسان العرب، ج ۲، ص ۴۹۶.

۲- . نك: حشر: ۹.

برخاسته از وسوسه شیطانی است و در مقابل، بخشش و گشاده دستی، از الهام ربانی سرچشمه می گیرد. شیطان، پیوسته انسان را از فقر می ترساند و خداوند مغفرت و فضل خود را به وی وعده می دهد.^(۱) در آیه ای از قرآن می خوانیم: «شما هر چه انفاق کنید، خداوند جای گزین آن را به شما خواهد داد.»^(۲) بدین گونه مؤمنان را به فضل و رحمت خداوند امیدوار می کند. پس سزاوار است که مؤمن خدا باور بر او توکل کند و از بخشش در راه خدا نهراسد.

افزون بر این، برخی تصور می کنند که وظیفه آنان به پرداخت خمس و زکات محدود می شود و هیچ وظیفه ای در پرداخت صدقه ندارند، در حالی که چنین نیست. کسانی که در گشایش مالی به سر می برند، باید در برخی موارد، افزون بر خمس و زکات، با پرداخت هدیه و صدقه، از نیازمندان به ویژه از خویشاوندان خود دست گیری کنند و اگر کوتاهی کنند، به نوعی به بخل گرفتارند.

سال ها پیروی مذهب رن دان ک مردم

تا به فتوای خرد، حرص به زندان کردم

من به سرمنزله عنقا نه به خود بردم راه

طی این مرحله با مرغ سلیمان کردم^(۳)

حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در توصیف بخل می فرماید: «بخل جامعه، همه عیب های بد است و زمامی است که انسان را به سوی هر بدی رهبری می کند.»^(۴) همچنین از منظر روایت ها، بخل و شح،^(۵) انسان

ص: ۸۹

۱- نک: بقره: ۲۶۸.

۲- نک: سبأ: ۳۹.

۳- حافظ.

۴- نهج البلاغه دشتی، حکمت ۳۷۸.

۵- شح: به معنای حرص شدید، همراه با بخل است. مفردات راغب.

را به دروغ گویی، ستم، قطع رحم(۱)، پرداخت نکردن زکات و جنایت و خون ریزی می کشاند.

ب) سستی

سستی و تنبلی کردن در تمام کارها زیان آور و آفت دین و دنیای آدمی است. از سستی، کوتاهی در ادای واجبات، تزییع حقوق دیگران(۲) و نپرداختن به رفع گرفتاری دیگران زاده می شود. حضرت امام صادق(علیه السلام) به برخی از فرزنداناش سفارش می کرد: «از سستی و کم حوصلگی بپرهیز؛ چون این دوره تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند.»(۳) از سوی دیگر، پیشوایان دینی، ما را به بلندهمتی ترغیب می کنند و کرم و بخشش را نتیجه بلندهمتی(۴) و ارزش هر انسانی را به اندازه همت او می دانند.(۵) سستی و تنبلی، سبب هدر رفتن وقت و عمر و استعدادهای آدمی می شود. نیکی کردن و گره گشایی نیز تنها در سایه همت بلند ممکن است و این همای سعادت هرگز بر بام کم همتان نمی نشیند.

ج) شرم بیش از اندازه

یکی از نعمت های ارجمند الهی به انسان، نعمت شرم و حیا در اوست که یکی از بازدارنده های قوی درونی از انجام زشتی هاست، ولی آیا شرم همواره پسندیده و نیکو است؟

در مدرسه اخلاقی اهل بیت پیامبر(ع)، شرم به دو دسته شرم پسندیده و ناپسند تقسیم می شود؛ شرم پسندیده، نشانه عقل و علم و شرم ناپسند،

ص: ۹۰

۱- محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، محجه البیضاء، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۱، ج ۶، ص ۷۱.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۹، ص ۷۰.

۳- کافی، ج ۵، ص ۸۵.

۴- غرر الحکم، ۱۴۷۷.

۵- نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

نشانه حماقت و نادانی دانسته شده است. (۱) شرم کردن از سخن حق در جایی که باید حق را بگوید (۲) و شرم کردن از گره گشایی و پرداخت اندک به نیازمند، دو نمونه از شرم ناپسند است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «کار خیر را انجام دهید و چیزی از آن را کوچک نشمارید که کوچک آن، بزرگ و اندک آن بسیار است.» (۳) و نیز «از بخشش کردن اندک شرم نکن؛ که محروم شدن از آن، بی ارزش تر و ناچیزتر است.» (۴)

بنابراین، شرم از حق گویی در مقام مشاوره و نصیحت، شرم از پرداخت به نیازمند در حضور دیگران، شرم از میانجی گری در کار دیگران و شرم از امر به معروف و نهی از منکر و هدایت گری، ناپسند است و سدّ راه رسیدن به آثار و برکات دنیوی و اخروی این اعمال و مانع انجام وظیفه دینی انسان خواهد بود.

(د) فراموشی مرگ و قیامت

باورداشتن روز قیامت و حساب رسی در آن روز و پاداش نیکو در بهشت برای نیکوکاران و مجازات دردناک دوزخ برای گنه کاران، یک پایه اعتقادی همه ادیان آسمانی است. این حقیقتی مهم است که همه در این دنیا مسافرانی هستند که باید برای اقامت در وطن اصلی خود که همان سرای آخرت است، زاد و توشه بردارند و فراموشی این حقیقت، آفت بزرگی برای آدمی است که او را به سوی دنیادوستی و آزمندی و غرق شدن در گناهان می کشاند. باور داشتن جهان جاودانه آخرت، مهم ترین بازدارنده از گناهان و زشتی ها و مهم ترین انگیزه برای درست کاری و نیکوکاری و گره گشایی از گرفتاری های دیگران است. حضرت عیسی (ع) در مکاشفه ای، حقیقت این دنیا را به صورت

ص: ۹۱

۱- . بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۴۹.

۲- . غرر الحکم، ۸۶۵۰.

۳- . نهج البلاغه، حکمت ۴۲۲.

۴- . همان، حکمت ۶۷.

پیرزنی دید که دندان هایش ریخته و همه زیورها را به خود آویخته است. به او گفت: «چند شوهر اختیار کرده ای؟» گفت: «نشمرده ام.» حضرت فرمود: «شوهرانت همه مرده اند یا تو را طلاق داده اند؟» دنیا گفت: «نه، بلکه همه شان را کشته ام!» حضرت عیسی (ع) فرمود: «بدا به حال شوهران آینده تو که از شوهران پیشینت عبرت نگرفتند. آنان را چگونه یکی پس از دیگری کشتی و ایشان از تو دوری نجستند. دل بر این عجزه میند؛ که این عجزه، عروس هزار داماد است.» (۱) یاد معاد، زنگار غفلت و آزمندی و قساوت را از دل ها می زداید و چون دل ها نرم شد، بندگی خداوند و نیکوکاری در حق مردم برای ایشان آسان می شود.

۲. موانع اجتماعی

الف) دولتی پنداشتن کارکردهای خدماتی و اجتماعی

یکی از چیزهایی که برخی افراد را از گره گشایی باز می دارد، این است که تصور می کنند برآوردن نیازهای مادی و معنوی مردم، مانند خوراک و پوشاک، اسباب ازدواج و کار، حل اختلاف های خانوادگی و اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر، تنها بر عهده دولت اسلامی است و افراد جامعه نسبت به آن مسئولیتی ندارند. البته باید توجه داشت که توان دولت اسلامی محدود است و هرگز نمی تواند تمام نیازهای مادی و معنوی مردم را برآورد. اگر هم بتواند، جز در سایه هم دلی و هم یاری عموم مردم ممکن نیست. پس در کنار خدمات دولت اسلامی، تک تک افراد جامعه نیز باید به اندازه توان خود، در رفع مشکلات هم نوعان و هم کیشان خود گام بردارند.

یکی از روش های مؤثر که در صدا و سیما به آن می توان پرداخت، بازتاب دادن مواردی است که شخصی، خانواده ای یا مردم محله یا

ص: ۹۲

روستایی گرفتار مشکل شده اند و هیچ اقدامی برای حل آن صورت نگرفته است. در این گونه پیشامدها، به طور معمول صدا و سیما به سراغ مسئولان می رود و از آنها پاسخ می خواهد. البته این کار تنها یک جنبه از آسیب شناسی موضوع است، ولی خود، آسیب دیگری را پدید می آورد که اگر در همه مشکلات تنها، به سراغ مسئولان بروند، در ذهن مردم، دولتی انگاشتن خدمت به مردم و گره گشایی از امور دیگران نهادینه می شود. درست است که برخی از گره ها، تنها به دولت مربوط می شود و باید به دست دولت باز شود، ولی باید توجه داشت بسیاری از مشکلات نیز با مشارکت مردمی و نیکوکاران حل شدنی است. اگر رسانه ملی در این زمینه، تبلیغ و اطلاع رسانی شایسته انجام دهد، می تواند مردم را به سوی مشارکت عمومی جذب کند.

کار خیر از هر که سر بزند، پاداش آن ویژه خود اوست. پس اگر در گرفتاری های مردم، افراد جامعه قدم پیش بگذارند و گره گشایی کنند، اجر و قرب ربوبی بهره آنان خواهد شد. اگر کوتاهی کنند و دولت اسلامی آن خدمت را انجام دهد، مردم از ثواب آن محروم خواهند شد و دولت مردان و کارگزاران آنها تنها در پاداش گره گشایی سهم خواهند بود. حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

کار خیر را انجام دهید و چیزی از آن را اندک نشمارید و کسی از شما نگوید که دیگری به انجام خیر از من سزاوارتر است. همانا خیر و شر [هر کدام] اهلی دارد که اگر شما، خیر را ترک کردید، اهل خیر آن را انجام خواهند داد. (۱)

(ب) مشکلات دوران مدرنیته

ص: ۹۳

۱- . نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ناصر، قم، ۱۳۸۴، حکمت ۴۲۲.

پیشرفت های صنعتی دنیای امروز در کنار رفاه مادی که برای بشر به ارمغان آورده، پی آمدهای نامطلوب فرهنگی و مادی و اجتماعی چندی نیز به همراه داشته است. از سویی، جهت گیری حرکت دنیای مدرن امروز به سوی فردگرایی و حفظ منافع فردی است که نتیجه آن، پرورش آزمندی و بخل در وجود آدمی خواهد بود و سدّ راه خدمت و دیگرخواهی می شود. از سوی دیگر، تبلیغات گسترده کالاهای لوکس و تجملاتی به پیدایش نیازهای کاذب و تجمل گرایی در افراد می انجامد. نتیجه طبیعی این نیاز کاذب آن است که دیگر کسی غم دیگران را نمی خورد و افراد در پی برآوردن نیازهای دیگران بر نمی آیند، بلکه سر در کار خود فرو می برند و از حال دیگران غافل می شوند.

دنیای امروز به صورت های گوناگون به سست کردن نهاد خانواده و روابط خویشاوندی همت گماشته است. پیداست که با سست شدن پایه های زندگی خانوادگی، مهر و محبت ها جای خود را به بی مهری ها، کینه ها و دشمنی ها می دهد.

ریشه اصلی مشکلات دنیای امروز در دین گریزی و خداانکاری و نفی معنویت در زندگی انسان است که لازمه آن، دنیاپرستی و خودپرستی است. در این صورت، برادری و برابری جای خود را به خودخواهی و فردگرایی و هم دردی، جای خود را به درد بی دردی می دهد.

۱. تغییر نگرش

اشاره

ناآگاهی از ارزش گره گشایی در اسلام و آثار و برکات آن، یکی از علل پرداختن عملی به این موضوع مهم است؛ زیرا تا چیزی برای انسان اهمیت نداشته باشد، برای انجام دادن آن انگیزه کافی ندارد. از این رو، برای هنجارسازی در این زمینه، لازم است تبلیغات گسترده ای صورت گیرد. همچنین باید با پژوهش های گسترده و جهت دادن به برخی پژوهش های علمی و پایان نامه های دانشگاهی برای پرداختن به این موضوع، جنبه های علمی مسئله تبیین شود. در اینجا، سه نمونه از نگرش های صحیح را که در رو آوردن به گره گشایی اثر شگرفی دارد، یادآوری می کنیم:

الف) نعمت دیدن حاجت خواهی مردم

برخی ثروتمندان چنین عادت دارند که چون شخص نیازمندی به سوی آنها می آید، ناراحت می شوند و رو ترش می کنند، گویا بلایی

آسمانی بر آنها فرود می آید. گاه نیز شکوه می کنند که هر چه بدبخت است، به سراغ ما می آید. در مقابل، انسان های مؤمن و پرورش یافته مکتب قرآن و مدرسه اهل بیت (علیهم السلام) نیاز مردم را به چشم نعمت و رحمت الهی می بینند که به آنها رو کرده است. بنابراین، با روی باز و دستان گشاده در حل گرفتاری مردم می کوشند و از هیچ خدمتی دریغ نمی کنند. امام علی (علیه السلام) که الگوی والای ایثار بود، می فرماید:

نیازهای مردم به سوی شما، نعمتی الهی است بر شما. پس آن را غنیمت شمیرید و از آن ملول نشوید که به نعمت بدل می شود. (۱)

همچنین امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کسی که مؤمن نیازمند را رد کند، رحمت خداوند را از خود رد کرده و کسی که حاجت مؤمن را برآورد، رحمت الهی را پذیرفته است. (۲)

به جان پذیرفتن این دیدگاه، تحولی عمیق در وجود انسان پدید می آورد که سبب آسان شدن گره گشایی او می شود.

ب) آزمایش دیدن نعمت های الهی

از دیدگاه قرآن کریم، همه نعمت های الهی همچون مال و سلامتی و عقل و دانش، وسیله آزمایش انسان است. (۳) چنین نیست که اگر خداوند به کسی نعمتی ارزانی کرد، نشانه محبوب بودن و عزت ذاتی او نزد خداوند باشد و بتواند آن نعمت را در هر راهی که دل خواه خودش باشد، به کار برد، بلکه «بر هر نعمت، شکری واجب» است، ولی شکر نعمت های الهی به چیست؟ در پاسخ می گوییم که شکر نعمت های الهی به این است که انسان آنها را در راه رضای او به کار برد و یکی از آن راه ها، به کار بردن نعمت ها در راه خدمت به مردم و

ص: ۹۶

۱- میزان الحکمه، ح ۱۰۳۰۱.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۴، به نقل از: کافی.

۳- نك: تغابن: ۱۵؛ فجر: ۱۵ - ۲۴.

گره گشایی از کار آنهاست و چنان که پیش تر گفتیم، این کار رضایت و شادی خداوند و پیامبر را در پی دارد.

اگر این دیدگاه در جامعه نهادینه شود، نیازمند و گرفتاری در جامعه باقی نخواهد ماند. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

خداوند سبحان، قوت فقیران را در اموال ثروتمندان واجب گردانده است. پس جز به سبب بهره مندی غنی، فقیری گرسنه نماند و خداوند از آن [در قیامت] پرسش خواهد کرد. (۱)

دیدگاه بنده مؤمن خدا این است که مال و ثروت و هر نعمت خدایی، امانتی است که برای چند روزی در دست اوست و باید آن را در همان راهی که مالک حقیقی آن فرمان می دهد، مصرف کند.

ج) ترویج انفاق

خداوند وعده داده است که «اگر در راه من انفاق کنید، من جای گزین آن را به شما می دهم.» (سبأ: ۳۹) بنا براین، «اگر کسی مالی را از راه حلال به دست آورد و در راه حق انفاق کند، خداوند، عوض آن را در همین دنیا هم به او خواهد داد.» (۲) کسی که به این وعده الهی ایمان داشته باشد، آسان و نیکو بخشش می کند. (۳) پس یکی از راه کارهای رفع موانع گره گشایی، مانند بخل و آزمندی، ایجاد این باور در مردم است که اگر مال، اندیشه، عمر و نیروی خود را در راه خدا مصرف کردند، نه تنها در این دنیا چیزی از دست نداده اند، بلکه پاداش آخرت را نیز به دست آورده اند و این تجارت و معامله با خداوند است که زیانی در آن راه ندارد.

ص: ۹۷

۱- . نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.

۲- . منتخب میزان الحکمه، ص ۵۱۳.

۳- . نک: نهج البلاغه، حکمت ۱۳۸.

۲. فراگیر شدن سنت قرض الحسنه

چنان که گفتیم در دین مبین اسلام، قرض دادن جایگاه ویژه ای دارد و ارزش آن بیش از صدقه معرفی شده است. (۱) اگر این سنت نیکوی اسلامی در جامعه فراگیر شود که متأسفانه در جامعه اسلامی ما مهجور مانده است، بسیاری از گرفتاری های مادی و در پی آن، گرفتاری های روحی مردم برطرف خواهد شد. اگر بانک ها و مؤسسه های مالی، دست کم بخشی از فعالیت مالی خود را به این امر اختصاص دهند که وام های بدون بهره پرداخت کنند و مردم نیز پول خود را بدون بهره در اختیار آن مراکز قرار دهند، افزون بر حل شدن نسبی مشکلات کلان اقتصادی جامعه مانند گرانی، مشکلات خرد مردم نیز به بهترین شکل حل خواهد شد. ربا گرفتن در قرض حرام است. حتی اگر اسلامی بودن ساختار بانکی کشورمان را بپذیریم، ترک کردن سنت قرض الحسنه اسلامی از سوی آنان پذیرفتنی نیست.

۳. درخواست معرفی حکم از همسران هنگام درخواست طلاق

یکی از راه کارهایی که می تواند برای جلوگیری از افزایش طلاق و حل اختلاف های خانوادگی مؤثر باشد، جامه عمل پوشاندن به آیه ۳۵ سوره مبارکه نساء است. این آیه کریمه در موارد اختلاف های خانوادگی، دستور می دهد که داوری (حکم) از اهل زن و داوری از اهل مرد معرفی شوند و موضوع اختلاف زن و شوهر را بررسی کنند. در صورتی که حل شدنی باشد، میان آن دو صلح و آشتی برقرار کنند و گرنه آن دو از هم جدا شوند.

۴. تبدیل شدن مسجدها به کانون های گره گشایی محلی

همچنان که می دانیم مسجد در اسلام جایگاه والایی دارد. مسجد افزون بر مرکز عبادی مسلمانان، کانون بررسی و حل مشکلات اجتماعی نیز به شمار می رود. در صدر

اسلام، مسجدها حتی پایگاه بسیج رزمندگان

ص: ۹۸

برای فرستادن به جبهه ها بودند. بعدها مسجدها به مراکز علمی و فرهنگی جهان اسلام نیز تبدیل شدند. با توجه به شرایط فرهنگی حساس در دوران کنونی، ضروری است که مسجدها همچون قرن های آغازین اسلام، احیا و به مرکز فعالیت های علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تبدیل شوند. همچنین باید در هر محله و منطقه ای، مسجدی وجود داشته باشد که معتمدان هر محل، با همکاری نمازگزاران، مساجد را به کانون های گره گشایی تبدیل کنند و با مشارکت دولت و افراد نیکوکار به حل مشکلات مردم آن محل پردازند. کانون های مشاوره و امداد باید در مسجدها یا در کنار آنها تشکیل شود تا مردم به دستورهای اسلام در زمینه گره گشایی مادی و معنوی عمل کنند. عملی کردن این راه کار، دیدگاه مردم را نسبت به دولتی پنداشتن خدمات عمومی و اجتماعی تغییر می دهد و همگان را در سنت های نیکوکاری اسلامی شریک می سازد.

۵. تبلیغ و ترویج سنت نیکوی صله رحم

خانواده، نخستین و مهم ترین نهاد اجتماعی در اسلام است. در دین مقدس اسلام بر تحکیم روابط خویشاوندی یا صله رحم تأکید فراوانی شده است. تا جایی که به فرموده قرآن کریم، گسستن این پیوند، سبب دوری از رحمت خداوند و گرفتار شدن به لعنت او خواهد شد. (۱) از نظر اسلام، معنای صله رحم، تنها دید و بازدید نیست، بلکه بخشی از صله رحم این است که اگر فردی مشکل مادی یا روحی یا معنوی داشت، خویشاوندانش او را یاری کنند. بنابراین، باید تبلیغ و زمینه سازی شایسته برای عمل به این سنت نیکوی دینی و انسانی صورت گیرد تا جایگاه فراموش شده خود را در میان مسلمانان باز یابد. تشکیل صندوق های نیکوکاری و قرض الحسنه در هر فامیل و برگزاری

ص: ۹۹

۱- نک: بقره: ۲۷؛ نک: تفسیر المیزان، ذیل این آیه.

دید و بازدیدهای زمان بندی شده برای همه فامیل، راه کارهایی برای عمل به این دستور دینی است.

۶. جهت دهی درست به نیکوکاری

یکی از آفت هایی که همواره بر سر راه گره گشایی وجود دارد، نسنجیدن اولویت های گره گشایی است. تبلیغات مناسب و دادن اطلاعات لازم به نیکوکاران سبب می شود که اولویت ها، مشخص و سپس گره گشایی انجام شود. برای مثال، در یک شهر با وجود هزاران جوان بی کار و مجرد، ساختن مسجدهای بزرگ نزدیک به هم و پرداختن به زیباسازی مسجدها و ساختمان های دولتی، کاری عاقلانه به نظر نمی رسد. در منطقه ای که مردم آن از گرسنگی در عذابند، رها کردن مردم به حال خود و زیباسازی منطقه و فضاهای تفریحی، کاری غیرمنطقی است.

خانه از پای بست وی ران است

خواجه در بند نقش ایوان است

بنابراین، ضروری است که مراکز قوی اطلاع رسانی به مردم در زمینه انجام کارهای خیر وجود داشته باشد تا اولویت ها سنجیده شود.

۷. توسعه مراکز نیکوکاری

شکی نیست که یکی از پربرکت ترین نهادهای انقلابی، کمیته امداد امام خمینی (ره) است که گسترده ترین مرکز گره گشایی مادی از محرومان و مستضعفان جامعه به شمار می رود. باید با حمایت بیشتر دولت و مردم از این مرکز و مرکزهای خیریه موفق، زمینه بی نیازی، کار و ازدواج همه محرومان جامعه فراهم آید.

ص: ۱۰۰

۱. اخلاص و تقوا

مهم ترین شرط پذیرفته شدن همه عبادت ها و تکلیف های دینی نزد خداوند، اخلاص است. اخلاص؛ یعنی کارها را تنها برای خداوند انجام دادن و تنها رضای او را طلب کردن. از دیدگاه دینی، هر کاری که به انگیزه غیر خدایی انجام شود، پوچ و بی اعتبار خواهد بود. عمل پسندیده گره گشایی نیز از این اصل برکنار نیست. بنا براین، نخستین و مهم ترین شرط گره گشایی، خالص کردن نیت و انگیزه این کار برای خداست. اگر قصد ریا و خودنمایی و انگیزه شهرت یا چشم داشت مادی در آن راه یابد، آن را بی اعتبار می کند. بزرگان دین سفارش می کنند که در فرمان بری خداوند، حتی در اندیشه پاداش نباشید و کارهای خود را فقط به خاطر خدا و به عشق او انجام دهید:

گر از دوست، چشمت بر احسان اوست

تو در بند خویشی، نه در بن دوست (۱)

آن گاه که اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، سه شب افطاری شان را که با دست رنج خود تهیه کرده بودند، به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند، چنین گفتند: «إِنَّمَا نَطْعُمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ؛ ما تنها برای کسب رضای خداوند به شما طعام می دهیم و از شما پاداش و سپاس گزاری نمی خواهیم». (انسان: ۹):

ص: ۱۰۱

«احسان به مردم باید بر اساس خداخواهی باشد. هزینه فرزندانمان را چگونه می پردازیم و قربان و صدقه آنها هم می رویم؟ پدر و مادر، عاشق فرزند خردسال خود است و از روی خاطرخواهی برای او خرج می کند [نه برای اینکه کودک برای آنها کاری انجام دهد] حال چرا با خداوند متعال این گونه معامله نمی کنیم؟ چرا به اندازه فرزند خود به او عشق نمی ورزیم؟ و اگر گاهی هم به کسی احسانی می کنیم، برای پاداش آن کیسه می دوزیم»^(۱)

کاری که برای خداوند انجام می گیرد، نشانه هایی دارد، مانند علاقه نداشتن به تعریف و ستایش مردم. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کار خالص آن است که نخواهی کسی جز خداوند، تو را بر آن کار ستایش کند»^(۲)

خداوند متعال در حدیث قدسی فرموده است:

من برترین شریک هستم. هر کس در عملش برای من شریک آورد، [همه آن را به شریکم واگذار می کنم و] آن را نمی پذیرم، جز آنچه خالص برای من باشد.^(۳)

از سوی دیگر، کسی که کار خیری انجام می دهد، چه چیزی بالاتر از اینکه پاداش بزرگی نزد خداوند دارد. بنا براین، چرا انتظار داشته باشد مردم تلاشش را جبران و از او سپاس گزاری کنند.^(۴) آیا این چشم داشت مادی ناشی از کوتاه فکری نیست؟ خداوند بزرگ، تنها عملی را می پذیرد که برای او و بر اساس پرهیزکاری انجام شده باشد.

۲. رعایت حدود شرعی

ص: ۱۰۲

۱- . برگرفته از: کیمیای محبت، ص ۲۱۸.

۲- . کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۳- . مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۰۰.

۴- . نک: منتخب میزان الحکمه، ص ۳۴۲، ح ۴۱۷۶، برگرفته از متن حدیث.

به این داستان توجه کنید: «در زمان امام صادق(علیه السلام) مدتی بود که در میان عوام، شخصی به تقوا و دین داری معروف شده بود. امام صادق(علیه السلام) به این فکر افتاد که آن شخص را از نزدیک ببیند. روزی به طور ناشناس نزد او رفت و دید که وی ژست های عوام فریبانه می گیرد و ارادتمندان، اطرافش غوغایی به پا کرده اند. او از مردم جدا شد و به تنهایی به راه افتاد. امام آهسته او را تعقیب کرد. طولی نکشید که آن مرد، مقابل دکان نانوايي ایستاد. امام با کمال تعجب دید که وی به محض غفلت صاحب دکان، دو نان برداشت، زیر جامه خود مخفی کرد و به راهش ادامه داد. باز در برابر بساط یک میوه فروش ایستاد. آنجا نیز دو انار برداشت، پنهان کرد و راه افتاد تا به سراغ یک نفر بیمار رفت و نان ها و انارها را به او داد و رفت. در این هنگام امام خود را به آن مرد رساند و گفت: «من امروز کار عجیبی از تو دیدم.» سپس از او توضیح خواست. وی نگاهی به چهره امام کرد و گفت: «خیال می کنم تو جعفر بن محمد باشی. امام فرمود: «آری، درست حدس زدی.» آن مرد گفت: البته تو فرزند رسول خدایی و دارای شرافت نسبی هستی، ولی افسوس که این اندازه نادانی. امام گفت: «چه جهالتی از من دیدی؟» گفت: همین پرسش ها که می کنی، از منتهای جهالت است. مگر نمی دانی که خداوند در قرآن فرموده است: «هر کس کار نیکی کند، ده برابر پاداش دارد و هر کس کار بدی کند، فقط یک برابر کیفر دارد؟» من در برابر دزدیدن دو عدد نان و دو انار چهار خطا کردم، ولی از طرف دیگر، آنها را در راه خدا دادم که چهل حسنه نصیب من می شود. امام فرمود: «خدا تو را مرگ بدهد، نادان تویی که به خیال خود این گونه حساب می کنی. مگر نشنیده ای که خداوند می فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خدا تنها عمل پرهیزکاران را می پذیرد.» حالا یک حساب بسیار ساده کافی است که تو را به اشتباهت آگاه کند. تو به اعتراف خودت چهار گناه مرتکب شدی و چون مال مردم را به نام صدقه و

احسان به دیگران دادی، نه تنها حسنه ای نداری، بلکه به عدد هر یک از آنها، چهار گناه دیگر مرتکب شدی. پس در مجموع هشت گناه داری و حسنه ای هم نداری. امام این جمله را گفت و در حالی که چشمان بهت زده او به صورت امام خیره شده بود، او را رها کرد و بازگشت» (۱).

بنابراین، شخص گره گشا باید در کنار انجام اعمال نیکوکارانه، از مرزهای شرعی تجاوز نکند. برای مثال، انسان گناه کاری را فرض کنید که مرتکب گناهی شده است که مجازات او حد شرعی، تازیانه یا اعدام است. در این شرایط میانجی گری نسبت به او کار پسندیده ای نیست؛ چون اگر حدود و احکام شرعی تعطیل شود، جامعه به سوی فساد، گناه و تباهی کشیده می شود.

ترحم بر پلنگ تیز دندان

جفاکاری بود بر گوسپندان

رسول اعظم اسلام (صلی الله علیه و آله) نیز از میانجی گری در حدود شرعی نهی می کرد. ایشان می فرماید:

کسی که در حدی از حدود الهی واسطه گری کند تا در بی اثر کردن حدود الهی بکوشد، خداوند در روز قیامت، او را عذاب خواهد کرد. (۲)

تصور کنید فردی که با قاچاق مواد مخدر، صدها جوان پاک را به دام اعتیاد می کشاند و آنان را از زندگی و کار باز می دارد، چه خیانتی به جامعه می کند؟ آیا چنین کسی شایستگی این را دارد که اگر به دام قانون افتاد، از او میانجی گری کنیم و این کار چه بازتابی در جامعه دارد؟

قرار بود حضرت علی (علیه السلام) بر مردی از قبیله بنی اسد حدی را جاری کند. بستگان آن مرد نزد امام حسین (علیه السلام) رفتند و خواستند که از پدرش

ص: ۱۰۴

۱- داستان راستان، ج ۱، داستان ۶۴.

۲- میزان الحکمه، ص ۱۰۴۸، ح ۳۴۲۱.

بخواهد تا آن مرد را ببخشد، ولی امام حسین (علیه السلام) از پذیرش و خواست آنها سرباز زد. باز سراغ امیرمؤمنان علی (علیه السلام) رفتند و درخواست خود را بازگو کردند. وی فرمود: «هر چه که من اختیار آن را داشته باشم و از من بخواهید، من به شما خواهم داد.» بنی اسد خوش حال و شادان از خدمت علی (علیه السلام) مرخص شدند و در میان راه با امام حسین (علیه السلام) برخورد کردند و موضوع را به او گفتند. ایشان فرمود: «اگر با آن خویشاوند خود کاری دارید، سراغش بروید، شاید کارش پایان یافته باشد.» آنان بازگشتند و با کمال شگفتی دیدند که حضرت علی (علیه السلام)، حد تازیانه را بر او جاری کرده است. پرسیدند: ای امیر مؤمنان! مگر به ما وعده بخشش او را ندادی؟ حضرت فرمود: «من به شما قول دادم که از آنچه اختیار آن را دارم، درگذرم، ولی حد الهی چیزی است که من اختیاردار آن نیستم [، بلکه قانون الهی است که هیچ کس حق مسامحه و گذشت از آن را ندارد.]» (۱) بزرگان دین، همچون امیرمؤمنان، آن گاه که پای حق شخصی خودشان در میان بود، به آسانی و بزرگوارانگی گذشت می کردند، ولی آنجا که حقوق و حدود الهی مطرح بود، کمترین کوتاهی را روا نمی داشتند. ایشان با فتنه گران و فسادگران اجتماعی بسیار جدی رفتار می کردند و واسطه گری هیچ فرد و گروهی را نمی پذیرفتند.

هنگامی که اسامه واسطه شد تا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از یکی از بستگانش که دست به سرقت زده بود، بگذرد، ایشان با رد درخواست او (۲) فرمود:

امت های گذشته نابود شدند؛ چون یکی از بزرگانشان دزدی می کرد، او را وامی گذاشتند و حد بر او جاری نمی کردند، ولی وقتی ضعیف و بیچاره ای مرتکب این عمل می شد، حد او را جاری می کردند. (۳)

ص: ۱۰۵

۱- همان، ص ۱۰۴۸، ح ۳۴۲۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۴۳.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۷.

انسان در کارهای خیرخواهانه نباید پای خود را از محدوده شرع فراتر بگذارد و به بهانه هدف، وسیله را توجیه، حرامی را حلال و حلالی را حرام کند. برای مثال، به بهانه نصیحت و خیرخواهی نباید به دخالت در امور شخصی دیگران پردازد. (۱) همچنین نباید به بهانه هدایت کردن گناه کاران، در مجالس گناه، با آنان همراهی کند یا به بهانه امر به معروف و نهی از منکر، آبروی دیگران را بریزد یا بدون مجوز شرعی به ضرب و جرح آنان پردازد و نمونه های فراوانی که می توان با کمی تأمل به آن رسید.

۳. حفظ حرمت و آبروی افراد

یکی از آفت های بزرگی که عمل نیکوی گره گشایی را تهدید می کند، ریختن آبروی افراد است. داشتن آبرو و احترام در میان مردم، یکی از نیازها و ضرورت های اجتماعی زیستن انسان هاست که همگان برای بقای زندگی اجتماعی به آن نیازمندند و هیچ کس حتی خود انسان، حق از میان بردن آن را ندارد. (۲) بیشتر مردم روحیه ای دارند که نمی خواهند دیگران از مشکلات آنها باخبر شوند؛ چون می ترسند در این صورت، عزت و آبروی شان در جامعه خدشه دار شود. پس بر گره گشاست که در کنار عمل خداپسندانه گره گشایی، حفظ آبروی افراد را در نظر بگیرد تا مبادا پاداش الهی خود را با ریختن آبروی افراد تباه کند. قرآن کریم از سویی اعلام می کند که برای صدقه ها، هفتصد برابر و بیشتر پاداش داده می شود (۳) و از سوی دیگر، منت گذاشتن و آزار

ص: ۱۰۶

۱- «و لا تجسسوا؛ تجسس نکنید.» نك: حجرات: ۱۲.

۲- کافی، ج ۵، ص ۶۳. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «خداوند عزوجل همه امور مؤمن را به او واگذار کرد، ولی خوار کردن خودش را به او واگذار نکرد. آیا سخن خدا را نشنیده ای که عزت فقط برای خدا و رسولش و مؤمنان است؟» (منافقین: ۸)

۳- نك: بقره: ۲۶۱.

نیازمندان را باطل کننده و بی اثرکننده صدقه ها می داند؛^(۱) چون منت گذاشتن و آزار دادن آنان، نوعی شکستن شخصیت و حرمت آنهاست. کسی که به دیگری کمک فکری یا مالی یا بدنی می کند، باید خداوند متعال را ولی نعمت اصلی بداند و هیچ گونه حق منت گذاری برای خود نبیند.

یکی از راه کارهای آبروداری، پنهان کاری است. برخی نیازمندان چنان آبروداری می کنند که اگر کسی از اوضاع و احوال آنها بی خبر باشد و تنها وضع ظاهری شان را ببیند، گمان می کند که اینها بی نیازند.^(۲) چنین کسانی حاضر نیستند هرگز کرامت انسانی و آبروی خود را با چیزی عوض کنند و حتی مرگ شرافتمندانه را از زندگی همراه ذلت و پستی بهتر می دانند. روشن است که چنین کسانی، تنها کمکی را می پسندند که پنهانی و آبرومندانه باشد.

خداوند با اینکه صدقه دادن آشکار را کاری نیکو می داند، در قرآن کریم می فرماید: «اگر صدقه ها را پنهانی به نیازمندان بدهید، بهتر است و گناهان شما آمرزیده می شود.» (بقره: ۲۷۱) علامه طباطبایی (ره) در تفسیر این آیه مبارکه می فرماید:

پنهان کاری در صدقه بهتر از صدقه آشکار است؛ چون بدین گونه آبروی افراد حفظ می شود. صدقه آشکار هم البته خوب است؛ چون سبب تشویق دیگران به انفاق می شود، ولی در مجموع، صدقه پنهان بهتر است.^(۳)

به نمونه ای از آبروداری پیشوایان دینی توجه کنید: «بادیه نشینی وارد شهر مدینه شد. از مردم پرسید: کریم ترین مردم این شهر کیست؟ او را نزد امام حسین (علیه السلام) راهنمایی کردند. به مسجد رفت و امام حسین (علیه السلام) را در حال نماز دید. در برابر او ایستاد و اشعاری سرود

ص: ۱۰۷

۱- . نک: بقره: ۲۶۴.

۲- . نک: بقره: ۲۷۳.

۳- . نک: بقره: ۲۷۱.

که معنای آن چنین بود: «کسی که به تو امید داشته باشد و حلقه در خانه تو را بزند، ناامید نمی شود. تو بخشنده و تکیه گاه مردمی...». امام حسین (علیه السلام) پس از پایان نماز به همراه آن مرد به خانه رفت و به غلامش قنبر فرمود: آیا از مال حجاز چیزی باقی مانده است؟ گفت: آری، چهار هزار دینار. امام فرمود: «آن را بیاور که از ما به آن سزاوارتر آمده است.» قنبر سکه های طلا را آورد. امام عباى خودشان را برداشت و پول ها را در آن پیچید و از شکافِ در، دستشان را خارج کرد و پول ها را به آن بادیه نشین داد. در پاسخ اشعار او، این اشعار را فرمود: «این را بگیر. من از تو پوزش می خواهم [به خاطر اندک بودن عطایم] و بدان که من تو را دوست دارم. اگر حکومت در دست ما بود، دست بخشش ما بر شما ریزان بود، ولی [افسوس که] حوادث زمان امور را دگرگون کرده و [بدان سبب] بخشش من اندک است.» آن مرد در حالی که می گریست، سکه ها را گرفت. امام به او فرمود: «شاید آنچه به تو دادیم، برای تو اندک است.» گفت: خیر، ولی چگونه جود و سخاوت تو [با رفتنت] زیر خاک خواهد رفت». (۱)

باز هم نمونه دیگری از حفظ کرامت انسانی و آبروداری را از زندگی امام حسین (علیه السلام) ببینید: «مردی خدمت امام حسین (علیه السلام) آمد و از آن حضرت چیزی خواست. امام به او فرمود: «ای برادر انصاری! آبروی خود را با درخواست مریز و حاجت خود را در نامه ای بنویس که من ان شاء الله تعالی اسباب خوش حالی تو را فراهم خواهم کرد.» مرد انصاری حاجت خود را در نامه این گونه نوشت: «ای ابا عبدالله! فلانی پانصد دینار از من طلب کار است و برای دریافت طلب خود مرا تحت فشار قرار داده است. شما به او بگویید تا به من مهلت دهد...». امام حسین (علیه السلام) وقتی نامه را خواند، داخل خانه شد و کیسه در بسته ای را که

ص: ۱۰۸

در آن هزار دینار بود، آورد و به آن مرد داد و فرمود: «با پانصد دینار آن بدهی خود را بده و پانصد دینار آن را برای خود خرج کن» و در پایان فرمود: «حاجت خود را تنها نزد این سه نفر ببر: دین دار، با مروت و جوان مرد، حسب و نسب دار؛ چون دین دار برای حفظ دینش از رفع حاجت تو دریغ نمی کند و جوان مرد به سبب جوان مردی اش از رد کردن تو شرم می کند و حسب و نسب دار می داند که تو از آبروی خود در راه حاجت خرج کرده ای. پس او برای حفظ آبرویت، بی آنکه حاجت را برآورد، تو را باز نمی گرداند».(۱)

حاجت خواستن چهره به چهره و رو در رو نوعی خواری برای شخص درخواست کننده به همراه دارد و با نیازخواهی مکاتبه ای این عیب برطرف می شود.

در زمانی دیگر، چون شخصی در راه مانده از حضرت امام رضا(ع) کمک خواست، وارد اتاق شد و دو دست دینار به آن شخص داد و فرمود: «این را در مخارجت هزینه کن و از اینجا برو که چشمت در چشم من نیفتد.» پس چون یکی از یاران امام علت این امر را جویا شد، امام فرمود: «از ترس اینکه مبدا ذلت سؤال را به سبب روا کردن حاجتش در چهره اش بینم، خود را از او پوشاندم. آیا حدیث رسول خدا(صلی الله علیه و آله) را نشنیده ای که پنهان کننده خوبی، کارش با هفتاد حج برابر است. ظاهر کننده بدی خوار و وانهاده [از رحمت خداوند] است و پنهان کننده بدی [گناهانش] آمرزیده است».(۲)

ص: ۱۰۹

۱- بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۸.

۲- کافی، ج ۴، ص ۲۳؛ بحارالانوار، ج ۴۹، ص ۱۰۱.

گفتنی است نهادهای خدمت رسان همچون کمیته امداد امام خمینی (ره)، در کنار کار بزرگی که انجام می دهند، باید به حفظ آبروی نیازمندان توجه بیشتری داشته باشند؛ چون گاه دیده شده است که برای مثال، عروس و دامادهایی که از کمیته امداد جهیزیه دریافت کرده اند یا مستمندانی که در ماه مبارک بر سر سفره افطار کمیته نشسته اند، به نمایش گذارده می شوند و ممکن است چهره اجتماعی این افراد، خدشه دار شود. پس باید درباره این مسئله دقت و ظرافت بیشتری به خرج دهند. از این رو، امام خمینی (ره) فرمود: «کمیته امداد، کاری شریف و لطیف و ظریف دارد».

مطلب مهم دیگر اینکه گره گشایی در نیازهای مادی و معنوی باید با رازداری و امانت داری انجام شود. گره گشا باید گرفتاری دیگران را همچون راز و امانت نزد خود نگه دارد. از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) روایت شده است که فرمود: «افشای راز برادر دینی ات، خیانت است. پس از آن پرهیز»^(۱). رعایت نکردن این اصل مهم در گره گشایی، چه بسا به ریختن آبروی افراد و آسیب دیدن حیثیت اجتماعی آنان بینجامد و در نهایت، زیان گره گشایی بیش از سود آن شود. البته رعایت این اصل درباره مشاوره دادن و نصیحت، اهمیت بیشتری می یابد؛ چون در مشاوره، گاهی خصوصی ترین رازها که مشورت گیرنده، حتی از نزدیک ترین کسان خود پنهان داشته است، در میان گذاشته می شود.

راه کار مهم دیگر برای حفظ کرامت انسانی و آبروی نیازمندان، کمک رسانی غیرمستقیم به آنان است؛ یعنی به جای اینکه پیوسته کمک های نقدی اندک به ایشان برسانیم، کاری کنیم که اصل نیازمندی آنان برطرف شود. برای مثال، با کارآفرینی یا وقف کردن ملک، برای همیشه آنان را بی نیاز کنیم. همچنین برای کمک به نیازمندان و گرفتاران، بهانه ای

ص: ۱۱۰

پیدا کنیم و به آن بهانه، مشکل آنان را به طور غیرمستقیم برطرف کنیم، چنان که امیرمؤمنان (علی) ع) گاه چاه یا زمینی را وقف خانواده خاصی می کرد و با این کار برای آنها درآمدی همیشگی به وجود می آورد. به نمونه ای از کمک غیرمستقیم در زندگی یکی از علمای دین توجه کنید:

«یک روز در نجف به دکان سبزی فروشی رفتم. دیدم مرحوم سیدعلی آقا قاضی، عارف بزرگ به مغازه آمده و خم شده و مشغول سوا کردن کاهو است، ولی بر خلاف معمول، کاهوهای پلاسیده را برمی دارد. سپس کاهوها را به صاحب دکان داد تا برایش بکشد. بعد آنها را زیر عبا گرفت و روانه شد. من که در آن زمان طلبه جوانی بودم، در پی ایشان رفتم و عرض کردم: آقا! از شما پرسشی دارم. شما چرا برخلاف همه، این کاهوهای نامرغوب را جدا کردید؟ ایشان فرمود: آقا جان من! این مرد فروشنده، شخصی بی بضاعت و فقیر است و من گه گاهی به او کمک می کنم، ولی نمی خواهم چیزی بلاعوض به او داده باشم تا اولاً- عزت و آبروی او از بین نرود و هم خدای ناخواسته عادت به مجانی گرفتن نکند تا در کسب و کار خود سست و بی انگیزه شود. برای ما فرقی ندارد کاهوی نازک و لطیف بخوریم یا از این کاهوها. من می دانستم که اینها خریداری ندارد. از این رو، برای جلوگیری از زیان دیدن او اینها را خریدم» (۱).

کمک های مستقیم به نیازمندان با همه خوبی هایی که دارد، آفت هایی نیز به بار می آورد. برای مثال، صدقه های مستقیم و بی رویه چه بسا ممکن است سبب گداپروری و تقویت روحیه در یوزگی در نیازمندان شود و آنان به این گونه زندگی کردن خو بگیرند و هیچ گاه در پی تلاش برای بی نیاز شدن از دیگران و ایستادن روی پای خود برنیایند. برای جلوگیری از این معضل اجتماعی، افزون بر موارد گفته

ص: ۱۱۱

شده به جای پرداخت کمک های اندک برای نیازهای ضروری به آنان می توان قرض های بلندمدت با بازپرداخت قسطی اندک داد تا به تجارت و سرمایه گذاری پردازند و اندک اندک خود کفا شوند. از این رو، در روایت های اهل بیت (علیهم السلام)، ثواب قرض دادن بیش از صدقه دادن معرفی شده است. (۱) شاید یک علت برتری قرض این باشد که کارگشایی قرض، به مراتب بیش از صدقه است.

۴. منت گذاشتن

خطر دیگری که در کمین گره گشاست و تلاش او را بی اثر می کند، منت گذاشتن بر کمک شونده است. در روایت های اسلامی آمده است که اگر کار پسندیده ای انجام دادید، آن را فراموش کنید؛ چون منت، سبب نابودی کار پسندیده (۲) و کور شدن آن می شود. خداوند در قرآن کریم به مؤمنان فرمان می دهد که بخشش های مالی خود را با منت گذاشتن بر نیازمندان باطل و بی اثر نکنید. مثل چنین کسانی مثل سنگی است که قدری خاک بر روی آن انباشته شده است (و آماده روییدن گیاه و بهره برداری است). پس باران تندی بر آن می بارد و خاک ها را می شوید و سنگ سختی باقی می ماند. (۳) منت گذاشتن مثل همان باران تند است که زمینه ثمردهی صدقه ها را می شوید و محو می کند.

شخصی در خدمت امام زین العابدین (ع) چنین دعا کرد: «خداوندا! مرا از خلقت بی نیاز کن.» امام زین العابدین (ع) به او فرمود: «چنین نیست که تو می خواهی [و گمان می کنی]. مردم به یکدیگر نیاز دارند [و قوام زندگی اجتماعی به یاری رسانی متقابل است و گریزی از آن

ص: ۱۱۲

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۱.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۳۹.

۳- نک: بقره: ۲۶۴.

نیست]، ولی چنین دعا کن و بگو: خداوندا! مرا از بُدان خَلقت بی نیاز کن. (۱)

در روایت دیگری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) «بُدان خَلق» به کسانی تفسیر شده اند که هنگام بخشش، منت می نهند و به گاه دریغ نعمت خود از تو، بر تو عیب می گذارند. (۲)

انسان های آزاده و رادمرد هیچ گاه حاضر نیستند زیر بار کوچک ترین منتی باشند. گفته اند یکی از ثروتمندان مبلغ زیادی پول به عنوان خمس نزد امام خمینی (ره) آورد و از ایشان خواست که به سبب پرداخت این مبلغ، امام وی را از پرداخت خمس ماشینش معاف بدارد. امام چون احساس کرد این شخص از پرداخت خمس مغرور شده است و گویا منتی بر امام دارد، فرمود: «شما بر ما منت ندارید، بلکه ما بر شما منت داریم؛ چون شما با دادن خمس نجات پیدا می کنید و مسئولیت مصرف آن به گردن ما می افتد. یا همه پولت را ببر یا همه خمست را بده».

۵. شتاب در کار

یکی دیگر از شرایط گره گشایی، شتاب در آن است. «درنگ کردن در همه جا نیکو و پسندیده است مگر در فرصت های پیش آمده برای کار خیر» (۳) شتاب داشتن در گره گشایی از چند جنبه اهمیت بیشتری دارد. اول اینکه فرصت پیش آمده ممکن است از دست برود و انسان، دیگر توان انجام آن کار را نداشته باشد. حضرت علی (علیه السلام) فرصت های خیر را به باد بهاری تشبیه کرده است که هر دو گذرا هستند. (۴) امام صادق (علیه السلام) فرمود:

پدرم [امام باقر (علیه السلام)] می گفت چون تصمیم بر انجام کار خیری

ص: ۱۱۳

۱- میزان الحکمه، ص ۱۳۲۴، ح ۴۴۹۱.

۲- همان، ص ۱۳۲۶، ح ۴۴۹۳.

۳- غرر الحکم، ص ۱۹۳۷.

۴- شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۳۱.

گرفتی، شتاب کن؛ چون تو نمی دانی که [در آینده] چه اتفاقی خواهد افتاد». (۱)

همچنین رسول گرامی اسلام می فرمود:

آنکه دری از خیر بر رویش باز شد، باید آن را غنیمت بشمارد؛ چون نمی داند کی بر روی او بسته خواهد شد [و چه بسا که به زودی بر رویش بسته شود].

از دیگر سو، چه بسا در صورت به تأخیر انداختن گره گشایی نیازمند، نیاز مادی یا معنوی وی از راه دیگری برآورده و در کار خود از ما بی نیاز شود و ما از درک این فضیلت بزرگ محروم شویم. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

کسی که از من حاجتی بخواهد، من در برآوردن آن شتاب می کنم تا مبادا از آن بی نیاز شود... (۲)

ایشان در جای دیگر فرمود:

من در برآوردن حاجت دشمنم شتاب می کنم از خوف اینکه اگر او را رد کنم، از من بی نیاز شود (۳) [و زمینه دوستی ما از بین برود].

دوستان را کج اکنی مح روم

تو که با دشمن این نظر داری

شیرینی کار خیر و گوارایی آن به زود انجام شدن است و سستی در انجام دادن آن ملال آور خواهد بود. هر کس با مراجعه به وجدان خود درمی یابد که دوست دارد خیلی زود به خیری برسد که در انتظار آن است و دیر به دست آمدنش را آزاردهنده می بیند. از این رو، در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «کامل شدن کار خیر به سه چیز بستگی دارد: زود انجام دادن، کوچک شمردن و پنهان کردن آن.» سپس افزود: «شتاب در کار خیر، سبب

ص: ۱۱۴

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۴۲.

۲- همان، ج ۷۷، ص ۲۸۶.

۳- میزان الحکمه، ص ۱۳۲۴، ح ۴۴۸۷.

گوارا شدن آن می شود.» (۱) کسی که گره در کارش افتاده، مانند گرسنه ای است که هر چه زودتر غذا به او برسد، برایش گواراتر است. پیامبر گرامی اسلام فرمود: «خداوند خیری را دوست دارد که به سرعت انجام شود.» (۲)

همه دیده ایم که اگر دولت یا شهرداری، پروژه ای عمرانی یا خدماتی را ظرف مدت کوتاه انجام دهند، چه اندازه برای مردم شیرین و گواراست و اگر در تکمیل آن تأخیر کنند، چه اندازه از ارزش و شیرینی کار در نظر مردم کاسته می شود. از این رو، در احکام دینی گفته شده است «دستمزد کارگر را پیش از آنکه عرق او خشک شود، پرداخت کنید»؛ (۳) چون این کار، سبب شادی دل او و گوارایی دستمزد گرفتن می شود.

۶. میانه روی

میانه روی در همه کارها، شرط لازم برای زندگی موفق و سعادت مند است و تندروی و کندروی همواره سبب هلاکت و شکست و ناکامی انسان می شود. در این میان، گره گشایی و نیکی به دیگران نیز از این اصل اساسی میانه روی برکنار نیست. این موضوع به ویژه درباره انفاق های مالی، نمود بیشتری می یابد.

قرآن کریم یکی از نشانه های «عبادالرحمن» را میانه روی در انفاق می داند. (۴) خداوند در جای دیگر، خطاب به پیامبر خود می فرماید:

دستت را بسته به گردنت قرار نده و آن را به نهایت باز نکن تا حسرت زده و ملامت گر نفس خود شوی که پروردگار تو به هر که بخواهد، روزی گسترده می دهد و تنگ می گیرد. همانا او به بندگان خود، آگاه و بیناست. (اسراء: ۲۹ و ۳۰)

ص: ۱۱۵

۱- . غرر الحکم، ص ۳۹۰.

۲- . کافی، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳- . همان، ج ۵، ص ۲۸۹.

۴- . نک: فرقان: ۶۷.

قرآن کریم راه میانه را سفارش می کند و می گوید نه چنان بخل بورز که همچون کسی باشی که دستش با زنجیر به گردش بسته شده و توان حرکت دادن آن را ندارد و نه چنان دست و دل باز باش که دست خودت خالی شود و برای تهیه مخارج زندگی ات حسرت بخوری. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «زیاده روی سبب نابودی و نقصان و میانه روی، مایه فرونی است» (۱).

نقل شده است زنی بچه اش را نزد پیامبر فرستاد تا پیراهن حضرت را برای یادگاری و شفا و تبرک از آن حضرت هدیه بگیرد. پیامبر تنها پیراهن خود را از تن درآورد و به آن پسر داد. وقت نماز فرا رسید و مردم در مسجد منتظر پیامبر بودند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برخلاف معمول دیر کرده بود؛ چون پیراهنی نداشت تا به مسجد برود. اینجا بود که آیه نازل شد: «نه دستت را به گردنت غل کن (۲)» [و چنان نباش که دستت در جیبت نرود] و نه آن را کاملاً باز کن [که حتی تنها پیراهن خود را ببخشی و حسرت بخوری که چرا نمی توانی به مسجد بروی]».

میانه روی و عفت ورزی از دیدگاه پیامبر اسلام، سبب رسیدن به نعمت های بزرگ الهی؛ یعنی بقاء، حیات، رشد و پیشرفت جامعه است (۳). اینها چیزهایی هستند که هر جامعه متعالی و مترقی به آن نیاز دارد.

آنچه درباره فضیلت میانه روی گفتیم، با اهمیت و ارزش ایثار منافاتی ندارد؛ چون ایثار در جایگاه برتری نسبت به میانه روی قرار دارد. وقتی انسان آنچه را خود به آن نیاز دارد، ببخشد و دیگران را بر خود ترجیح دهد، ایثار کرده است و اگر افزون بر نیاز خود را ببخشد، میانه روی در انفاق است. پیداست که ایثار، خصلت برجسته انسانی است که جز برگزیدگان، آن را درک نمی کنند.

ص: ۱۱۶

۱- . جامع احادیث الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۱۰.

۲- . تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۹۱.

۳- . منتخب میزان الحکمه، ص ۱۷۷.

پاسخ این منافات نداشتن، در خود آیه کریمه قرآن آمده است؛ چون نهی از زیاده روی در انفاق - به قرینه آخر آیه - ویژه کسانی است که پس از آن با حال حسرت و سرزنش بنشینند، ولی کسانی همچون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (ع) و برخی اولیای الهی که به چنان بزرگی و روحی رسیده اند که از ایثار کردن هرگز پشیمان نمی شوند، مخاطب این آیه نیستند. به عبارت دیگر، خطاب آیه به مؤمنان متوسط الحال است، نه بندگان برجسته و برگزیده الهی. از این رو، در آیه های نخستین سوره مبارکه انسان، قرآن کریم، گروهی از ابرار (حضرت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) و امام حسن (ع) و امام حسین (علیه السلام)) را به نیکوترین شکل ستایش می کند که اینان غذای [افطار] خود را به مسکین و یتیم و اسیر می بخشند. درباره داستان بخشش پیراهن پیامبر که پیش از این گفته شد، می توان گفت حسرت پیامبر بر این بود که چرا نماز اول وقت و جماعت ایشان به تأخیر افتاد، نه اینکه چرا پیراهنش را به آن کودک بخشید.

۷. پرهیز از بدی گمان

از شرایط دیگر گره گشایی این است که انسان خود را در موضعی که ممکن است سبب بدگمانی مردم شود، قرار ندهد؛ چون به طور طبیعی در چنین جاهایی متهم خواهد شد. از این رو، در روایت های اسلامی آمده است: «آن کس در جاهای [برانگیزاننده] بدگمانی وارد شود و به او تهمت زنند، نباید جز خود را سرزنش کند».^(۱)

برای مثال، کسی که قصد امر به معروف و نهی از منکر دارد، اگر با بدان فراوان نشست و برخاست کند، خواه ناخواه مردم او را از بدان به شمار خواهند آورد و او را به گناهان بدان متهم خواهند کرد.^(۲) اگر برای نهی از شراب خواری، بر سر سفره می گساران حاضر شود و

ص: ۱۱۷

۱- همان، ص ۳۲۴.

۲- همان.

پیوسته به خانه آنان رفت و آمد کند، طبیعی است که مردم او را نیز شراب خوار می دانند. همچنین کسی که برای رفع نیازهای مادی گرفتاران می کوشد، نباید پیوسته آشکارا به آنان کمک کند؛ چون ممکن است به ریاکاری و خودنمایی متهم شود.

مثال بعدی آن است که کسی به دیگری مشورت می دهد یا او را نصیحت می کند. وی نباید زیاد بر نظر خود پافشاری کند؛ چون احتمال دارد به او گمان برسد که وی خیرخواه واقعی نیست و خودش در این مسئله، سودی دارد که تا این اندازه پافشاری می کند، بلکه باید زبان حال مشاور چنین باشد:

من آنچه شرط بلاغ است، با تو می گویم

تو خواه از سخن م پند گیر و خواه ملال

۸. پاسخ گویی مثبت به همه درخواست کنندگان

حضرت امام علی (علیه السلام) در بیان ویژگی های والای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

هرگز چیزی از آن حضرت خواسته نشد که بگوید: «نه» [و دست رد بر سینه هیچ سائلی نزد، بلکه] یا نیازش را برمی آورد و اگر نمی خواست یا نمی توانست، سکوت می کرد (۱) یا با زبان خوش به او پاسخ می داد. (۲) برای مثال، می فرمود: «خدا حاجت را برآورد.» (۳) همچنین می فرمود: «سؤال سائل را قطع نکنید؛ چون اگر چنین نبود که مسکینان [گاهی] دروغ می گویند [؛ یعنی برخی مسکین واقعی نیستند و ادعای نیاز می کنند]، رد کننده آنها هرگز رستگار نمی شد.» (۴)

ص: ۱۱۸

۱- .المنتقی من سنن النبی (صلی الله علیه و آله)، ص ۱۷۷.

۲- .میزان الحکمه، ص ۲۳۳۸، ح ۸۱۴۲.

۳- .همان، ح ۸۱۴۳.

۴- .همان، ح ۸۱۴۴.

پس چه نیکوست ما نیز از زندگی و سیره آن حضرت و اهل بیت (علیهم السلام) پاک ایشان الگو بگیریم و درخواست کنندگان را اگر چه به اندک چیزی کمک کنیم. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «گدا را رد نکنید، اگر چه به نیم دانه انگوری یا نیمه خرمایی باشد».

انسان با آراسته شدن به این خصلت نیکو، در حقیقت، به یکی از اخلاق الهی دست یافته است؛ چون از صفت های خداوند این است که رحمت او همه کس و همه چیز حتی بدترین بندگان را فرا می گیرد. (۱) امید هر که را به او امید بسته است، ناامید نمی کند و دعاکنندگان و درخواست کنندگان از ذات اقدسش را با دست خالی باز نمی گرداند. چه کمالی برتر از اینکه بنده شبیه مولا و پروردگار خود شود. امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود:

اگر سائل می دانست که در خواهش او چه نهفته است، هرگز از کسی چیزی نمی خواست و اگر کسی که از وی خواهشی می شود، بداند که در نومید کردن چه نهفته است، هرگز کسی را نومید نمی کرد. (۲)

ص: ۱۱۹

۱- . نک: اعراف: ۵۶.

۲- . میزان الحکمه، ص ۲۳۳۸، ح ۸۱۳۷.

۱. بایدها و نبایدهای سیاست گذاری کلان رسانه

اشاره

مهم ترین وظیفه صدا و سیما در زمینه گره گشایی، هنجارسازی از راه آگاهی بخشی، انگیزش عواطف و احساسات و به تصویر کشیدن الگوهای عملی است. گره گشایی از وضعیت موجود در جامعه که در حقیقت، از نظر کمی و کیفی، نامطلوب است، باید به وضعیت مطلوب برسد و با حفظ تمام شرایط و لوازمی که دین اسلام برای آن در نظر گرفته است، به صورت فرهنگ عمومی درآید. برای رسیدن به این آرمان مقدس، عزمی جزم و همتی بلند لازم است.

الف) ترویج روحیه برادری اسلامی و نوع دوستی به جای تأکید بر خودخواهی

چنان که می دانیم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در آغاز ورود به شهر مدینه، میان مؤمنان، پیوند برادری برقرار کرد (و بعدها این عقد اخوت دو نفره برداشته شد و اخوت تمامی مؤمنان جای آن را گرفت و بر آن تأکید شد).^(۱) این اقدام پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) از دوراندیشی آن حضرت حکایت می کند؛ چون اعضای جامعه اسلامی برای رسیدن به اهداف متعالی خود و اجرای احکام اسلامی راهی جز این ندارند که اختلاف ها را کنار بگذارند و دل های آنها به هم نزدیک و فضای برادری و صفا و صداقت بر آن حاکم شود. جامعه اسلامی ایران نیز اگر بخواهد به قله های

ص: ۱۲۰

۱- . سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، ص ۴۳۴.

کمال و سعادت گام نهد، راهی جز این ندارد که صفا و برادری بر آن حاکم شود و همه با هم به سوی سعادت دنیا و آخرت حرکت کنند. از این رو، صدا و سیما که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین رسانه ملی است، باید ترویج روحیه برادری و دیگرخواهی و نوع دوستی را در جامعه به عهده بگیرد و برنامه‌ها و مجموعه‌های خود را به سوی گسترش فرهنگ احسان و نیکوکاری و گره‌گشایی جهت‌دهی کند. شکی نیست که تاکنون بسیاری از برنامه‌های رسانه برای مخاطبان، جهت‌دهی فردگرایی و خودپسندی داشته و در آنها به گره‌گشایی و خدمت به برادران دینی کمتر توجه شده است. در آن موارد نیز نسبت به شرایط و لوازم آن دقت کافی صورت نگرفته و در نتیجه، اثرگذاری لازم را بر مخاطبان نداشته است.

ب) آگاهی بخشی با بهره‌گیری از روش دینی بیم و امید دادن

رسانه ملی باید با بهره‌گیری از روش بیم و امید که بهترین شیوه تبلیغ دینی و شیوه همه پیامبران الهی است، با بیان اهمیت، آثار، شرایط و راه کارهای گره‌گشایی، با دادن آگاهی‌های لازم به مردم، حساسیت‌های لازم را در مخاطبان به وجود آورد تا انگیزه عمل به گره‌گشایی در آنان پدید آید. در جامعه اسلامی ما که بیشتر جمعیت آن را شیعیان و پیروان مکتب نورانی اهل بیت (علیهم السلام) تشکیل می‌دهند، در کنار خوان گسترده الهی؛ یعنی قرآن کریم، مجموعه‌ای از روایت‌های نورانی امامان معصوم (ع) نیز در دست رس هست که بهترین منبع برای آگاهی بخشی و انگیزه آفرینی عمومی به شمار می‌رود. سیره آن بزرگواران، بهترین الگوی قابل عرضه در همه زمینه‌های اخلاقی به ویژه گره‌گشایی است.

ج) تشویق و تحریک

رسانه ملی در کنار آگاهی بخشی باید به کمک تحریک عواطف و انگیزش احساسات عمومی، مردم را به سوی گره‌گشایی مادی و معنوی به پیش برد. نمونه موفقی از این امر را در حادثه زلزله بم دیدیم

که صدا و سیما با اطلاع رسانی به موقع و انگیزش عواطف عمومی، در یاری رسانی به حادثه دیدگان بم، عزم عمومی پدید آورد. رسانه چنین کارهایی را باید در همه زمینه ها و در حمایت از مشکلات مادی و معنوی مردم تکرار کند.

د) تولید برنامه های گوناگون برای همه گروه های سنی

در آغاز چنین به نظر می آید که موضوع گره گشایی ویژه بزرگ ترهاست و ارتباطی به کودکان و نوجوانان ندارد، ولی با کمی اندیشه، روشن می شود که اهمیت پرداختن به گره گشایی در برنامه های کودکان و نوجوانان، کمتر از برنامه سازی برای بزرگ سالان نیست. ما می توانیم فرهنگ برادری و نوع دوستی و خدمت به خلق را از همان زمان کودکی و نوجوانی به کودکان بیاموزیم و در لوح دل آنان، نقش زیبا و پاک ناشدنی گره گشایی را رسم کنیم. بی شک، عملی کردن چنین اندیشه ای، نویدبخش آینده ای روشن برای جامعه اسلامی خواهد بود. از این رو، ضروری است که برای همه گروه های سنی از کودک و نوجوان و پیر و جوان به اقتضای شرایط سنی شان، برنامه های ویژه گره گشایی ساخته شود.

ه- معرفی الگوهای شایسته گره گشایی

رسانه ملی باید برای شناساندن الگوهای برتر در زمینه گره گشایی برنامه ریزی کند. از سویی، ساخت برنامه های گوناگون از سیره معصومین (ع)، دانشمندان و انسان های نیکوکار، در فهرست برنامه های کلان قرار گیرد و از سوی دیگر، نمونه های عینی موفق در عرصه گره گشایی به دیگران شناسانده و تجربه آنها به همگان منتقل شود؛ زیرا الگوها، مهم ترین راه انتقال اندیشه یا صفت اخلاقی به شمار می روند. گاهی وجود یک الگوی عملی از اخلاق اسلامی در یک منطقه یا شهر، از مطالعه ده ها کتاب و شنیدن هزاران پیام گفتاری مؤثرتر است. بنا بر این، هم باید از الگوهای عملی سپاس گزاری کنیم و هم باید رمز موفقیت و تجربه های آنها را

بازگویم. با ترویج این فرهنگ، می توان الگوهای صادق را به جای الگوهای کاذب در دل و اندیشه جوانان جای داد.

۲. نقد و ارزیابی برنامه های پخش شده در رسانه

الف) ترویج روحیه فردگرایی و تجمل گرایی به جای دیگرپذیری و گره گشایی

چنان که در فصل اول نیز اشاره شد، در نگاهی کوتاه به مجموعه های تلویزیونی و فیلم های سینمایی، پی می بریم که بر بیشتر آنها روحیه فردگرایی و تجمل گرایی حاکم است. ستارگان فیلم ها معمولاً برای حفظ منافع خود در تلاش هستند؛ تنها برای زندگی خود و خانواده شان تلاش می کنند و هرگز غم دیگران را ندارند، بلکه تماشاگر گرفتاری های آنها هستند. چهره های اصلی و ستاره فیلم ها که برخی از آنان الگوهای عملی جوانان ما هستند، نازپروردگانی نشان داده می شوند که هیچ خاصیتی ندارند، بلکه رفتارشان بر روحیه تماشاگر اثر منفی می گذارد. برای نمونه، جوانی که هنوز ازدواج نکرده، بهترین زندگی و بالاترین مدل خودرو را داراست؛ گویی ره صدساله را یک شبه پیموده است. طبیعی است که نمایش چنین صحنه هایی، افزون بر داشتن آثار منفی روانی برای طبقه متوسط و ضعیف جامعه، نوعی فردگرایی و غفلت از حال دیگران را ترویج می کند.

در اینجا این پرسش رخ می نماید که آیا ساخت فیلم های زیبا و جذاب بر محور زندگی دین داران و قشر متوسط و ضعیف جامعه ممکن نیست؟ آیا نمی توان با به تصویر کشیدن زندگی دین داران نیکوکار و گره گشا، اثری هنری، زیباتر و پرمحتواتر آفرید؟ این علامت پرسش بارها در ذهن تک تک مخاطبان رسانه خودنمایی کرده، ولی پاسخی قانع کننده برای آن نیافته است. به طور کلی، توازنی در نشان دادن فقر و غنا در فیلم های صدا و سیما باید برقرار باشد تا این پندار موهوم که مال و ثروت، مایه ارزش و افتخار است، از افکار عمومی زدوده شود و ارزش حقیقی به علم و ایمان و کمال انسانی داده شود.

در

این صورت، روحیه خودخواهی، دنیاطلبی، تجمل گرایی، بخل و آزمندی بی رمق خواهد شد و مانع بزرگ فراروی گره گشایی و توجه به دیگران برداشته می شود.

(ب) در حاشیه بودن گره گشایی در رفت و آمدهای خانوادگی و همسایگی

چنان که می دانیم صله رحم در اسلام، تنها به معنای رفت و آمد و احوال پرسی از بستگان نیست، بلکه وظیفه دینی هر انسانی است که در گرفتاری های زندگی و سختی ها به یاری نزدیکان به ویژه بستگان درجه اول خود بشتابد، ولی در برنامه های رسانه، بیشتر به رفت و آمد، احوال پرسی، گفت و گو و خنده با فامیل اهمیت داده می شود و یاری رسانی به آنها در حاشیه قرار می گیرد. مجموعه های طنز «زیر آسمان شهر»، «نقطه چین»، «شب های برره»، «زندگی به شرط خنده» و «باغ مظفر» نمونه هایی از اولویت دادن بیش از اندازه به عنصر شوخی و خنده در روابط خانوادگی و همسایگی و بی توجهی به گرفتاری ها و مشکلات خویشان و همسایگان است. در حالی که طنز می تواند در قالب گره گشایی و کمک به دیگران نیز ساخته شود، در بیشتر این طنزها، مشکل سازی برای خود و دیگران، امتیاز و کاری جذاب به شمار می رود.

(ج) نقد یک مجموعه تلویزیونی

مجموعه «او یک فرشته بود» که در مهر و آبان ۱۳۸۴ (ماه مبارک رمضان) از شبکه دوم سیما پخش شد، نمونه ای موفق از پرداختن به اهمیت گره گشایی و آثار ترک آن بود. صرف نظر از برخی اشکال های محتوایی، پیام مذهبی این مجموعه برای مخاطب بسیار مناسب بود. استقبال فراوان مردم از این مجموعه تلویزیونی، این حقیقت را برای هنرمندان کشور روشن ساخت که اگر پیام های دینی در قالب زیبا و درست هنری عرضه شود، طیف بیشتری از مخاطبان را به سوی خود خواهد کشاند و آثار عمیق تری بر دل و اندیشه آنان خواهد گذاشت. البته شرط تحقق این امر آن است که در کنار هر مجموعه تلویزیونی،

کارشناس مذهبی حضور فعال داشته باشد؛ فیلم نامه را بخواند و نظر خود را با عوامل فیلم مطرح کند. همچنین در مراحل تولید فیلم نیز به عنوان ناظر مذهبی حاضر باشد.

۳. راه کارهای پرداختن به موضوع در رسانه

الف) فیلم کوتاه

بخش هایی از زندگی معصومان، دانشمندان، ورزش کاران و هنرمندان را که به موضوع گره گشایی مربوط می شود، در قالب فیلم کوتاه یا کارتون می توان نشان داد. طبیعی است در این گونه فیلم ها، باید به جنبه های هنری فیلم نیز توجه بیشتری شود. متأسفانه بسیاری از نمایش های مذهبی و تئاترها، از جنبه هنری نسبت به مجموعه های دیگر تلویزیونی، ضعیف تر ساخته می شود؛ چون هم هزینه کم تری برای آن صرف می کنند و هم کمتر از بازیگران حرفه ای در آن مجموعه ها استفاده می شود. از این رو، مخاطبان این گونه فیلم ها بسیار محدودند.

ب) طرح کوتاه

برخی طرح های کوتاه را که در قالب مستقل می توان از آن بهره گرفت، می آوریم:

- کودکی که در جشن نیکوکاری قلک خود را می شکند و به کمیته امداد اهدا می کند.

- کودکی در شب امتحان به دوستش که از او ضعیف تر است، کمک و اشکال های او را رفع می کند و هر دو نمره خوب می گیرند.

- کودکی با دیدن کفش های پاره دوست فقیرش، کفش های عید نوروز خود را به او هدیه می دهد.

- فردی، دوست قدیمی خود را همراه عده ای جوان سیگاری می بیند و خطر سیگاری شدن او را حس می کند. سپس او را با خود به سوی تفریح یا انجام دادن کارهای مفید می کشاند و از دوستانش جدا می کند.

- زن و شوهری بر سر مسائل جزئی مانند چیدمان وسایل خانه اختلاف شدیدی پیدا کرده اند. پس نزد قاضی می روند. قاضی می گوید هر یک از شما یکی از بستگان خود را به عنوان حُکم (داور) معرفی کنید و با معرفی حُکم و رایزنی ها، اختلاف آنها به صلح و صلاح می انجامد.

- دو نفر سوار بر ماشین با یکدیگر تصادف می کنند. هر دو از ماشین بیرون می پرند و به دشنام و کتک کاری می پردازند. رهگذری دانا از راه می رسد و پس از شنیدن سخنان آن دو، آنها را به گذشت دعوت می کند و آشتی می دهد.

- دختری بدون تحقیق، قصد ازدواج با پسری را دارد. دوستان آن دختر با تعقیب پسر و شناسایی او و آگاهی یافتن از روابط او با دختران دیگر، از آن پسر عکس تهیه می کنند و دوست خود را از گرفتار شدن به دام آن شیاد نجات می دهند (عکس این قضیه در مورد یک پسر نیز ممکن است).

- فردی قصد دارد به عمره مستحب برود، ولی با دیدن وضع رقت بار خانواده ای، منصرف می شود و هزینه عمره را به آن خانواده می بخشد.

ج) مستندسازی

با کارشناسی های حساب شده و ریشه یابی مشکل های خانوادگی و ارائه راه حل های مفید برای رفع آنها می توان مستندهای خوبی ساخت. در کنار استفاده از روان شناس در این برنامه ها باید از کارشناسان مذهبی که در امور خانواده و امور اجتماعی و جوانان تخصص ویژه ای دارند، بهره گرفته شود. آقای راشد یزدی، حسینی و پناهیان، گزینه های مناسبی برای این کار هستند.

تهیه مستندهایی درباره موقوفات کشور و وقف کنندگان آنها، مثل: مساجد، کاروان سراها، آب انبارها، تکیه ها، مدارس علمیه و مانند آن یا

بیان آثار موقوفات در پیشرفت دینی، علمی و اقتصادی کشور در طول تاریخ نمونه هایی از این دست است.

(د) فیلم سازی

چنان که گفتیم در متن این پژوهش، داستان های کوتاه و نیمه کوتاهی آمده است که می تواند موضوع های مناسبی برای فیلم سازی باشد. افزون بر آنها به داستانی تاریخی و زیبا برخوردیم که به سبب کمی طولانی بودن آن مناسب دیدیم آن را جداگانه در این قسمت بیاوریم.

«در زمان خلافت سلیمان بن عبدالملک مروان (۹۶ - ۹۹ هـ - ق) مردی ثروتمند و بخشنده به نام خُزیمه بن بُشر در جزیره (۱) زندگی می کرد، ولی دیری نپایید که آن همه مال و ثروت را از کف داد و یک باره از اوج عزت به حضیض ذلت افتاد. آشنایان و دوستانی که زمانی از بخشش و احسان او بهره مند بودند، چند روزی به او کمک کردند، ولی چیزی نگذشت که از دست گیری اش سر باز زدند و دیگر به وی روی خوش نشان ندادند.

خزیمه نیز چون بی وفایی مردم دنیا و نامهربانی دوستان آشنا را دید و مزه تلخ برگشت روزگار را چشید، همسر خود را که دختر عمویش نیز بود، خطاب قرار داد و گفت: «باید تن به مرگ داد و چشم به کمک مردم بی مروت دنیا و یاران بی وفا نداشت.» از این رو، در خانه نشست و در به روی خود و خلق بست و مدتی از آنچه داشت، استفاده کرد تا آنکه هر چه بود، تمام شد و آه در بساطش نماند.

در آن زمان، عکرمه فیاض، حاکم و والی جزیره بود که همتی عالی داشت، به گونه ای که بیشتر مردم از فیض وجود و خوان جودش بهره مند بودند و به همین سبب هم او را «فیاض» می خواندند.

ص: ۱۲۷

۱- جزیره: منطقه ای مجاور شام و موصل و مشتمل بر «دیار بکر» و شهرهای «رها» و «آمر» و... .

در یکی از روزها که اعیان شهر در مجلس والی حضور داشتند، فیاض به مناسبتی از خزیمه سخن به میان آورد و سراغ او را گرفت. حاضران مجلس گفتند: مدتی است تهی دست شده و خانه نشین است. از همین رو، در میان مردم دیده نمی شود. فیاض از شنیدن این سخن و آگاهی از پریشانی وضع خزیمه بسیار متأثر شد و منتظر ماند تا شب فرا رسد. همین که پاسی از شب گذشت، دستور داد یکی از غلامانش اسبی را زین کند. سپس چهار هزار دینار زر سرخ از بیت المال برداشت و در کیسه ای ریخت و به دست غلام داد و بدون اینکه کسی از نزدیکان او از این ماجرا آگاه شود، راه خانه خزیمه را در پیش گرفت. وقتی نزدیک خانه رسید، پیاده شد. کیسه زر را از غلام گرفت و برای اینکه غلام نیز از این موضوع باخبر نشود، دستور داد که از آن محل دور شود و در کناری بایستد. آن گاه خود آهسته نزدیک رفت و کوبه در را به صدا درآورد.

خزیمه از خواب برخاست و در را باز کرد. فیاض کیسه زر را به او داد و گفت: این مال شماست. خزیمه پرسید: شما کیستید؟ فیاض گفت: اگر می خواستم مرا بشناسی، در این وقت شب نمی آمدم. خزیمه بر اصرار خود افزود و گفت: تا خود را معرفی نکنی، عطای تو را نمی پذیرم. فیاض هم به ناچار خود را چنین معرفی کرد: من دست گیری جوان مردان زمین خورده ام. خزیمه اصرار کرد توضیح بیشتری بدهد، ولی فیاض بیش از آن سخنی نگفت و کیسه زر را به خزیمه داد و خداحافظی کرد و رفت. خزیمه، در خانه را بست و همسرش را بیدار کرد و گفت: برخیز و چراغ روشن کن که اگر در این کیسه پولی باشد، خداوند نظر مرحمتی به ما کرده است. زن گفت: ما وسیله ای نداریم که در این وقت شب چراغ بیفروزیم.

آن گاه خزیمه در حالی که به خواب می رفت، با دست کیسه را لمس کرد و فهمید که داخل آن پر از سکه های طلاست.

از سوی دیگر، همین که فیاض به خانه بازگشت، دید همسرش بیدار شده و با حالی آشفته و پریشان و چهره‌ای برافروخته سراغ او را می‌گیرد. زن ساده دل، دست خوش افکار واهی زنانه شده بود، به گونه‌ای که گریبان خود را چاک زده بود و فریاد می‌کرد و از شدت خشم، روی خود را می‌خراشید. فیاض که همسرش را در آن حال دید، پرسید: مگر چه شده؟ زن گفت: می‌خواستی چه شود؟ آیا والی شهر در این وقت شب، بی‌خبر و دور از چشم همسر و دخترعمو و نوکرها و کسانش، جز برای سر زدن به زن دیگر یا دیدار رفیقه‌ای که با او وعده دیدار گذارده است، از خانه بیرون می‌رود؟ فیاض گفت: خدا می‌داند من برای هیچ‌یک از این دو موضوع که گفتی، بیرون نرفته‌ام، ولی زن قانع نمی‌شد و همچنان بر اصرار و ناراحتی خود می‌افزود و می‌گفت باید راستش را بگویی که کجا بوده‌ای و برای چه رفته بودی؟ فیاض ناچار شد حقیقت مطلب را بازگو کند، ولی پیشاپیش از وی پیمان گرفت که رازش را فاش نسازد. سپس گفت: اگر باور نداری، حاضرم سوگند یاد کنم. زن گفت: نه! دلم آرام گرفت و اطمینان پیدا کردم. سوگند لازم نیست.

فردای آن شب، خزیمه پس از مدت‌ها، سر و سامانی به وضع زندگی خود داد و نفسی تازه کرد و پس از ترتیب کار، به دیدار خلیفه سلیمان بن عبدالملک رفت. در آن زمان، خلیفه در شام اقامت داشت.

هنگامی که خزیمه به دربار رفت، درباریان ورودش را به خلیفه اطلاع دادند. خلیفه، خزیمه، جوان مرد مشهور جزیره را می‌شناخت و قدر او را به خوبی می‌دانست. از این رو، بی‌درنگ به او اجازه ورود داد. خزیمه وارد شد و سلام کرد. خلیفه پرسید: خزیمه! رسیدن به خیر! خیلی دیر به سراغ ما آمدی؟ خزیمه گفت: علت آن وضع نامساعد بود که مدت‌ها با آن دست به گریبان بودم. خلیفه پرسید: چرا در این مدت نزد ما نیامدی تا به تو کمک کنیم؟ گفت: آن هم به واسطه فقر

و تنگ دستی و نداشتن وسیله راه بود. پرسید: اکنون چه کسی وسیله حرکت تو را به اینجا فراهم کرد؟ گفت: درست او را نمی شناسم. در یکی از شب ها که در نهایت تنگ دستی به سر می بردم، مردی ناشناس به در خانه ام آمد و کیسه ای که چهار هزار دینار در آن بود، به من داد و رفت. خلیفه گفت: او را شناختی؟ خزیمه گفت: نه! فقط او خود را دست گیری جوان مردان زمین خورده معرفی کرد. خلیفه افسوس خورد که این شخص بلندنظر را نمی شناسد و گفت: اگر او را می شناختم، پادشاه جوان مردی اش را چنان که باید، می دادم.

خلیفه که از شنیدن وضع رقت بار گذشته خزیمه ناراحت و منقلب شده بود، از او دل جویی کرد و فرمان حکومت جزیره را به نام او نوشت و دستور داد در بیان کار فرماندار گذشته، عکرمه فیاض به دقت رسیدگی کند و جریان را به او گزارش دهد.

بدین ترتیب، روزگار تنگ دستی خزیمه را جبران کرد و خزیمه با در دست داشتن فرمان حکومت جزیره بدان منطقه ره سپار شد. هنگامی که خیر ورود حاکم جدید به فیاض رسید، وی به اتفاق مردم شهر به سوی مقر حکومت رفتند.

خزیمه بر اساس دستور خلیفه با دقت به حساب فیاض رسیدگی کرد و در نتیجه، مبالغی کسر آمد. خزیمه او را موظف کرد که هر چه زودتر، مقدار کسری را پرداخت کند، ولی فیاض گفت: من چیزی نیندوخته ام و راهی برای پرداخت آن ندارم. خزیمه هم دستور داد او را به زندان ببرند. مأموران، حاکم معزول را به زندان افکندند و در آنجا نیز کسری بودجه بیت المال را از وی مطالبه کردند. فیاض گفت: من کسی نیستم که آبروی خود را به خاطر نگه داشتن مال بریزم. چیزی از بیت المال حیف و میل نکرده ام و اکنون هم چیزی ندارم. به خزیمه بگوئید هر کاری می خواهی بکن.

فیاض مدتی در زندان بود و همسر او بسیار اندوهگین بود. روزی همسر فیاض، کنیز خود را که زنی دانا و باکمال بود، خواست و گفت: همین حالا به خانه حاکم می روی و اجازه دیدار می خواهی. پس از کسب اجازه بگو عرضی دارم که باید در خلوت بگویم و چون خلوت کرد، بگو: پاداش دست گیری جوان مردان زمین خورده این نبود که او را به زندان ببری و شکنجه اش کنی و به زنجیرش کشی.

کنیز پیغام خانم خود را به حاکم رساند. خزیمه با شنیدن این پیام غیرمنتظره گفت: ای وای! دست گیری جوان مردان زمین خورده همین بود که در حبس من است. کنیز گفت: آری. خزیمه دستور داد بی درنگ، اسبش را آماده کنند. آن گاه با بزرگان شهر به زندان رفت. خزیمه دید فیاض با وضعی رقت بار در گوشه زندان نشسته و بر اثر شکنجه ای که دیده، قیافه اش کاملاً تغییر کرده است. وقتی فیاض، خزیمه و انبوه جمعیت را دید که به سوی او می آیند، ناراحت شد و از شرم سر به زیر انداخت. خزیمه جلو آمد، خم شد و سر فیاض را بوسید. فیاض سر برداشت و پرسید: این اظهار تفقد برای چیست؟ گفت: به خاطر کار نیک تو و گمان بد من است. فیاض گفت: خداوند هر دو ما را بیامرزد و پاداش نیک دهد. سپس دستور داد زنجیرها را از دست و پای فیاض باز کردند و گفت آن را به دست و پای من بیفکن! فیاض پرسید: چرا چنین می کنی؟ خزیمه گفت: می خواهم تا حدی مزه آنچه تو چشیده ای، من نیز بچشم. فیاض او را قسم داد که از این کار منصرف شود. خزیمه هم پذیرفت و به اتفاق هم از زندان بیرون آمدند و با همراهان به خانه خزیمه رفتند. همین که به در خانه رسیدند، فیاض با او خداحافظی کرد و خواست به خانه خود برود، ولی خزیمه مانع شد و گفت: نمی گذارم با این وضع به خانه برگردی. باید تغییر لباس بدهی و سر و وضعت را درست کنی تا من بیش از این از همسرت نیز شرمندة نشوم. سپس دستور داد حمام را خلوت کنند و وی را

به حمام بردند. خزیمه کیسه کشی فیاض را به عهده گرفت. آن گاه به وی خلعت پوشاند و اموال بسیاری به وی بخشید و به اتفاق به خانه اش رفت و اجازه خواست که از همسرش نیز معذرت بخواهد.

پس از چندی، خزیمه از فیاض خواست که همراه وی نزد خلیفه سلیمان بن عبدالملک بروند. فیاض هم پذیرفت. پس از ورود، خزیمه از رئیس تشریفات دربار اجازه شرف یابی خواست. خلیفه ناراحت شد و گفت: چه شده که والی جزیره که تازه به مأموریت رفته، بدون اجازه قبلی ما آمده است؟ با ورود خزیمه، خلیفه علت آمدن او را پرسید. وی گفت: دست گیری جوان مردان زمین خورده را پیدا کردم و اینک به حضور آمده ام تا خلیفه را خشنود سازم؛ زیرا آن روز دیدم خلیفه مشتاق دیدار اوست. خلیفه پرسید: او کیست؟ خزیمه گفت: او عکرمه فیاض است. سپس چگونگی شناختن او را برای خلیفه شرح داد. خلیفه دستور داد فیاض وارد شود و چون فیاض را دید، گفت: ای فیاض! نیکی تو به خزیمه رسیده، ولی شر او دامن گیر تو شد. آن گاه او را دل جویی و احترام فراوان کرد و گفت: هر حاجتی داری از من بخواه تا آن را برآورم. فیاض هم خواسته خود را نوشت و خلیفه دستور داد فوری آن را عملی کنند. سپس ده هزار دینار طلای ناب به علاوه تحفه های دیگری به او بخشید و امر کرد فرمان حکومت جزیره و ارمنستان و آذربایجان را به نام او نوشتند. آن گاه گفت: اینک خزیمه در اختیار توست. اگر می خواهی او را معزول کن و گرنه به حکومت جزیره باقی بگذار! فیاض گفت: نه! خزیمه باید همچنان حاکم جزیره باشد! سپس خود حکومت جای دیگری را پذیرفت و هر دو تا پایان خلافت سلیمان بن عبدالملک با احترام و سربلندی حکومت کردند»^(۱).

ص: ۱۳۲

۱- ابوبکر بن علی بن محمد بن حجه الحموی، ثمرات الاوراق، مصر، مکتبه الخانجی، ۱۹۷۱م، چ ۱، ص ۱۴۸.

از این داستان زیبا می توان فیلم نامه ای مناسب گروه های سنی گوناگون تهیه کرد.

ه- برنامه طنز

از موضوع گرهِ گشایی می توان مجموعه ای طنز به صورت پانتومیم کوتاه یا حتی سریالی نود قسمتی ساخت. داستان این قسمت ها می تواند درباره شخصی باشد که پس از گرهِ گشایی از کار دیگران، مشکلی مشابه از خود او حل می شود یا اگر شخصی از گرفتاری کسی بی اعتنا بگذرد، به گرفتاری مشابهی دچار می گردد. این برنامه در بیننده یقین ایجاد می کند که کمک به دیگران سبب گشایش مشکلات و بی توجهی به آنها عامل گرهِ افتادن در کارهایش می شود.

ز) شعر

بیا تا مونس هم، یار هم، غم خوار هم باشیم

انیس جان هم، فرسوده بیمار هم باشیم

شب آید، شمع هم گردیم و بهر یکدگر سوزیم

شود چون روز، دست و پای هم، در کار هم باشیم

دوای هم، شفای هم، برای هم، فدای هم

دل هم، جان هم، جانان هم، دلدار هم باشیم

به هم یک تن شویم و یک دل و یک رنگ و یک پیشه

سری در کار هم آریم و دوش بار هم باشیم

جدایی را نباشد زهره ای تا در میان آید

به هم آریم سر، بر گرد هم، پرگار هم باشیم

حیات یکدگر باشیم و بهر یکدگر میریم

گهی خندان زهم، گه خسته و افکار هم باشیم

به وقت هوشیاری، عقل کل گردیم بهر هم

چو وقت مستی آید، ساغر سرشار هم باشیم

شویم از نغمه سازی، عندلیب غم سرای هم
به رنگ و بوی یکدیگر شده، گلزار هم باشیم

ص: ۱۳۳

به جمعیت پناه آریم از باد پریشانی
اگر غفلت کند آهنگ ما، هشیار هم باشیم
برای دیده بانی، خواب را بر خویشتن بندیم
ز بهر پاسبانی، دیده بیدار هم باشیم
جمال یکدگر گردیم و عیب یکدگر پوشیم
قبا و جبه و پیراهن و دستار هم باشیم
غم هم، شادی هم، دین هم، دنیای هم گردیم
بلای یکدگر را چاره و ناچار هم باشیم
بلاگردان هم گردیده، گرد یکدگر گردیم
شده قربان هم از جان و منت دار هم باشیم
یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار
زبان و دست و پایک کرده، خدمت کار هم باشیم
نمی بینم به جز تو همدمی ای «فیض» در عالم
بیا دمساز هم، گنجینه اسرار هم باشیم (1)

گر آنکه هزار کعبه آباد کنی
بہتر نبود کہ خاطری شاد کنی
گر پردہ کنی ز لطف آزادی را
بہ ز آنکہ ہزار بردہ آزاد کنی
اگر نفع کس در نہاد تو نیست
چنین گوہر و سنگ خارا یکی است

غلط گفتم ای یار شایسته خوی

که نفع است در آهن و سنگ و روی

چنین آدمی، مرده به ننگ را

ص: ۱۳۴

۱- . فیض کاشانی.

که بر وی فضیلت بود سنگ را (۱)

سحر دیدم درخت ارغوانی

کشیده سر به بام خسته جانی

به گوش ارغوان، آهسته گفتم:

بهارت خوش که فکر دیگرانی (۲)

الا گر طلب کار اهل دلی

ز خدمت مکن یک زمان غافلی

به حال دل خستگان در نگر

که روزی تو دل خسته باشی مگر

درون فروماندگان شاد کن

ز روز فروماندگی یاد کن (۳)

و) گزارش

- تهیه گزارش از شوراهای حل اختلاف و شیوه گره گشایی آنان از کار مردم؛

- تهیه گزارش از دادگاه های خانواده به صورت منظم و پیوسته و ارائه دستورالعمل های قانونی و اخلاقی برای حل اختلاف ها؛

- تهیه گزارش از نیکوکاران و بیان انگیزه ها و دیدگاه های آنان؛

- تهیه گزارش کوتاه از عالمان دینی و بیان اهمیت و آثار گره گشایی از زبان آنان؛

- تهیه برنامه های ویژه: «اخلاق در جامعه»، «اخلاق در مدرسه»، «اخلاق در بازار»، «اخلاق سیاسی» با نظر به دیدگاه های دینی.

ص: ۱۳۵

۱- کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، ص ۸۳.

۲- همان.

احادیث مناسب، تهیه اسلاید برای پخش در پیش از اخبار یا پس از اذان یا در مناسبت های ویژه؛

- امام علی (علیه السلام): «برای فرمان بری [خداوند] و نیکی کردن آفریده شده اید». (۱)

- امام صادق (علیه السلام): «پس از ایمان به خداوند، نزد او کاری محبوب تر از شاد کردن دل مؤمنان نیست». (۲)

- امام صادق (علیه السلام): «نیکی کردن به برادران دینی، نشانه ایمان خالص و بدون شائبه است». (۳)

- پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله): «مؤمنان با هم برادرند؛ برخی نیازهای برخی را برمی آورند و خداوند بدین سبب در روز قیامت، حاجت هایشان را بر آورده می سازد». (۴)

- «در اعتماد مؤمن به برادر دینی اش همین بس که حاجتش را نزد او فرود آورد». (۵)

- پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله): «هر کس مؤمنی را شاد کند، مرا شاد کرده است و هر کس مرا شاد کند، خداوند را شاد کرده است». (۶)

- «به خداوند سوگند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از برآورده شدن نیاز بنده مؤمن بیش از خود نیازمند، شادمان می شود». (۷)

- امام موسی کاظم (ع): «خداوند در زمین، بندگانی دارد که در برآوردن نیازهای مردم می کوشند. اینان در روز قیامت [از عذاب خدا] در امانند». (۸)

ص: ۱۳۶

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۲۸.

۲- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۲.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۴۲۱.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۰.

۵- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۴.

۶- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۹.

۷- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۲۸.

۸- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۹.

- «برآوردن نیاز برادران دینی سبب ریزش گناهان انسان و خویشان و همسایگان و برادران و آشنایان انسان می شود.» (۱)
- امیرمؤمنان علی (علیه السلام): «انجام کارهای پسندیده سبب محبوبیت در میان مردم می شود.» (۲)
- «نیکی کردن و نیکو همسایگی کردن سبب افزایش روزی و آباد شدن سرزمین هاست.» (۳)
- «هر کس از صرف کردن مالی در راه پیروی خدا بخل ورزد، دو برابر آن را در راه معصیت خدا خواهد کرد.» (۴)
- «آن کس را که به تو امید بسته است، ناامیدش مکن؛ که بدین سبب، خداوند بر تو خشم می گیرد.» (۵)
- «هر مؤمنی که بتواند برادر دینی اش را یاری کند و چنین نکند، خداوند در دنیا و آخرت، یاری اش را از او برمی دارد.» (۶)
- امام سجاد (علیه السلام): «هر کس مؤمن گرسنه ای را غذا دهد، خداوند از میوه های بهشتی به او می خوراند و هر کس مؤمن تشنه ای را سیراب کند، خداوند از شراب مهرخورده بهشتی به او می نوشاند.» (۷)
- امام محمد باقر (علیه السلام): «خداوند، ریختن خون ها [ی قربانی] و غذا دادن و دست گیری از درماندگان را دوست دارد.» (۸)
- از معصوم (علیهم السلام): «برترین شفاعت و میانجی گری، میانجی گری در امر ازدواج است.» (۹)
- «هر کس یک نیاز برادر مؤمنش را برآورد، خداوند، صد حاجت او را مقدر می کند که یکی از آنها بهشت است.» (۱۰)

ص: ۱۳۷

۱- . بحارالانوار ، ج ۷۱ ، ص ۳۳۳.

۲- . غررالحکم ، ش ۶۵۸۵

۳- . مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۴۲۴

۴- . کافی ، ج ۳ ، ص ۵۰۴.

۵- . بحارالانوار ، ج ۷۲ ، ص ۱۷۳.

۶- . بحارالانوار ، ج ۷۴ ، ص ۳۱۱.

۷- . کافی ، ج ۲ ، ص ۲۰۱.

۸- . بحارالانوار ، ج ۷۲ ، ص ۲۲.

۹- . میزان الحکمه ، ح ۹۴۶۷.

۱۰- . بحارالانوار ، ج ۷۱ ، ص ۳۰۴.

- «بر مؤمن واجب است که در حضور و پنهان، خیرخواه مؤمن باشد». (۱)

- «بالاترین درجه در قیامت، از آن مردمی است که برای خیرخواهی مردم در زمین گام برمی دارند». (۲)

- «بنده ای وارد بهشت شد، به سبب خاری که از سر راه مسلمانان برداشت». (۳)

- «تا زمانی که بنده، برادرش را کمک می کند، خداوند، او را کمک می کند». (۴)

- «خداوند آن کس را که سبک جان، آسان خو و سبک بار باشد، دوست دارد». (۵)

- «صدقه زبان، میانجی گری در آزاد کردن اسیری یا پیش گیری از ریخته شدن خونی یا در جلب امری پسندیده به سوی برادرت است». (۶)

- «[فرزندان من]، دشمن ستمگر و یار ستم دیده باشید». (۷)

- «اگر کسی گمراهی را هدایت کند، گویا او را حیات بخشیده است». (۸)

- «بهترین برادرانتان، کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه دهد». (۹)

- «بهترین شرط حفظ برادری، هم دردی است». (۱۰)

- از ائمه معصوم (ع): «در تسلیت دادن [به مصیبت دیده] همین بس که وی تو را حاضر ببیند». (۱۱)

ص: ۱۳۸

- ۱- . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۲۰۸ .
- ۲- . اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۲۰۸ .
- ۳- . منتخب میزان الحکمه ، ش ۴۱۹۲ .
- ۴- . بحار الانوار ، ج ۷۴ ، ص ۳۱۲ .
- ۵- . دوستی در قرآن و حدیث ، ص ۳۷۳ .
- ۶- . بحار الانوار ، ج ۷۳ ، ص ۴۴ .
- ۷- . بحار الانوار ، ج ۱۰۰ ، ص ۹۰ .
- ۸- . کافی ، ج ۲ ، ص ۲۱۰ .
- ۹- . دوستی در قرآن و حدیث ، ص ۲۴۴ .
- ۱۰- . دوستی در قرآن و حدیث ، ص ۲۴۰ .
- ۱۱- . منتخب میزان الحکمه ، ش ۴۲۴۹ .

- «بُخل، جامع همه عیب های بد است و زمامی است که انسان را به سوی هر بدی رهبری می کند».(۱)
- «از سستی و کم حوصلگی بپرهیز که این دو، تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارد».(۲)
- «کسی که مؤمن نیازمندی را رد می کند، رحمت خداوند را از خود رد کرده است».(۳)
- «کار خالص آن است که نخواستی کسی جز خداوند، تو را بر آن ستایش کند».(۴)
- «منت گذاشتن مایه نابودی کار نیک می شود».(۵)
- «چون تصمیم گرفتی کار خیری انجام دهی، شتاب کن؛ چون نمی دانی که [در آینده] چه رخ خواهد داد».(۶)
- «آنکه دری از خیر بر رویش باز شد، باید آن را غنیمت شمارد؛ چون نمی داند کی بر روی او بسته خواهد شد».(۷)
- «اسراف سبب نابودی مال و ثروت و نقصان و میانه روی مایه فزونی ثروت است».(۸)
- «انفاق در حال تنگ دستی و ناداری، از حقایق ایمان است».(۹)
- «هیچ گاه از پیامبر چیزی درخواست نشد که پیامبر در پاسخ آن «نه» بگوید».(۱۰)
- «ما به غیر مستحق، از ترس رد مستحق کمک می کنیم».(۱۱)

ص: ۱۳۹

- ۱- . نهج البلاغه ، حکمت ۳۷۸.
- ۲- . کافی ، ج ۵، ص ۸۵.
- ۳- . بحارالانوار ، ج ۷۱، ص ۳۲۴.
- ۴- . اصول کافی ، ج ۲، ص ۱۶.
- ۵- . مستدرک الوسائل ، ج ۱۲، ص ۴۳۹.
- ۶- . اصول کافی ، ج ۲، ص ۱۴۲.
- ۷- . بحارالانوار ، ج ۷۷، ص ۱۶۵.
- ۸- . جامع احادیث الشیعه ، ج ۱۷، ص ۱۱۰.
- ۹- . میزان الحکمه ، ج ۱۳، ص ۶۴۵۲، ح ۳۹۴۶.
- ۱۰- . میزان الحکمه ، ص ۲۳۳۸.
- ۱۱- . بحارالانوار ، ج ۹۳، ص ۱۵۹.

(۱)

۱. بنا به فرمایش امام صادق (علیه السلام)، کدام عمل سبب رفع هفتاد گرفتاری از انسان در دنیا و آخرت می شود؟

الف) زیارت خانه خدا ب) راست گویی ج) رفع مشکل انسان های باایمان n

۲. بنا به فرمایش امامان معصومین (ع) کدام عمل ثواب بیشتری دارد؟

الف) خواندن نمازهای نافله ب) رفع گرفتاری مسلمانان n ج) به جا آوردن حج مستحبی

۳. از دیدگاه روایت های اسلامی، بهترین نوع میانجی گری چیست؟

الف) میانجی گری در پیدا کردن کار برای کسی

ب) میانجی گری در آشتی دادن دو نفر که با هم قهر هستند

ج) میانجی گری برای ازدواج دو نفر n

۴. اگر دو کشور اسلامی با هم جنگ کنند، وظیفه دیگر دولت های اسلامی چیست؟

الف) کمک رسانی تسلیحاتی به کشور دوست خود

ب) آشتی دادن آن دو کشور n

ج) هیچ وظیفه ای ندارند

۵. دروغ گفتن در کدام یک از موارد زیر جایز نیست؟

الف) برای صلح دادن دو مسلمان

ب) برای حفظ جان یک بی گناه

ج) برای کسب و کار بیشتر n

۶. چه کاری سبب باطل و بی اثر شدن صدقه می شود؟

الف) دروغ گفتن ب) منت گذاشتن n ج) دشنام دادن

۷. نشانه اخلاص در نیکوکاری چیست؟

الف) زیاد نیکوکاری کردن ب) احترام به نیازمندان

ج) توقع جبران نداشتن n

۸. شتاب کردن در کجا پسندیده است؟

الف) در کار خیر n ب) در قضاوت کردن

ج) در هر کاری

۹. شخصی قسم خورده است که در هیچ دعوایی دخالت نکند و میانجی گری نکند. وظیفه او چیست؟

الف) نباید به سوگند خود عمل کند، ولی باید کفاره شکستن سوگندش را بپردازد.

ص: ۱۴۰

۱- . بیشتر پرسش ها بر اساس متن تحقیق مطرح شده است.

ب) سوگند او اعتبار ندارد و کفاره هم لازم نیست. n

ج) باید به سوگند خود عمل کند.

۱۰. منت گذاشتن که عملی ناپسند است، به چه معنا است؟

الف) خدمت کردن به دیگران

ب) به زبان آوردن خدمت به دیگران n

ج) پس گرفتن کمک خود به دیگران

۱۱. این جمله از کیست: «کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید مانند طیبی مهربان عمل کند.»

الف) شهید مطهری ب) شهید بهشتی ج) امام خمینی (ره) n

۱۲. کدام یک از این بدی ها همه بدی ها را در خود دارد؟

الف) بخل n ب) غیبت ج) دزدی

۱۳. به فرمایش پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، بهترین نوع صدقه چیست؟

الف) صدقه دادن نقدی ب) صدقه زبانی n

ج) غذا دادن به گرسنگان

۱۴. کدام مورد، صدقه زبان است که به فرمایش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بهترین نوع صدقه است؟

الف) راست گویی ب) واسطه گری در نجات بی گناه n

ج) سلام کردن

۱۵. هنگامی که شخصی از دنیا می رود، نسبت به شخص مصیبت دیده، کدام یک از موارد زیر از سنت های اسلامی است؟

الف) دعوت کردن مردم و غذا دادن به آنان

ب) غذا بردن برای صاحبان عزا n

ج) بردن دسته گل در مجلس عزا

۱۶. کدام یک، سبب کاهش بزه کاری در جامعه می شود؟

الف) آزادی های سیاسی

ب) آزادی های اجتماعی به جوانان

ج) گسترش روحیه تعاون و هم دلی n

پرسش های مردمی

۱. اگر شما در بستگان یا همسایگان خود نیازمندی ببینید، چگونه با آنان برخورد خواهید کرد؟

۲. آیا تاکنون اتفاق افتاده است که در جمع فامیل یا همسایگان یا دوستان، شخصی به شدت گرفتار باشد و شما به او کمک کرده باشید؟

ص: ۱۴۱

پس از کمک کردن چه احساسی به شما دست می دهد؟

۳. (دو پرسش از نیکوکاران) آیا مشارکت در کارهای خیر، سبب فقر و ناداری انسان نمی شود؟ به چه دلیل؟

۴. آیا برای شما اتفاق افتاده که دو نفر را آشتی داده باشید؟ چگونه؟

۵. صدقه دادن پنهانی بهتر است یا آشکار؟

۶. اگر خدای ناکرده یکی از بستگان شما به جرم قاچاق مواد مخدر برای چندین بار به زندان افتاده باشد، آیا برای نجات او

کوشش می کنید؟ چرا؟

پرسش های کارشناسی

۱. یکی از آرمان های اسلامی، تحقق جامعه دینی بر اساس برادری و برابری است. آن را توصیف و تبیین کنید.

۲. جامعه اسلامی ما را در رسیدن به این آرمان، در چه مرحله ای ارزیابی می کنید؟

۳. از منظر روان شناختی، گره گشایی چه آثار مثبت روانی برای کمک کننده یا کمک شونده پدید می آورد؟

۴. رابطه گره گشایی و نیکوکاری با کاهش بزه کاری در جامعه چیست؟

۵. به نظر شما، راه نهادینه کردن «میانجی گری در اختلاف های خانوادگی» چیست؟

۶. گره گشایی در جامعه، دولتی باشد بهتر است یا مردمی؟

۷. اداره نهادهای گره گشا همچون کمیته امداد امام خمینی (ره) با کمک های دولتی بهتر است یا کمک های مردمی؟

۸. راه فراگیر شدن گره گشایی در امور مادی در سطح جامعه چیست؟

۹. راه کارهای رسیدن به گره گشایی در امور معنوی، در سطح فراگیر آن چیست؟

۱۰. راه کارهای گسترش سنت قرض الحسنه به معنای دقیق اسلامی آن در کشور چیست؟

۱۱. از منظر قرآن و روایت های دینی، انفاق مال سبب فقر انفاق کننده نمی شود، بلکه برعکس، مایه برکت و فزونی است. از

چه راه هایی می توان به این باور دینی رسید و آن را از عمق جان پذیرفت؟

۱۲. به نظر شما عصر مدرنیته بر روابط عاطفی و روحیه احسان و نیکوکاری در سطح دنیا چه تأثیری گذاشته است؟

۱۳. موانع گره گشایی و میانجی گری در جامعه چیست؟

ص: ۱۴۳

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه ، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرمؤمنان(ع)، ۱۳۸۴.

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه ، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴-هـ. ق.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ هـ. ق.

۳. ابن منظور، لسان العرب ، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۱۶-هـ. ق.

۴. بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن ، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۴-هـ. ق.

۵. برونو، فرانک، فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان شناسی، ترجمه: مهشید یاسایی و فرزانه طاهری، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۳.

۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم ، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۷. جعفریان، رسول، سیره رسول خدا(صلی الله علیه و آله) ، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۸.

۸. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه ، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۱-هـ. ق.

۹. حسن زاده، صادق، اسوه پارسایان (شرح حال آیت الله مرحوم میرزا علی احمدی میانجی) ، قم، انتشارات آل علی، ۱۳۷۹.

۱۰. حموی، ابوبکر محمد بن علی، ثمرات الأوراق ، مصر، مکتبه مکتبه الخانجی، چاپ اول، ۱۹۷۱م.

۱۱. حافظ شیرازی، محمد، دیوان اشعار (بر اساس نسخه علامه قزوینی و دکتر غنی)، به اهتمام: حسن اعرابی، قم، رواق اندیشه، ۱۳۷۹.

۱۲. راجح، احمد عزت، اصول علم النفس ، قاهره، المکتب المصری الحدیث للطباعه و النشر، ۱۹۷۱م.

۱۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن الکریم ، استانبول ، دار قهرمان، ۱۹۸۶م.

۱۴. ژ. هادفیلد، روان شناسی و اخلاق ، ترجمه: علی پریور، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.

۱۵. سعدی، مصلح الدین، گلستان ، تصحیح: علی شیروانی، قم، نشر طلا، ۱۳۷۵.

۱. - ، کلیات ، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع ، بیروت، مؤسسه اعلمی، بی تا.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۴. - ، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ هـ - ق.
۵. ، (المنتقى من) سنن النبی ، [گزیده عربی سنن النبی]، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ هـ - ق.
۶. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، جامع احادیث الشیعه ، قم، چاپ خانه مهر، ۱۳۷۷.
۷. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق ، ترجمه: هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۳.
۸. فیض کاشانی، محمد، دیوان کامل ، تهران، نشر چکامه، چاپ سوم، بی تا.
۹. ، المحججه البیضاء ، الطبعة الثانیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول و الفروع من الکافی ، تهران، اسوه، ۱۳۷۶.
۱۱. ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ - ق.
۱۲. گرامی، غلام حسین، انسان شناسی ، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴.
۱۳. ماوردی، ابوالحسن، ادب الدنیا والدین ، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ هـ - ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأئمه الاطهار ، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ هـ - ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث ، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۶. ، کیمیای محبت ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸.
۱۷. ، میزان الحکمه ، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۸. ، منتخب میزان الحکمه ، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۹. مختاری، رضا، سیمای فرزنانگان ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین)، بی تا.

۲۱. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، ۱۳۸۴.

۲۲. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعه نجف، ۱۳۸۳هـ - ق.

۲۳. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸، چاپ دوم، هـ - ق.

ص: ۱۴۵

۱. - ، کلیات ، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع ، بیروت، مؤسسه اعلمی، بی تا.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۴. - ، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ هـ - ق.
۵. ، (المنتقى من) سنن النبی ، [گزیده عربی سنن النبی]، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ هـ - ق.
۶. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، جامع احادیث الشیعه ، قم، چاپ خانه مهر، ۱۳۷۷.
۷. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق ، ترجمه: هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۳.
۸. فیض کاشانی، محمد، دیوان کامل ، تهران، نشر چکامه، چاپ سوم، بی تا.
۹. ، المحججه البیضاء ، الطبعة الثانیه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول و الفروع من الکافی ، تهران، اسوه، ۱۳۷۶.
۱۱. ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ - . ق.
۱۲. گرامی، غلام حسین، انسان شناسی ، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴.
۱۳. ماوردی، ابوالحسن، ادب الدنیا والدین ، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ هـ - . ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأئمه الاطهار ، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ هـ - . ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث ، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۶. ، کیمیای محبت ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸.
۱۷. ، میزان الحکمه ، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۸. ، منتخب میزان الحکمه ، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۹. مختاری، رضا، سیمای فرزنانگان ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین)، بی تا.

۲۱. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، ۱۳۸۴.

۲۲. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعه نجف، ۱۳۸۳هـ - ق.

۲۳. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸، چاپ دوم، هـ - ق.

ص: ۱۴۶

۱. - ، کلیات ، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع ، بیروت، مؤسسه اعلمی، بی تا.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۴. - ، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ هـ - . ق.
۵. ، (المنتقى من) سنن النبى ، [گزیده عربی سنن النبى]، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ هـ - . ق.
۶. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، جامع احادیث الشیعه ، قم، چاپ خانه مهر، ۱۳۷۷.
۷. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق ، ترجمه: هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۳.
۸. فیض کاشانی، محمد، دیوان کامل ، تهران، نشر چکامه، چاپ سوم، بی تا.
۹. ، المحججه البيضاء ، الطبعة الثانية، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول و الفروع من الکافی ، تهران، اسوه، ۱۳۷۶.
۱۱. ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ - . ق.
۱۲. گرامی، غلام حسین، انسان شناسی ، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴.
۱۳. ماوردی، ابوالحسن، ادب الدنيا والدين ، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ هـ - . ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأئمه الاطهار ، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ هـ - . ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث ، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۶. ، کیمیای محبت ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸.
۱۷. ، میزان الحکمه ، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۸. ، منتخب میزان الحکمه ، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۹. مختاری، رضا، سیمای فرزنانگان ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین)، بی تا.

۲۱. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، ۱۳۸۴.

۲۲. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعه نجف، ۱۳۸۳هـ - ق.

۲۳. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸، چاپ دوم، هـ - ق.

ص: ۱۴۷

۱. - ، کلیات ، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲. شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، علل الشرایع ، بیروت، مؤسسه اعلمی، بی تا.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن ، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۳.
۴. - ، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ هـ - . ق.
۵. ، (المنتقى من) سنن النبى ، [گزیده عربی سنن النبى]، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۴۱۸ هـ - . ق.
۶. طباطبایی بروجردی، سید محمدحسین، جامع احادیث الشیعه ، قم، چاپ خانه مهر، ۱۳۷۷.
۷. فرانکنا، ویلیام کی، فلسفه اخلاق ، ترجمه: هادی صادقی، قم، مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۸۳.
۸. فیض کاشانی، محمد، دیوان کامل ، تهران، نشر چکامه، چاپ سوم، بی تا.
۹. ، المحججه البيضاء ، الطبعة الثانية، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول و الفروع من الکافی ، تهران، اسوه، ۱۳۷۶.
۱۱. ، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ هـ - . ق.
۱۲. گرامی، غلام حسین، انسان شناسی ، قم، نشر معارف، ۱۳۸۴.
۱۳. ماوردی، ابوالحسن، ادب الدنيا والدين ، تصحیح و تعلیق: مصطفی السقا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۹۸ هـ - . ق.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأئمه الاطهار ، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ هـ - . ق.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد، دوستی در قرآن و حدیث ، ترجمه: سیدحسین اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۶. ، کیمیای محبت ، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸.
۱۷. ، میزان الحکمه ، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.
۱۸. ، منتخب میزان الحکمه ، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۱۹. مختاری، رضا، سیمای فرزنانگان ، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۰. مطهری، مرتضی، داستان راستان، قم، انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین)، بی تا.

۲۱. مؤیدی بابلی، هدایت در حکایت، قم، مؤسسه نرم افزاری کوثر، ۱۳۸۴.

۲۲. نراقی، مولی محمد مهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعه نجف، ۱۳۸۳هـ - ق.

۲۳. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸، چاپ دوم، هـ - ق.

ص: ۱۴۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

